

فهرست مطالب

۷	بخش اول: معارف و اندیشه‌های اسلامی و انقلابی
۸	طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن
۸	درس اول: ایمان ۱
۱۰	درس دوم: ایمان ۲
۱۲	درس سوم: ایمان از روی آگاهی
۱۴	درس چهارم: ایمان زاینده و همراه با تعهدات عملی
۱۵	درس پنجم: ایمان و پایبندی به تعهدات
۱۹	سوالات تکمیلی
۲۰	نمونه سوالات تالیفی
۲۳	کتاب هم‌زمان حسین (ع)
۲۳	گفتار اول: گونه‌های مختلف بحث درباره مسئله امامت
۲۴	گفتار دوم: اهمیت شناخت چهره و سیره شناخته‌ا ئمه
۲۷	گفتار سوم: فلسفه و هدف امامت
۳۰	گفتار چهارم: انسان ۲۵۰ ساله مبارز
۳۲	گفتار پنجم: دوران‌های چهارگانه امامت
۳۳	گفتار ششم: بررسی برهه آغازین دوره چهارم امامت
۳۴	گفتار هفتم: حیات سیاسی امام صادق
۳۶	گفتار هشتم: اقدامات حاد ائمه و برخورد با علما و شعرای درباری
۳۷	گفتار نهم: امام زادگان انقلابی
۳۹	گفتار دهم: تقیه
۴۱	نمونه سوالات تالیفی
۴۵	بخش دوم: تاریخ فرهنگ و تمدن
۴۶	خدمات متقابل ایران و اسلام شهید مرتضی مطهری
۷۵	سوالات تکمیلی
۷۸	نمونه سوالات تالیفی
۸۱	فصل دوم: مروری بر دستاوردهای چهل ساله انقلابی اسلامی
۹۷	سوالات تکمیلی
۹۸	نمونه سوالات تالیفی

۱۰۱	فصل سوم: توسعه و مبانی تمدن غرب سیدمرتضی آوینی
۱۰۸	سوالات تکمیلی
۱۰۹	نمونه سوالات تالیفی
۱۱۳	بخش سوم: تعلیم و تربیت اسلامی
۱۱۴	فصل اول: تعلیم و تربیت در اسلام
۱۴۳	فصل دوم: تعلیم و تربیت اسلامی
۱۶۰	سوالات تکمیلی
۱۶۴	نمونه سوالات تالیفی
۱۶۷	بخش چهارم: دانش سیاسی و اجتماعی و حقوق اساسی
۱۶۸	فصل اول: بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران
۱۷۹	فصل دوم: قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
۱۹۷	سوالات تکمیلی
۱۹۹	بخش پنجم: توانایی‌های عمومی ذهنی
۲۷۵	اصل سوالات حیطه عمومی استخدامی آموزش و پرورش (آموزگار ابتدایی) اردیبهشت ۱۴۰۲
۲۸۸	پاسخنامه تشریحی
۲۹۹	اصل سوالات حیطه عمومی استخدامی آموزش و پرورش مرداد ۱۴۰۲

بخش اول

معارف و اندیشه‌های

اسلامی و انقلابی

طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن

فصل اول: ایمان ۱

تقوا

رهبانیون مسیحیت برای اینکه دامانشان به گناه آلوده نشود رهبانیت^۱ پیشه کردند و به غارها و کوهها و بیغولهها پناهنده شدند. قرآن می‌فرماید: «وَرَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ» رهبانیتی که آنان از خود درآوردند، به صورت بدعتی^۲ بود و ما بر آنان رهبانیت را ننوخته بودیم. اما یک انسان مسلمان سعی می‌کند غریق، بیمار و... را نجات بدهد؛ در واقع یک مسلمان خودش را دارای تقوا می‌کند؛ یعنی آن تجهیز لازم را در مقابل آسیب گناه بر تن می‌پوشد و وارد منطقه گناه می‌شود، برای دستگیری گناهکاران؛ خلاصه‌ی تقوا این است.

تست: مجهز شدن در مقابل آسیب و گناه به کدام یک از گزینه‌های زیر اشاره دارد؟

(۱) تقوا (۲) رهبانیت (۳) اطاعت (۴) ایمان

پاسخ: گزینه ۱ صحیح است.

با تقوا کیست؟

الَّذِينَ يَنْفِقُونَ فِي اسْرَاءٍ وَ الضَّرَاءِ وَ الْكَاطِمِينَ الْغَيْظِ وَ الْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَ اللَّهُ يَحِبُّ الْمُحْسِنِينَ
معنی آیه: آن کسانی که انفاق می‌کنند در خوشی و ناخوشی و فروبرندگان خشم و گذرندگان از مردم و خدا دوست می‌دارد مردمان احسان کننده را.

سه ویژگی مهم باتقوایان: انفاق در خوشی و ناخوشی، فروبردن خشم، گذشتن از خطاهای مردم.
انفاق یعنی چه؟ انفاق به معنای خرج کردن می‌باشد اما گفتن این نکته ضروری است که به هر خرج کردنی انفاق نمی‌گویند بلکه منظور از انفاق خرج کردنی است که با آن خلایق پر شود. یک نیاز راستینی برطرف شود.
فرو بردن خشم یعنی چه؟ یعنی براساس احساسات عمل نکردن و همه‌جا براساس عقل عمل کردن. البته این به معنای فراموش کردن خشم نیست بلکه گاهی عقل هم با خشم‌های درست همراه است.
وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَ مَنْ يَغْفِرِ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَ لَمْ يَصِرُوا عَلٰى مَا فَعَلُوا وَ هُمْ يَعْلَمُونَ.
معنی آیه: آن کسانی که چون گناه بزرگی انجام دهند، یا بر خویشان ستم می‌کنند به یاد خدا بیافتند. پس فوراً طلب غفران و مغفرت می‌کنند برای گناهانشان. و چه کسی غفران و مغفرت را می‌بخشد به جز خدا؟ و آن کسانی که بر آن چه که می‌دانند گناه است، اصراری نوزند.
دو ویژگی دیگر باتقوایان: باقی نماندن در وادی غفلت (یاد خدا پس از ارتکاب گناه) و استغفار از گناه.
یاد خدا حربه‌ای است در دست ما علیه شیطان‌ها. یاد خدا ریسمانی است در اختیار ما، برای نجات از ورطه‌ای که دشمنان هوشیاری ما در برابر ما به وجود آورده‌اند. یاد خدا خیلی چیز ارزشمند و قیمتی است.

رحمت خدا

ما می‌گوییم که اگر گناهکاریم، اگر نافرمانی خدا کردیم، اگر به واجبات و تعهدات و تکالیف عمل نکردیم، اگر چنانچه از منطقه ممنوعه پروردگار پا عقب نکشیدیم؛ فقط یک امیدواری داریم، آن چیست؟ آن رحمت خداست. خدا با رحمتش با ما عمل کند، خدا به ما رحم کند، این حرف ماست؛ یعنی حرف معمول اجتماع ما و مردم ما این است. رحم خدا و رحمت پروردگار را عموماً جایگزین عمل کردن یا برای آن جا که عمل نکردیم و نافرمانی کردیم و مسئولیت و تعهد الهی نداشتی، می‌دانیم. در واقع رحم

^۲ نوآوری، رسم نو

^۱ زهد، گوشه نشینی

بخش دوم

تاریخ فرهنگ و تمدن

خدمات متقابل ایران و اسلام شهید مرتضی مطهری

در حدود نود و هشت درصد از ما مردم ایران مسلمانیم. ما مسلمانان ایرانی حب به اسلام به حکم این که مذهب ماست ایمان و اعتقاد داریم و به ایران به حکم این که میهن ماست مهر می‌ورزیم. از این رو سخت علاقه‌مندیم که مسائلی را که از یک طرف با آن چه به آن ایمان و اعتقاد داریم و از طرف دیگر با آن چه به آن مهر می‌ورزیم پیوند دارد روشن درک کنیم و تکلیف خود را در آن مسائل بدانیم. عمده این مسائل در سه پرسش ذیل خلاصه می‌شود:

۱- ما هم احساسات مذهبی اسلامی داریم و هم احساسات میهنی ایرانی، آیا دارای دو نوع احساس متضاد می‌باشیم یا هیچ‌گونه تضاد و تناقضی میان احساسات مذهبی ما و احساسات ملی ما وجود ندارد؟

۲- دین ما اسلام آن گاه که در چهارده قرن پیش به میهن ما ایران وارد شد چه تحولات و دگرگونی‌ها در میهن ما به وجود آورد؟ آن دگرگونی‌ها در چه جهت بود؟ از ایران چه گرفت و به ایران چه داد؟ آیا ورود اسلام به ایران برای ایران موهبت بود یا فاجعه؟

۳- ملل بسیاری به اسلام گرویدند و در خدمت این دین درآمدند و در راه نشر و بسط تعالیم آن کوشیدند و با تشریک مساعی با یکدیگر تمدنی عظیم و باشکوه به نام تمدن اسلامی به وجود آوردند. سهم ما ایرانیان در این خدمت چه بوده است؟ ایران چه مقامی از این جهت دارد؟

کتاب حاضر مشتمل بر سه بخش است:

۱- اسلام و مسئله ملیت

۲- خدمات اسلام به ایران

۳- خدمات ایران به اسلام

کتاب حاضر اولین کتاب است در موضوع خودش. زمینه تحقیق در این مسائل فراهم است و مسلماً اگر بنا باشد بحث کافی در همه مسائل مشترک اسلام و ایران به عمل آید چند مجلد بزرگ خواهد شد.

مفهوم ناسیونالیسم با شکل فعلی و مرسوم وی در جهان از اوایل قرن نوزدهم در آلمان پیدا و مطرح شد و اصولاً یکی از تبعات و واکنش‌هایی است که در برابر انقلاب کبیر فرانسه، در اروپا به وجود آمد.

✓ **تست:** مهم‌ترین حادثه‌ای که در اروپا (آلمان) رخ داد کدام است؟

(۱) عصیان و اعتراض علیه اشرافیت

(۲) شکل‌گیری دولت‌های سوسیالیستی

(۳) واکنش‌های ناسیونالیستی در برابر شعارهای فرانسه

(۴) همهٔ موارد

✓ **پاسخ:** گزینه ۳ صحیح است.

✓ **تست:** کدام عوامل در پدید آمدن ناسیونالیسم آلمان و روی کار آمدن هیتلر نقش داشت؟

(۱) میل به آزادی و برابری در نتیجهٔ واکنش علیه فرانسویان

(۲) مخالفت با اشراف

(۳) ویژگی‌های نژادی، جغرافیایی و نبوغ ذاتی

(۴) اندیشهٔ ناسیونالیستی

✓ **پاسخ:** گزینه ۴ صحیح است.

انقلاب کبیر فرانسه، خود واکنش و عصیانی بود در برابر طرز فکر اشرافی کهن که به کلی برای توده مردم و عامه خلق ارزشی قائل نبود. از آن زمان به بعد بود که تم اصلی در سخنان گویندگان و آثار نویسندگان و فلاسفه، "ملت" و توده مردم و آزادی و برابری آحاد آن گردید.

در قرن نوزدهم، سه واکنش یا گرایش اساسی در برابر شعارهای انقلاب فرانسه ظهور کرد:

- ۱- واکنش ناسیونالیستی
- ۲- واکنش محافظه کاری
- ۳- واکنش سوسیالیسم دو گرایش نخستین را، فلاسفه سیاسی، منحرف از اصول یا ضدانقلابی و گرایش سومین را، عدالت طلبانه خوانده‌اند.

✓ **تست:** کدام یک از حوادث در رابطه با انقلاب کبیر فرانسه رخ داد؟

۱) انقلاب بلشویک‌ها در شوروی ۲) قدرت گیری هیتلر

۳) شکل گیری ناسیونالیزم ۴) استعمار شرق

پاسخ: گزینه ۳ صحیح است.

✓ **تست:** سه واکنش در برابر شعارهای فرانسه در قرن ۱۹ کدامند؟

۱) واکنش مارکیستی - سوسیالیزم - فاشیستی

۲) واکنش ناسیونالیستی - سوسیالیستی - محافظه کاری

۳) سوسیالیستی - مارکیستی - محافظه کاری

۴) هیچکدام

پاسخ: گزینه ۲ صحیح است.

ناسیونالیسم پس از آمیخته‌ای از نظریات، متفکرانی چون شارل موراس و بارس را داشت که افکار و عقاید ناسیونالیستی، کشورهای گوناگون اروپا را تدوین و تنظیم کردند. موراس، فکر واحد ملی (تفکیک‌ناپذیر) را تا آنجا پیش برد که برای مجموعه ملت یک شخصیت واقعی حاکم بر شخصیت و اراده فرد قائل شد. و این شخصیت جمع را در وجود دولت پیاده کرد.

از آن پس، سراسر قرن نوزدهم تا نیمه اول قرن بیستم، دوران ظهور و بروز و تکامل افکار ناسیونالیستی در جوامع اروپایی گردید. گرایش‌های سوسیالیستی یا محافظه کاری در اروپا، گرچه در زمینه‌های اجتماعی و سیاسی روی افکار روشن‌فکران آثار فراوانی گذاشت معذک رنگ ناسیونالیستی دولت‌های اروپایی آن‌چنان شدید بود که هرگونه رنگ دیگر را، اعم از رنگ لیبرال، رنگ کنسرواتیسم یا رنگ سوسیالیستی مارکس را تحت‌الشعاع قرار داد.

معیارهای کلاسیک ما باعث شده که جدایی و تمایزی بین مردم مختلف روی زمین، از ترک و فارس و عرب تا آفریقایی و اروپایی و آسیایی و ... مشاهده کنیم. نه فقط رنگ‌ها و شکل و شمایل‌ها، زبان‌ها و خصوصیات فیزیکی مختلفند، رسوم و سنن و فرهنگ‌ها و حتی طرز فکرها و ویژگی‌های روحی و روانی هم مختلف‌اند. اگر بخواهیم این مردم گوناگون را به صورت واحدهای اجتماعی مستقلی طبقه‌بندی کنیم، آیا صرفاً رنگ و نژاد و شرایط اقلیمی و مرزهای جغرافیایی را باید ملاک تفکیک قرار دهیم یا سنن و سوابق تاریخی و فرهنگ‌ها یا عواملی دیگر را؟

نکته: احساس ملی یا ناسیونالیسم عبارت است از وجود احساس مشترک یا وجدان و شعور جمعی در میان عده‌ای از انسان‌ها که یک واحد سیاسی یا ملت را می‌سازند. این وجدان جمعی است که در درون شخصیت افراد حاضر جامعه و بین آن‌ها و

گذشتگان و عقایدشان رابطه و دلبستگی‌هایی ایجاد می‌کند و روابط و مناسبات آن‌ها را باهم و با سایر ملل رنگ می‌دهد و آمل و آرمان‌های آنان را به هم نزدیک و منطبق می‌سازد.

✓ **تست:** وجود احساس مشترک در میان عده‌ای از انسان‌ها که یک واحد سیاسی را شکل می‌دهند در تعریف

کدام گرایش آمده است؟

- ۱) سوسیالیسم ۲) ناسیونالیسم ۳) راسیسم ۴) همه موارد

پاسخ: گزینه ۲ صحیح است.

نکته: تعریف کلاسیک غربی این است که این وجدان جمعی زاینده شرایط اقلیمی، نژادی، زبان مشترک، سنن و آداب تاریخی و فرهنگ مشترک است.

✓ **تست:** چه عاملی سبب شناخت و تمییز فرهنگ ملت‌ها می‌شود؟

- ۱) خصوصیات نژادی ۲) زبان ۳) سنن و آداب اجتماعی ۴) همبستگی ملی

پاسخ: گزینه ۳ صحیح است.

ولی دقت بیشتری در واقعیت‌های فردی و اجتماعی بشر نشان می‌دهد که این عوامل نقش بنیانی و درونی در تکوین وجدان جمعی ندارند و نمی‌توانند برای همیشه مایه و ملاط چسبندگی و پیوستگی افرادی از ابناء بشر تحت یک ملیت گردند.

✓ **تست:** عواملی چون اقلیم و نژاد، زبان مشترک و فرهنگ و آداب تاریخی سبب پدید آمدن کدام پدیده می‌باشد؟

- ۱) نژاد پرستی ۲) وجدان جمعی ۳) همبستگی ملی ۴) همه موارد

پاسخ: گزینه ۲ صحیح است.

← زبان

بدیهی است که در اولین مراحل تکوین یک ملیت، زبان و سنن مشترک عامل معارفه و نزدیکی افراد به هم و کانالی برای ارتباط قلوب و عواطف و در نتیجه رشد شعور جمعی و ملی است. ولی به گذشته ملت‌ها که مراجعه می‌کنیم عامل زبان مشترک را نه یک عنصر سازنده بلکه عامل محصول ملیت می‌یابیم.

✓ **تست:** کدام پدیده عامل رشد جمعی و ملی است؟

- ۱) فرهنگ ۲) زبان ۳) نژاد ۴) اخلاق

پاسخ: گزینه ۲ صحیح است.

زبان هیچ یک از ملت‌ها از ابتدای تکوین‌شان، به صورت فعلی نبوده، بلکه پس از جمع شدن و پیوند یافتن قلوب جماعت در سرزمینی معین، زبان آن‌ها هم با ایشان به وجود آمده، تکامل پیدا کرده و قواعد و اصول آن گسترش یافته و در طی قرن‌ها، با برخورد با زبان‌های ملل دیگر تغییر شکل‌ها و تحولاتی ممتد به خود پذیرفته تا به حد امروزی رسیده است. اگر در دوره‌های معینی از تاریخ یک ملت، مثلاً مبارزه استقلال، زبان یا سنن معینی جلوه و ظهور بیشتر یافته و سمبل و شعار آرمان ملی می‌گردد، چنان‌که زبان هندی به هنگام مبارزه استقلال طلبی هند و زبان عربی به دوران جنگ‌های آزادی بخش الجزایر چنین نقشی داشته‌اند، ولی این جلوه و ظهوری موقت است و تنها حکم انگیزنده توده ملت را دارد.

← نژاد

تحقیقات تاریخی و جامعه‌شناسی نشان می‌دهد که همه نژادهای بشری، در صورت حضور شرایط اجتماعی و اخلاقی معین می‌توانند از تمام خصوصیات انسان‌ها برخوردار شوند. چنان‌که اعراب قبل از اسلام مجمعی از تعصبات و نزاع و ستیزه‌های

قبیله‌گی و خرافات محصول این تعصبات بودند، ولی با ظهور اسلام و ارمغان‌های اخلاقی و سنت‌های انقلابی توحیدی و عدالت اجتماعی که به ایشان داد همان خصوصیتی را یافتند که از متمدن‌ترین و راقی‌ترین جامعه‌های انسانی انتظار می‌رود.

✓ تست: تعصبات و نزاع قبیله‌ای از ویژگی‌های کدام جامعه بود؟

(۱) جامعه ایران (۲) اعراب قبل از اسلام (۳) چینیان (۴) رومیان

پاسخ: گزینه ۲ صحیح است.

✓ تست: پراکندگی و نبرد با دیگر قبایل از ویژگی کدام گروه در صدر اسلام است؟

(۱) بودایی (۲) اعراب (۳) هندیان (۴) گزینه ب وج

پاسخ: گزینه ۲ صحیح است.

اگر بعد از زمانی باز خصوصیات نژادی سابق آن‌ها شروع به خودنمایی و ظهور و بروز کرد، به سبب سستی گرفتن همان شرایط اخلاقی و سنت‌های اجتماعی و توحیدی اسلامی بود و این حاکی از آن است که مختصات نژادی اصالت دائمی و لایزال نداشته بلکه در تحت شرایط اجتماعی و اخلاقی دیگری می‌توان آن‌ها و نقش و اثر آنها را تغییر داد. ملت الجزایر نمونه و شاهد دیگری از این مدعاست.

← نژاد

در بین ملت‌های گوناگون سنت‌های ملی مشترک بسیار دیده می‌شود. سنت‌هایی که گاه هم‌چون زبان و نژاد وسیله شناخت و تمیز ملیت‌ها از هم می‌گردد. اما این سنن تا چه اندازه در تکوین ملت‌ها نقش و تأثیر داشته‌اند؟ رسوم و سنن و حتی فرهنگ‌ها نتیجه و محصول فعالیت ارادی و آگاهانه انسان‌های گذشته است و اگر از گذشته تا حال رابطه و پیوندی بین افراد و واحدهای جامعه نبود، این سنن هرگز نسل بعد نسل منتقل نمی‌شدند.

✓ تست: فعالیت و ... انسان سبب پدید آمدن رسوم و سنن و فرهنگ‌ها می‌شود.

(۱) غیرارادی - اجتماعی (۲) سیاسی - اقتصادی (۳) ارادی - آگاهانه (۴) همه موارد

پاسخ: گزینه ۳ صحیح است.

تا ملیت وجدان و جمعی نباشد، سنت و فرهنگی منتقل نمی‌گردد، پس سنت‌های ملی موجود هم خود محصول ملیت است و حیات و فعالیت انسان‌ها، نه مایه و پایه آن. وانگهی، سنت‌های اجتماعی موجود در یک ملت بر دو گونه‌اند: آن‌هایی که از معالی اخلاق و مجاهدات و مبارزات گذشته که از خصایص مقدس انسانی است، و تلاش‌های او برای حاکم ساختن عدل و نیکی و خصائل نشأت گرفته‌اند، و آن‌ها که از جهل و دنیاپرستی و روابط ظالمانه اجتماعی سرچشمه می‌گیرند. حاصل سنت‌های دسته اول زنده ماندن و حرکت و رقاء و شکوفایی ملت هاست، و محصول دومی عقب ماندن و انحطاط و تحقیق و اسارت مردم است در دست ارباب ثروت و حکومت.

← شرایط اقلیمی و طبیعی

اصولاً تکامل موجودات زنده در جهت آزادی از طبیعت و محیط بیرونی و نیز از غرایز درونی بوده است. انسان اولیه، که در منتهای این خط تکاملی قرار داشت، آزادترین موجود از اسارت طبیعت بود. ولی این آزادی نه چیزی مطلق بلکه بالنسبه به جاندارن قبل از انسان بوده.

بشرهای ابتدایی هنوز هم تحت تأثیر محرکات غریزی و طبیعی بودند و به تدریج که شعور و قوای ارادی در آن‌ها رشد یافت از تعلق و اسارت طبیعت آزاد گردیدند. در جامعه انسانی نیز اولین مراحل تکوین و تکامل وابستگی‌های افراد به هم ناشی از غرایز درونی یا عوامل طبیعی و محیطی بود. در اجتماعات اولیه عناصر اقلیمی و طبیعی و بعدها عاطفی و خانوادگی و قبیله‌گی، در

بافت وجدان عامل اساسی بود. ولی در جامعه رشد و تکامل یافته که عناصر دیگری وارد صحنه تأثیری بر روی روابط وجدانی و اجتماعی افراد انسان می‌شود، نقش و اثر عوامل طبیعی من جمله شرایط اقلیمی ناچیز و ناچیزتر می‌گردد. همیشه عاملی اساسی‌تر و مخفی‌تر در وجدان‌های مردم رو به بیداری و زنده شدن می‌رود و موجب حیات و تظاهر خارجی آن گاه به لباس زبان و زمانی به پوشش سنن ملی معینی جلوه می‌کند. غرض از تحقیق و پویندگی حقیقت این است که از این تجلیات و ظهور و نمودهای خارجی به سوی واقع مکنون حوادث و اشیاء هدایت شویم. در کشورهای پیشرفته و قدرت‌مند جهان امروز نیز استقلال سیاسی و مرزبندی‌های جغرافیایی مفهوم اولیه خود را از دست داده، به صورت دسته‌بندی‌های منطقه‌ای درآمده است. این موضوع حاکی از آن است که این‌گونه کشورها به‌خاطر مصالح جدیدی که برایشان مطرح شده است اختلافات زبانی و سنتی و فرهنگی و نژادی سابق خود را ناچیز و غیراصیل یافته‌اند و این اتحاد در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی نیز، به نحو بارزتری، شکل پیدا کرده است.

← نقش روشن‌فکران

در اجتماعات استعمارزده، عقب مانده، این روشن‌فکران هستند که می‌خواهند یا می‌کوشند که این شعور و وجدان جمعی را در مردم وطن خود بیدار کنند.

✓ تست: عامل استحکام وجدان جمعی در جوامع استعمار زده کدام است؟

(۱) بازیگران سیاسی (۲) روشن‌فکران (۳) جامعه‌شناسان (۴) همه موارد

پاسخ: گزینه ۲ صحیح است.

از آن‌جا که زبان و سنن و فرهنگ ملی در ذهن این روشن‌فکران مترادف است با واقعیت فعلی ملت که آمیخته‌ای است از گرفتاری‌ها و بدبختی‌ها و عقب ماندگی‌ها و محرومیت‌ها، روشن‌فکر از تبلیغ روی این سنت سرباز می‌زند و به سوی الگوهای دنیای پیشرفته و حاکم رو می‌آورد و می‌کوشد آن الگوها را برای ملت خود سرمشق تشکیل و تکوین شعور ملی قرار دهد.

← مرزهای واقعی

حال که عوامل مؤثر در پیدایش وجدان جمعی و همبستگی ملی یا عناصر سازنده ناسیونالیسم طبق تعریف کلاسیک غربی آن اصالت خود را از دست داده‌اند، آیا می‌توان ادعا کرد که اصولاً تفکیک و تمایزی بین واحدهای اجتماعی بشری موجود نیست و همه ملیت‌ها می‌توانند و باید در یکدیگر حل شوند و ملت واحدی بسازند؟ تجربه تاریخی و شواهدی که از مبارزات و تحولات اجتماعی کسب شده، نشان می‌دهد که به هر حال، در عالم انسان‌ها، اصناف و شعبی وجود دارند، اصنافی که از یکدیگر متمایزند و راه‌های مشخصی از یکدیگر دارند و امکان ادغام و اضمحلال آن در یکدیگر طبیعتاً وجود ندارد. تحولات اجتماعی و سیاسی و فرهنگی جهان معاصر روز به روز، وحدت و تفاهم جهان غرب با دنیای سوم را دورتر و ناممکن‌تر می‌سازد. هر قدر دم از همزیستی و صلح و وحدت جهانی زده شود باز هم عمل یا واقعیت، تحولات آن را دورتر و غیرعملی‌تر می‌سازد. تا زمانی که گرگ و گوسفندی در عالم هست، وحدت بین آن‌ها غیرممکن است. همین که جماعتی به هر عنوان اجتماعی سازمان یافته تشکیل دادند، بر هر اساس که باشد، اگر مطمئن نظرها شود و یا در معرض تجاوز و دست‌درازی‌هایی قرار گیرد، ناچار است مرزهای جغرافیایی و سیاسی و اقتصادی و یا فرهنگی و عقیدتی خود را حفظ کند.

← درد مشترک

این مردمی که در اطراف و اکناف عالم ارتباطات قلبی و آرمانی با یکدیگر پیدا می‌کنند، چه چیز مشترکی دارند که آنان را به هم پیوند می‌دهد، و در مقابل، آنان را از همسایه‌ها و هم‌وطنان خود می‌برد؟ این عامل درد مشترکی است که آن‌ها دارند: درد

از ظلم و تجاوز و استعمار. اتفاقاً پیدا شدن و تولد ناسیونالیسم ملت‌ها کاملاً مصادف با زمانی بوده است که توده مردمی یک احساس درد یا خلأ عمومی و مشترک کردند، ناسیونالیسم آلمانی همان زمان متولد شد که از تبعیض‌ها و دخالت فرانسویان احساس درد کردند، ناسیونالیسم ایتالیا یا مجار یا هند یا هند و چین و الجزایر نیز زمانی به وجود آمدند که یک احساس خلاء و درد، همه یا اکثریتی از مردم را فرا گرفت. محققان غربی تاریخ ایران می‌گویند در حقیقت ناسیونالیسم یا احساس جمعی ملیت در ایران از زمانی متولد شد که نهضت تحریم تنباکو به راه افتاد، یعنی آن زمان که جماعتی از مردم ایران احساس درد استعمار کردند. پس وجدان جمعی و احساس ملیت یا ناسیونالیسم، در میان جماعتی از مردم، زمانی متولد می‌شود که درد و طلب مشترکی در آن جمع به وجود آمده باشد، این طلب مشترک آنان می‌باشد که آرمان جمع‌شان را می‌سازد، و به دنبال همان است که به حرکت درمی‌آیند.

← عوامل وحدت

وقتی به تمام دردهایی که تا این زمان موجب و موجد ملت‌ها گردیده است رسیدگی و آن‌ها را با هم مقایسه کنیم عامل مشترکی در آن‌ها می‌یابیم: آن زمان که فیخته فیلسوف با حرارت و شدت ناسیونالیسم آلمانی را اعلام می‌کرد، یا گاندی و گاری‌بالدی برای استقلال هند و ایتالیا مبارزه می‌کردند، یا مردم ویتنام و فلسطین برای درمان دردشان آزادی و استقلال را طلب می‌کنند و آن زمان که طبقه و جماعتی از یک ملت قیام و انقلاب می‌کنند، دو عنصر مشترک در همه آنان وجود دارد و آن درد از ظلم و سیطره انسان‌ها و مؤسسات انسانی و طلب نفی این سیطره است. فیخته از سیطره و نفوذ سیاسی و فرهنگی فرانسه می‌خواست ملت آلمان را رها کند و گاندی از سیطره سیاسی و فرهنگی و اقتصادی انگلستان، و الجزایر، از تجاوز فرانسه. پس عامل مشترک در همه دردها و آرمان‌های ملی که موجد ملت‌های جهان شده همین احساس و اراده نفی ظلم و طلب عدالت است.

ما در جست‌وجوی عوامل اساسی موجود وجدان مشترک بودیم و به عنصر درد و طلب مشترک در برابر سیطره و استثمار انسان یا مؤسسات بشری، از انسان رسیدیم و دیدیم که این اشتراک درد آن زمان جمع‌کننده‌ای پایدار می‌شود که داعیه عدالت و حق و تقوا (به قول نویسندگان غربی: داعیه‌های انسانی و مترقی) خمیر مایه آن باشد. همین مایه و جوهر است که هم‌چون خود حیات، زنده و فزاینده و حیات بخش است و همین جوهر است که چون به قالب جماعتی از مردم تزریق شد، آن را به حرکت و پویایی و تکامل دسته‌جمعی و فرهنگ‌سازی و سنت آفرینی می‌انگیزد که همه این‌ها ظواهر استقلال و تمایز یک ملت‌اند.

ملت‌های اسلامی گوناگونی که این همه از هم جدایند، به لحاظ داعیه و جهان‌بینی تحت تعلیم و تلقین چنین آموزش‌هایی هستند و این خود فرهنگ مشترک این مردم را می‌سازد و همین فرهنگ اسلامی و توحیدی برای آن‌ها، قهرمانان و شهادتی تربیت کرده و خاطره‌ها و حماسه‌هایی به جا گزارده است که مجموعاً در بافت وجدان مشترک و اسلامی آن‌ها نقشی مهم دارد. هم‌زمان با این خواب، غرب مسیحی بیدار می‌شد با استفاده‌های سرشار از سنت‌های اجتماعی و فرهنگی و علمی اسلامی، غرب تمدن خود را بنا نهاد، تمدنی که صرف‌نظر از استفاده‌های علمی از سنت‌های اسلامی، از مایه‌های دنیا پرستانه و ثروت و تجاوز و حکومت دنیا، نشأت می‌گرفت. از چندین قرن پیش دنیای اسلام مورد هجوم و بهره‌کشی دشمنان غربی قرار گرفت نخست به هستی فرهنگی و اخلاقی و مذهبی آنها دست‌برد زد و سپس منابع مادی و اقتصادی آن را به یغما برد. آن خواب دیرینه و این هجوم استعمار، ملت‌های اسلامی را روزبه‌روز اسیرتر و خود باخته‌تر ساخت.

ما و اسلام به‌طوری که تاریخ شهادت می‌دهد، ما ایرانیان در طول زندگانی چندین هزار ساله خود با اقوام و ملل گوناگون عالم، به اقتضای عوامل تاریخی، گاهی روابط دوستانه و گاهی روابط خصمانه داشته‌ایم. یک سلسله افکار و عقاید در اثر این روابط از دیگران به ما رسیده است، هم‌چنانکه ما نیز به‌نوبه‌ی خود در افکار و عقاید دیگران تأثیر کرده‌ایم. هر جا که پای قومیت و ملیت دیگران به میان آمده مقاومت کرده و در ملیت دیگران هضم نشده‌ایم، و در عین این‌که به ملیت خود علاقه‌مند بوده‌ایم این علاقه‌مندی زیاد تعصب آمیز و کور‌کورانه نبوده و سبب کور باطنی ما نگشته است تا ما را از حقیقت دور نگاه دارد و قوه تمیز را

از ما بگیرد و در ما عناد و دشمنی نسبت به حقایق به وجود آورد. از ابتدای دوره هخامنشی که ایران کنونی به اضافه قسمت‌هایی از کشورهای همسایه، تحت یک فرمان در آمد تقریباً دو هزار و پانصد سال میگذرد. از تمام این بیست و پنج قرن، نزدیک چهارده قرن آن را، ما با اسلام به سربرده‌ایم و این دین در متن زندگی مان وارد و جزء زندگی ما بوده است، با آداب این دین کدام اطفال خود را برداشته‌ایم، با آداب این دین زندگی کرده‌ایم، با آداب این دین خدای یگانه را پرستیده‌ایم، با آداب این دین مرده‌های خود را به خاک سپرده‌ایم. تاریخ ما، ادبیات ما، سیاست ما، قضاوت و دادگستری ما، فرهنگ و تمدن ما، شئون اجتماعی ما، و بالاخره همه چیز ما با این دین توأم بوده است. نیز به اعتراف همه مطلعین، ما در این مدت، خدمات ارزنده و فوق‌العاده و غیرقابل توصیفی به تمدن اسلامی نموده‌ایم و در ترقی و تعالی این دین و نشر آن در میان سایر مردم جهان از سایر ملل مسلمان حتی خود اعراب بیشتر کوشیده‌ایم. هیچ ملتی به اندازه ما در نشر و اشاعه و ترویج و تبلیغ این دین فعالیت نداشته است. بنابراین حق داریم روابط اسلام و ایران را از جهات مختلف مورد بررسی قرار دهیم، و سهم خود را در نشر معارف اسلامی و نیز سهم اسلام را در ترقی مادی و معنوی خویش با دقت کامل و با اتکاء به مدارک معتبر تاریخی روشن نماییم.

← ملیت‌پرستی در عصر حاضر

یکی از مسائلی که در قرن حاضر مورد بحث و گفت‌وگو قرار گرفته است، مسئله "ملیت" است. در این روزها بسیاری از ملل عالم از جمله مسلمانان ایرانی و غیر ایرانی به این مسئله توجه خاصی پیدا کرده‌اند و حتی برخی از آنان به قدری در این مسئله غرق شده‌اند که حد و حسابی برای آن نمی‌توان قائل شد. حقیقت این است که مسئله ملیت‌پرستی در عصر حاضر برای جهان اسلام مشکل بزرگی به وجود آورده است. گذشته از اینکه فکر ملیت‌پرستی برخلاف اصول تعلیماتی اسلامی است، زیرا از نظر اسلام همه عنصرها علی‌السویه هستند، این فکر مانع بزرگی است برای وحدت مسلمانان.

← کشورهای عربی و پاکستان

آری این ملت‌ها قرن‌هاست نشان داده‌اند که با انگیزه فکری و اعتقادی و براساس یک ایدئولوژی می‌توانند وحدت به وجود آورند و قیام کنند و خود را از چنگال استعمارگران نجات دهند. سوق دادن چنین مردمی به سوی عامل احساس ملیت حقاً جز ارتجاع نامی ندارد. به هر حال موج عنصرپرستی و نژادپرستی که سلسله جنبان آن اروپاییانند مشکل بزرگی برای جهان اسلام به وجود آورده است. می‌گویید علت اینکه مرحوم سید جمال‌الدین اسدآبادی ملیت خود را مخفی می‌کرد این بود که نمی‌خواست خود را به یک ملیت معین وابسته معرفی می‌کند و احیاناً بهانه‌هایی به دست استعمارچیان بدهد و احساسات دیگران را علیه خود برانگیزد.

۱- مسئله قومیت و ملیت‌پرستی در کشورهای عربی نیز روز به روز بالا می‌گیرد، به طوری که گروه بی‌شماری از مردم این کشورها با آن که مسلمان هستند با تعصب خاصی، تنها به جنبه عربیت خود تکیه می‌کنند. و این خود هم‌چنان که می‌دانیم نوعی مبارزه است با مقیاس‌های وسیع اسلامی که تنها به جنبه‌های انسانی و معنوی متکی است. نیز همان‌طور که می‌دانیم زبان این کار در درجه اول متوجه خودشان گردیده است و با آن همه کثرت جمعیت و مصالح جنگی نتوانسته‌اند با اسرائیلی‌ها برابری نمایند. و بدون شک اگر اعراب به نیروی مذهبی خود تکیه می‌کردند هرگز دچار چنین شکستی نمی‌شدند. یکی از نویسندگان پاکستانی نوشته بود: در جنگ ژوئن اعراب و اسرائیل نیروی مذهبی یعنی صهیونیسم بر نیروی قومیت غلبه کرد اگرچه در این بیان نوعی اغراق و مبالغه وجود دارد یعنی عامل مذهب را در صهیونیسم زیاد دخالت داده است زیرا در قوم یهود همیشه نژاد بر مذهب غلبه داشته و دارد، ولی از آن جهت که اتکاء بی‌معنی اعراب را بر عربیت تخطئه می‌کند صحیح است. از این رو باید بحث خود را در دو قسمت ادامه دهیم: اول درباره مقیاس "ملیت" یعنی ملاک اینکه چیزی را جزء ملیت یک قوم یا خارج از ملیت یک قوم قرار دهیم چیست؟ قسمت دوم درباره اینکه طبق این مقیاس، آیا اسلام از نظر ملیت ایرانی یک امر "خودی" است یا یک بیگانه و اجنبی؟ در واقع مقایسه‌ای نیز از این بحث ما کبرایی دارد و صغرایبی. قسمت اول، کبرای بحث

۳) زبان فارسی با الفبای عربی
پاسخ: گزینه ۳ صحیح است.
 ۴) همهٔ زبان های هند و اروپایی

۱۷- ابتکارت فکری ایرانیان به دلیل و منجر به هستند.

۱) مبارزه با خلفای بنی امیه - نابودی اعراب
 ۲) حفظ استقلال ملی - پیدایش فرقهٔ شیعه
 ۳) حفظ استقلال ملی - مسلط شدن اعراب
 ۴) مبارزه با خلفای بنی امیه - پیدایش فرقهٔ شیعه
پاسخ: گزینه ۲ صحیح است.

۱۸- مذهب غالب اکثر علمای مسلمان ایرانی در صدر اسلام چه بود؟

۱) سنی
 ۲) شیعه
 ۳) هنوز مذاهب پدید نیامده بود
 ۴) هیچکدام
پاسخ: گزینه ۱ صحیح است.

۱۹- یک جز از اوستای ساسانی؟

۱) وندیداد
 ۲) گات‌ها
 ۳) یسنا
 ۴) گزینه الف و ج
پاسخ: گزینه ۳ صحیح است.

۲۰- معنی کلمهٔ وندیداد چیست؟

۱) خیر مطلق
 ۲) ضد دیو
 ۳) دعا
 ۴) ضداهریمن
پاسخ: گزینه ۲ صحیح است.

۲۱- وندیداد مشتمل بر و دین مانی مبتنی بر است.

۱) عوامل خیر و شر - احکام زردتشت
 ۲) احکام و آداب زردتشت - خیر و نیکی
 ۳) احکام و آداب زردتشت - دو اصل خیر و شر
 ۴) اوراد و ادعیه - دو اصل خیر و شر
پاسخ: گزینه ۳ صحیح است.

۲۲- تعمق در آیات و انطباق با مسائل انسانی و اجتماعی جامعه ناظر بر کدام یک از گزینه‌های زیر است؟

۱) تفسیر قرآن
 ۲) تدبر در آیات قرآن
 ۳) تبیین اسلام
 ۴) همهٔ موارد
پاسخ: گزینه ۲ صحیح است.

۲۳- اصل و منبع در استنباط و فهم اصول اسلامی کدام است؟

۱) مدارک تاریخی
 ۲) روایات
 ۳) مدارک و متون اساسی
 ۴) نظرهای فکری
پاسخ: گزینه ۳ صحیح است.

۲۴- کامل‌ترین و موثق‌ترین سند برای استنباط اصول اسلامی است.

۱) روایات
 ۲) قرآن
 ۳) حدیث
 ۴) ادعیه
پاسخ: گزینه ۲ صحیح است.

← نمونه سؤالات تألیفی

- (۱) دین اسلام قرن پیش به میهن ما ایران وارد شده است.
 ۱-۱۳ ۲-۱۴ ۳-۲۰ ۴-۱۵
- (۲) من دیوار را دشمن می‌دارم و مزدا را می‌پرستم دعای کدام یک از ادیان زیر بود؟
 ۱- زرتشتی ۲- مزدکی ۳- مسیحیان ۴- بهائیان
- (۳) به عقیده راغب اصفهانی علت این که یک طریقه الهی "ملت" نامیده شده است چیست؟
 ۱- از طرف خداوند املا و دیکته شده است.
 ۲- ملت و املا که همان املاء است از یک ریشه است.
 ۳- یک مجموعه فکری و علمی و یک روشی که مردم باید طبق آن عمل کنند.
 ۴- همه موارد
- (۴) ایران در حکومت کدام پادشاه از مسلمانان شکست خورد و به چه علت؟
 ۱- ساسانی - ضعف نیروی انسانی و تجهیزات جنگی
 ۲- ساسانی - ناراضی بودن ایرانیان از وضع دولت و آیین و رسوم اجحاف‌آمیز آن زمان
 ۳- زندیان - نابسامان بودن اوضاع اقتصادی
 ۴- زندیان - ناراضی بودن ایرانیان و از وضع دولت و آیین و رسوم اجحاف‌آمیز آن زمان
- (۵) مهم‌ترین دلیل گسترش تشیع ایران در دوره ایلخانی کدام مورد است؟
 ۱- فعالیت آزادانه پیروان ادیان و مذاهب
 ۲- کوشش‌های علمی و فرهنگی خواجه نصیرالدین طوسی
 ۳- گرویدن یکی از ایلخانان به مذعب تشیع
 ۴- اتحاد و زندگی مسالمت‌آمیز پیروان مذاهب و فرق اسلامی
- (۶) پس از کشته شدن شهر بن باذان ریاست ایرانیان را و به عهده گرفتند.
 ۱- ابن اثیر ۲- ۴۰۳ ۳- داودیه ۴- فیروز
- (۷) تا زمان اکثر بلاد ایران سنی بودند.
 ۱- صفویه ۲- قاجاریه ۳- زندیه ۴- شاه عباس
- (۸) کدام یک از گزینه‌های زیر از گرایش‌های سیاسی ایجاد شده در برابر انقلاب فرانسه نیست؟
 ۱- واکنش ناسیونالیستی ۲- واکنش محافظکاری
 ۳- واکنش سوسیالیست ۴- واکنش امپریالیسم
- (۹) کدام گزینه معنی احساس ملی یا همان ناسیونالیسم است؟
 ۱- وجود شعور جمعی در یک طیف از انسان که رنگ یکسان دارند.
 ۲- وجود افکار و شرایط مشترک در میان طیف خطی از انسان‌ها

۳- احساس مشترک و شعور جمعی در طیفی از انسان‌ها که یک ملت می‌سازند.

۴- وجدان جمعی زاییده‌ی نژاد یک ملت

۱۰) مشترکات ناشی از اشتراک بیش از آن عامل پیوند و ربط دهنده باشد عامل تولید ملیتی ضعیف و ناپایدار است.

۱- قومی ۲- مذهبی ۳- ملی ۵- نژادی

۱۱) کریستن سن در مورد دین آریایی‌ها چه می‌گوید؟

۱- آریایی‌ها ابتدا دین چند خدایی داشتند. ۲- آریایی‌ها دارای دین زرتشتی بوده‌اند.

۳- آریاییها از ابتدا یکتا پرست بوده‌اند. ۴- آریاییها در ابتدا عناصر طبیعی را ستایش میکردند.

۱۲) شاهزاده‌ای که سیداتا خوانده می‌شود هم‌اکنون معروف به چه نامی است؟

۱- سیک ۲- مانی ۳- بودا ۴- سوزم

۱۳) عامل اصلی انقراض مزدکیان در ایران چه بود؟

۱- دین اسلام ۲- فشار و زور

۳- گرایش‌های فکری ۴- ستیز با حاکمیت وقت

۱۴) در هنگام ظهور پیامبر حکومت یمن در دست چه کسی بود؟

۱- ابرهه ۲- مزداک بن ساسانی

۳- باذان بن ساسانی ۴- عمیق یمنی

پاسخنامه				
گزینه ۴	گزینه ۳	گزینه ۲	گزینه ۱	شماره سؤال
		●		۱
			●	۲
			●	۳
	●			۴
		●		۵
		●		۶
			●	۷
●				۸
	●			۹
●				۱۰
●				۱۱
	●			۱۲
			●	۱۳
	●			۱۴

بعضی سوچ

تعلیم و تربیت اسلامی

فصل اول: تعلیم و تربیت در اسلام

پرورش عقل

مسئله اول که در این کتاب بحث می‌شود همان مساله پرورش عقل و فکر است. در این جا ما دو مسئله داریم، یکی مسئله پرورش عقل، و دیگر مسئله علم. مسئله علم همان آموزش دادن است. تعلیم عبارت است از یاد دادن. از نظر تعلیم، متعلم فقط فراگیرنده است و مغز او به منزله‌ی انباری است که یک سلسله معلومات در آن ریخته می‌شود. ولی در آموزش، کافی نیست که هدف این باشد. امروز هم این را نقص می‌شمارند که هدف آموزگار فقط این باشد که یک سلسله معلومات، اطلاعات و فرمول در مغز متعلم بریزد، آنجا انبار بکند و ذهن او بشود مثل حوضی که مقداری آب در آن جمع شده است. هدف معلم باید بالاتر باشد و آن این است که نیروی فکری متعلم را پرورش و قوه ابتکار او را زنده کند، یعنی کار معلم در واقع آتش‌گیره دادن است. تفاوتی است میان تنوری که شما بخواهید آتش از بیرون بیاورید و در آن بریزید تا این که تنور را داغ کنید، و تنوری که در آن، هیزم و چوب جمع است، شما آتش‌گیره از خارج می‌آورید، آن قدر زیر این چوب‌ها و هیزم‌ها آتش می‌دهید تا خود این‌ها کم‌کم مشتعل بشود و تنور با هیزم خودش مشتعل گردد. چنین به نظر می‌رسد که آن جا که راجع به عقل و تعقل - در مقابل علم و تعلم - بحث می‌شود نظر به همان حالت رشد عقلانی و استقلال فکری است که انسان قوه استنباط داشته باشد. دو نوع علم: امیرالمؤمنین در نهج‌البلاغه می‌گوید و من مدت‌ها پیش، ذهنم متوجه این مطلب شده بود و شواهدی هم برایش جمع کرده‌ام. او می‌فرماید: (العلم علمان و در یک نقل دیگر: العقل عقلان)، علم مطبوع و علم مسموع (عقل مطبوع و عقل مسموع) (ولا ینفع المسموع اذا لم یکن المطبوع) علم دو نوع است، یکی علم شنیده شده، یعنی فرا گرفته شده از خارج، و دیگر علم مطبوع.

تعریف علم

مطبوع علم مطبوع یعنی آن علمی که از طبیعت و سرشت انسان سرچشمه می‌گیرد، علمی که انسان از دیگری یاد نگرفته و معلوم است که همان قوه ابتکار شخص است.

علم مسموع

اگر علم مطبوع نباشد فایده ندارد. واقعاً هم همین جور است. این را در تجربه‌ها درک کرده‌اید: افرادی هستند که اصلاً علم مطبوع ندارند. منشأ آن هم اغلب سوء تعلیم و سوء تربیت است، نه این که استعدادش را نداشته‌اند. تربیت و تعلیم جوری نبوده که آن نیروی مطبوع او را به حرکت درآورد و پرورش بدهد.

غیب گو و پادشاه

مثل معروفی است (که البته افسانه است) که می‌گویند که یک غیب‌گو و رمالی، علم غیب‌گویی و رمالی را به بچه‌اش آموخته بود. خودش در دربار پادشاه حقوق خوبی می‌گرفت، این علم را به بچه‌اش آموخته بود که بعد از خودش او این پست را اداره کند. این را عقل آدم باید حکم بکند. این داستان معروف است و من تا به حال از چند نفر شنیده‌ام. می‌گویند: یک وقت یک خارجی آمده بود کرج، با یک دهاتی روبرو شد. این دهاتی خیلی جواب‌های نفز و پخته‌ای به او میداد. هر سوالی که می‌کرد خیلی عالی جواب می‌داد. بعد او گفت که تو این‌ها را از کجا میدانی؟ گفت: ما چون سواد نداریم فکر می‌کنیم این خیلی حرف پرمعنایی است: آن که سواد دارد معلوماتش را می‌گوید ولی من فکر می‌کنم و فکر خیلی از سواد بهتر است. این مسأله که باید در افراد و در جامعه رشد شخصیت فکری و عقلانی پیدا بشود یعنی قوه تجزیه و تحلیل در مسائل پیدا بشود، یک مطلب

اساسی است. یعنی در همین آموزش‌ها و تعلیم و تربیت‌ها. در مدرسه‌ها وظیفه معلم فراتر از این‌که به بچه یاد می‌دهد این است که کاری بکند که قوه تجزیه و تحلیل او قدرت بگیرد، نه این‌که فقط در مغز وی معلومات بریزد، که اگر معلومات خیلی فشار بیاورد ذهن بچه را کد می‌شود.

← ملاک، زیاد استاد دیدن نیست

در میان علما، افرادی که خیلی استاد دیده‌اند، مالک نیستند. به همین دلیل اعتقاد ندارم همان که خیلی استاد دیده‌اند، برایشان باعث افتخار است. مثلاً می‌گویند: فلان کس سی سال به درس مرحوم نائینی رفته، یا بیست و پنج سال متوالی درس آقا ضیاء را دیده. عالمی که سی سال یا بیست و پنج سال عمر را یکسره درس این استاد و آن استاد را دیده دیگر مجال فکر کردن برای خودش باقی نگذاشته است.

مغز انسان، درست حالت معده انسان را دارد. معده انسان باید غذا را از بیرون به اندازه بگیرد و با ترشحاتی که خودش روی غذا می‌ریزد آن را به اصطلاح بسازد و باید معده این قدر آزادی و جای خالی داشته باشد که به آسانی بتواند غذا را زیر و رو کند، اسیدها و شیریهایی را که باید، ترشح نماید و بسازد. ولی معده‌ای که مرتب بر آن غذا تحمیل می‌کنند و تا آن‌جا که جا دارد به آن غذا می‌دهند دیگر فراغت، فرصت و امکان برایش پیدا نمی‌شود که این غذا را درست حرکت بدهد و بسازد. آن وقت می‌بینید اعمال گوارشی اختلال پیدا می‌کند و عمل جذب هم در روده‌ها درست انجام نمی‌گیرد.

مغز انسان هم قطعاً همین جور است. در تعلیم و تربیت باید مجال فکر کردن به دانش آموز داده بشود و او به فکر کردن ترغیب گردد. به هر حال خیال نمی‌کنم این به‌جای تردید باشد که در آموزش و پرورش، هدف باید رشد فکری دادن به متعلم و به جامعه باشد. تعلیم‌دهنده و مربی هر که هست: معلم است، استاد است، خطیب است، واعظ است، باید کوشش کند که [به شخص] رشد فکری یعنی قوه تجزیه و تحلیل بدهد، نه اینکه هی پیاموزید، هی فراگیرید، هی حفظ کنید. در این صورت چیزی نخواهد شد. آن‌چه که ما راجع به تعقل می‌بینیم، تعقل همان فکر کردن است، نیروی فکر کردن خود شخص است که استنباط بکند، اجتهاد بکند، رد فرع بر اصل بکند.

← مفهوم اجتهاد

مرحوم آقای حجت یک وقت حرف خیلی خوبی در باب اجتهاد زد. گفت: اجتهاد واقعی این است که وقتی یک مسئله جدید که انسان هیچ سابقه ذهنی ندارد و در هیچ کتابی مطرح نشده به او عرضه شد، فوراً بتواند اصول را به‌طور صحیح تطبیق کند و استنتاج نماید. همیشه مجتهدها عده‌ای از مقلدها هستند، مقلدهایی در سطح بالاتر. شما می‌بینید در هر چند قرن یک نفر پیدا می‌شود که اصولی را تغییر می‌دهد، اصول دیگری به جای آن می‌آورد و قواعد تازه‌ای [ابداع] می‌کند، بعد همه مجتهدها از او پیروی می‌کنند. مجتهد اصلی همان یکی است، بقیه مقلدها به صورت مجتهد هستند که از این مقلدهای معمولی کمی بالاترند. مجتهد واقعی در هر علمی همین جور است. در ادبیات این جور است، در فلسفه و منطق این جور است، در فقه و اصول این جور است، در فیزیک و ریاضیات این جور است. شما می‌بینید در فیزیک، یک نفر می‌آید یک مکتب فیزیکی می‌آورد، بعد تمام علمای فیزیک تابع او هستند. این را که مکتب جدیدی می‌آورد و مکتب قابل قبولی هم می‌آورد که افکار را تابع فکر خودش می‌کند که باید گفت: مجتهد واقعی ولی تفکر بدون تعلیم و تعلم امکان پذیر نیست. مایه اصلی تفکر، تعلیم و تعلم است. البته ما تفکرهای عقلانی را داریم و به مسئله وحی فعال کاری نداریم. نکته: در اسلام تفکر عبادت است و غیر از این نیست که تعلم عبادت است.

در اینجا دوساله است:

الف. ما یکی درباب تعلیم و تعلم داریم که تعلیم و تعلم عبادت است، و یکی درباب تفکر داریم که تفکر عبادت است، و آنچه درباب تفکر داریم بیشتر است از آنچه که در باب تعلم داریم. مثلاً: «افضل العبادش التفکر» یا «لا عبادش کالتفکر» یا «کان اکثر عبادش ابی ذر التفکر» و در این زمینه البته خیلی هست، و این غیر از مسئله است. در تفکر، گذشته از نتیجه‌ای که انسان از فکر خود می‌گیرد، فکر خود را رشد می‌دهد. در قرآن راجع به تفکر و تعقل، مطلب زیاد داریم. لزومی هم ندارد که بخواهیم آیات قرآن در این زمینه را جمع بکنیم. خیلی موارد داریم که قرآن دعوت به تفکر و تعقل کرده است.

← دعوت اسلام به تعلیم و تعلم

مسئله دیگر مسئله علم و تعلم است که این دیگر فراگیری است که افراد از یک‌دیگر فرا بگیرند. تأکید اسلام بر یادگیری امر واضحی است. باید در مورد علم اسلامی و تعلیمات اسلامی بحث کنیم که آن علمی که اسلام دعوت می‌کند چه علمی است، والا همین که در اولین آیات وحی می‌فرماید: اقرأ باسم ربک الذی خلق، خلق الانسان من علق، اقرأ و ربک الاکرم، الذی علم بالقلم، علم الانسان ما لم يعلم، بهترین شاهد است بر عنایت فوق‌العاده اسلام به تعلیم و تعلم. قلم [مظهر] سواد و نوشتن است. آیات دیگر: هل یستوی الذین یعلمون والذین ال یعلمون وقال الذین اوتوا العلم و لکم ثواب الله خیر لمن آمن و عمل صالحاً. هم‌چنین پیغمبر اکرم فرمود: بالتعلیم ارسلت من فرستاده شدم برای تعلیم. در آن داستان معروف که وارد مسجدشان شدند و دو حلقه جمعیت دیدند که در یکی مردم مشغول عبادت بودند و در دیگری مشغول تعلیم و تعلم و فرمود: کلاهما علی خیر هر دو کار خوب می‌کنند و لکن بالتعلیم ارسلت ولی من برای تعلیم فرستاده شده‌ام. و بعد خود حضرت آمدند در آن جمعی که مشغول تعلیم و تعلم بودند نشستند.

← معنی یزکیهم

آیه دیگر: هو الذی بعث فی الامیین رسولاً منهم یتلو علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمه. یزکیهم بیشتر به پرورش می‌خورد و مربوط به تربیت است. و یعلمهم الکتاب و الحکمه، حالا مقصود از کتاب هر چه هست، مطلق کتاب است [یا قرآن]. بالاخره کتاب و حکمت با یک‌دیگر توأم شده است. حکمت دریافت حقیقت است و در این بحثی نیست. بحث این که چی حکمت است و چی حکمت نیست بحث صغروی است. هر دریافت حقیقتی را حکمت می‌گویند.

← یؤتی الحکمه من یشاء، و من یؤت الحکمه فقد اوتی خیرا کثیرا.

پس در این جهت که اسلام به طور کلی دعوت به تعلیم و تعلم کرده است، یعنی در هدف اسلام و جز خواسته‌های اسلام عالم بودن امت اسلامی است بحثی نیست، طلب العلم فریضه علی کل مسلم از مسلمات احادیث نبوی است و مسلم در این جا خصوصیت ندارد و مقابل مسلمه نیست.

← کدام علم؟

در مسئله تعلیم و تعلم، عمده این است که ما ببینیم حدود این مطلب چیست؟ من در یک سخن‌رانی به نام فریضه علم که در گفتار ماه چاپ شده، بحثی را طرح کردم که بعضی علم‌ها واجب عینی است؛ یعنی خود آن علم به عنوان یک اعتقاد بر هر مسلمانی لازم و واجب است، مثل معرفه الله، علم بالله و ملائکه و کتبه و رسله و الیوم الاخر، آن مقدار که مقدمه ایمان یا از شرایط ایمان است، چون ایمان در اسلام گرایش عن علم است نه گرایش عن تقلید. این علم واجب عینی است. این را همه علما ذکر کرده‌اند. پس طلب العلم فریضه قدر مسلم شامل آن علم‌هایی که از شرایط ایمان هست. از این که بگذریم، باید

بینیم که [این علم] چیست؟ یک بحث تقریباً لغو و بیهوده‌ای میان اصناف علمای اسلامی در گرفته راجع به این که این علمی که فریضه است چه علمی است؟

فقها گفتند که مقصود علم فقه است برای این که مقدمه عمل است. علمای اخلاق گفتند خیر، علم اخلاق خیلی از آن لازم تر و واجب تر است. علمای کلام گفتند علم کلام است. علمای تفسیر گفتند علم تفسیر و کتاب الله است. ولی این دیگر بحث ندارد، زیرا علم یا خودش هدف است و یا مقدمه است برای هدفی. هر جا که خودش هدف است، واجب است، مثل همین اصول عقاید. هر جا هم که خودش هدف نیست. اگر هدفی از هدف‌های اسلامی متوقف به آن باشد، از باب مقدمه واجب، واجب می‌شود.

خود فقها این سخن را می‌گویند که آموختن مسایل، واجب مقدمه ولی واجب تهیوی است و به اصطلاح واجب نفسی تهیوی است، یعنی آن چیزی که بر ما واجب است عمل کردن است، مثلاً ما باید نماز بخوانیم، ولی این که انسان بخواهد درست نماز بخواند، بدون اینکه مسائل نماز را بداند امکان ندارد. پس برای این که انسان برای خواندن نماز آماده شود، یعنی بتواند نماز را صحیح بخواند، واجب است مسایل نماز را یاد بگیرد. اختصاص به نماز و روزه و این گونه تکالیف ندارد، هر وظیفه‌ای از وظایف اسلامی که نیازمند به علم باشد، همان علم برایش واجب می‌شود.

← واجب نفسی چیست؟

به عنوان یک واجب نفسی تهیوی، یعنی واجبی که ما را آماده می‌کند برای واجب دیگر، واجبی که نوعی واجب مقدمی است. علم اخلاق هم طبعاً یک واجب نفسی تهیوی است. اسلام از ما بزرگوار می‌خواهد، تزکیه نفس می‌خواهد، آن هم که بدون علم ممکن نیست. پس آموختن مسائل روانی اخلاقی، مقدمه برای این که تزکیه نفس حاصل بشود لازم است.

← واجب کفایی چیست؟

همچنین وقتی ما باید یک سلسله دستورات را از قرآن بیاموزیم، بدیهی است آموختن خود قرآن و تفسیر آن واجب است. و دایره علم آن وقت توسعه پیدا می‌کند که ما گذشته از واجب‌های عینی یک سلسله واجب‌های کفایی داریم، یعنی واجب‌هایی که باید بر اساس تقسیم کار صورت بگیرد. نظیر این که وجود پزشک لازم است، پس علم پزشکی واجب کفایی است، یعنی واجب است به طور وجوب کفائی که در میان مردم به قدر کفایت پزشک باشد که بیماران به آن‌ها مراجعه کنند. پزشک که بدون علم نمی‌شود و یا همین جور از زمین نمی‌روید، از آسمان هم که نمی‌افتد، همین انسان‌ها باید پزشک بشوند، پس باید علمش را بیاموزند. آن که اسلام می‌خواهد این است که پزشک لازم است، ولی بدیهی است که مقدمه‌اش را هم باید تهیه کرد. این است که علم پزشکی واجب کفائی است.

اما حدش چیست؟ حد معین ندارد، در هر زمانی به هر حدی که امکان دارد، به همان حد واجب است. یک زمان بر مردم واجب بود قانون بوعلی را بخوانند، امروز واجب است که یک چیز دیگر بخوانند، چون بهتر از آن آمده. مسئله دیگر، تجارت است. آیا در نظام اقتصادی اسلام وجود یک عده واسطه که کالا را از تولید کننده به مصرف کننده برسانند تأیید و تثبیت شده که عده‌ای شغل آزادی به عنوان واسطه میان مصرف کننده و تولید کننده داشته باشند؟ اگر تأیید شده، علم تجارت هم آموختنش واجب است.

مثال دیگر: قرآن می‌فرماید: أعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخیل ترهبون به عدو الله وعدوكم. آیا تهیه قوه به اندازه‌ای که ترهبون به عدو الله وعدوكم واجب است یا واجب نیست؟ بله واجب است. ولی این کار خود به خود که انجام نمی‌شود، با بیل برداشتن که قوه به دست نمی‌آید، قوه به دست آوردن راه دارد، راهش هم علم است. در چه حد؟ همان حدی که ترهبون به عدو الله وعدوكم که در زمان‌های مختلف می‌شود. بنابراین طلب العلم فریضه علی کل مسلم تکلیفش روشن است: بعضی از علم‌ها واجب عینی است و بر هر فردی واجب است. بنابراین، جای شک و شبهه در این جهت نیست چون بعضی‌ها

می‌گویند این علمی که واجب است فقط و فقط اختصاص دارد به علوم دینی یعنی علمی که موضوع آن علوم مسائل دینی است. آموختن چیزی که انسان وظیفه دینیش را [به وسیله آن] بخواهد انجام بدهد علم دیگری است. پس ما تا این‌جا به دو مساله اشاره کردیم، یکی این‌که در تعلیم و تربیت اسلامی، به مساله رشد فکری و تعقل اهمیت فراوان داده شده و دیگر این‌که به خود تعلیم [نیز اهمیت داده شده است]، و تعلیم هم یک حدود مشخص ندارد که بگوئیم علم کلام چطور؟ علم تفسیر چطور؟ علم اخلاق چطور؟ فیزیک چطور؟ ریاضیات چطور؟

← تربیت عقلانی

ابتدا از آن‌چه که درباب عقل آمده است شروع می‌کنیم. عقل باید غربال کننده باشد روایت بسیار معروفی داریم که در کتاب-العقل و الجهل کافی، بحار و تحف‌العقول آمده است و روایتی است که هشام بن‌الحکم متکلم معروف نقل کرده است از حضرت موسی بن جعفر علیه اسلام (خطاب به خود هشام). در آن‌جا حضرت استناد می‌فرمایند به یک آیه در قرآن که در سوره زمر است استناد می‌فرمایند: فبشر عباد الذین یستمعون القول فیتبعون أحسنه اولئک الذین دیهم الله و اولئک هم اولوا الالباب. آیه عجیبی است: بشارت بده بندگان مرا، آنان که سخن را استماع می‌کنند. بعد چکار می‌کنند؟ فیتبعون احسنه، «نقادی می‌کنند، سبک‌سنگین می‌کنند، ارزیابی می‌کنند، آن را که بهتر است انتخاب می‌کنند و آن بهتر انتخاب شده را پیروی می‌نمایند. آن-وقت می‌فرماید: چنین کسانی هستند که خدا آن‌ها را هدایت کرده (یعنی هدایت الهی یعنی این، استفاده از نیروی عقل یعنی این) و اولئک هم اولوا الالباب. این‌ها به راستی صاحبان عقل هستند. این دعوت عجیبی است. حضرت خطاب به هشام این‌طور می‌فرماید: یا هشام ان الله تبارک و تعالی بشر اهل العقل و الفهم فی کتابه فقال. خدا اهل عقل و فهم را بشارت داده و فرموده: فبشر عباد الذین یستمعون القول فیتبعون از این آیه و حدیث کاملاً پیداست که یکی از بارزترین صفات عقل برای انسان همین تمیز و جدا کردن است، جدا کردن سخن راست از سخن دروغ، سخن ضعیف از سخن قوی، سخن منطقی از سخن غیر منطقی و خلاصه غربال کردن. عقل آن‌وقت برای انسان عقل است که به شکل غربال دربیاید، یعنی هر چه را که وارد می‌شود سبک سنگین کند، غربال کند، حدیثی هست که ظاهراً از پیغمبر اکرم، و ناظر به همین مطلب است، و از این احادیث زیاد است. می‌فرماید: کفی بالمرء جهلاً ان یحدث بکل ماسمع، برای جهالت انسان همین بس که هر چه می‌شنود نقل کند (خوش باوری). قبلاً هم عرض کردیم بعضی از عالم‌ها هستند- عالم‌های خیلی عالم- که کمتر از آن‌چه که عالمند عاقلند. (عقلی که در اینجا می‌گوییم، معیارش یکی همین است.) عالمند به معنای اینکه اطلاعات بسیار وسیعی دارند، کمتر عاقلند برای این‌که هر چه را از هر جا دیدند جمع می‌کنند و برایشان فرق نمی‌کند، همه را هم پس می‌دهند بدون اینکه فکر بکنند که این [با واقع] جور درمی‌آید یا جور در نمی‌آید. و عجیب این است که با این‌که ما در روایات خودمان داریم که راوی باید نقاد باشد و هر چه را که می‌شنود روایت نکند، معذک می‌بینیم که در میان همین راویان و محدثان یا مورخان خودمان فراوان دیده می‌شوند. [افراد] که این اصل را رعایت نمی‌کنند.

← انتقاد ابن خلدون

انتقاد ابن خلدون در مقدمه تاریخ خودش یکی از نقدهایی که بر بعضی از مورخین می‌کند این است که می‌گوید این‌ها در نقل تاریخ‌ها، فقط دنبال صحت سند هستند که این تاریخ را فلان کس نقل کرده و او آدم معتبری است. می‌گوید قبل از این باید به دنبال صحت مضمونی رفت، اول باید فکر کرد که اصلاً خود مطلب با منطق جور درمی‌آید یا جور در نمی‌آید. بعد مثال می‌زند و می‌گوید این‌ها نوشته‌اند که وقتی که قوم موسی از دریا عبور کردند ۲۵۰ هزار مرد جنگی بود. آخر این را باید حساب کرد که اولاد اسرا ئیل همه اولاد یعقوب و فرزندان یک نفر بودند و پنج شش نسل هم بیشتر نگذشته بود. گیرم که چهارصد سال گذشته باشد. وقتی می‌گوییم دویست و پنجاه هزار مرد جنگی، اقلأ باید بگوییم یک میلیون جمعیت اینها بوده که دویست و

پنجاه هزار مرد جنگی داشته‌اند، با اینکه فرعون پسرهای این‌ها را می‌کشت: یقتلون ابنائکم و یستحیون نساءکم. با این همه بچه‌کشی که از این‌ها بوده، آیا عقلاً چنین چیزی ممکن است؟ ابن خلدون می‌گوید مورخین به این نکته اصلاً فکر نمی‌کردند که آیا (واقعه‌ای که نقل می‌کنند) با منطق جور در می‌آید یا جور در نمی‌آید. یک وقت من در همین کتاب‌های تاریخ معمولی خودمان که یک اشخاص خیلی بزرگی هم نوشته‌اند خواندم که در واقعه حره آمدند. مدینه را قتل عام کردند رفتند به خانه یکی از اهل مدینه که از انصار بود (و خانواده فقیری بودند) و زنش تازه وضع حمل کرده و هنوز در بستر بود و بچه هم در گهواره. یک مرد شامی وارد شد که از این خانه چیزی ببرد، هر چه گشت تا یک چیز دندان‌گیر به دست آورد و ببرد چیزی به دستش نیامد. از این‌که می‌بایست دست خالی برود خیلی عصبانی شد. این زن به التماس افتاد که من زن فلان کس صحابی پیغمبر هستم، من و شوهرم هر دو در بیعت‌الرضوان با پیغمبر بیعت کردیم و ما از اهل بیعت‌الرضوان هستیم. مثلاً آیا زن شصت و هشت ساله می‌تواند تازه وضع حمل کرده و در بستر خوابیده باشد؟ پس این یک ذره حساب کردن می‌خواهد. اگر یک مقدار انسان فکر کند می‌فهمد که دروغ است. این همان غریب‌القول است. پیغمبر فرمود: کفی بالمرء جهلاً ان یحدث بکل ما سمع». جهل غالباً در احادیث در مقابل علم نیست، در مقابل عقل است، یعنی بی‌فکری، نه بی‌علمی. برای بی‌فکری و حساب نکردن انسان کافی است که هر چه را می‌شنود باور و نقل کند. نقد سخن مسئله دیگر که نزدیک به این مطلب است و از همین آیه و از بعضی احادیث استنباط می‌شود مسئله تجزیه کردن یک سخن است، یعنی عناصر درست را از عناصر نادرست جدا کردن. فرق است میان این‌که انسان از دو سخن، درستش را بگیرد و نادرستش را رها کند و تجزیه کردن یک سخن که انسان عناصر درستش را بگیرد و عناصر نادرستش را الغاء کند و این‌قدر تشخیص داشته باشد که بگوید از این سخن این قسمتش درست است و این قسمتش نادرست. این همان مطلبی است که در روایات تعبیر به نقد و انتقاد شده است.

وقتی می‌گویند: انتقد الدرهم یا: انتقد الکلام (که در هر دو مورد به کار می‌رود) یعنی اظهار عیوبه و محاسنه عیوب و محاسن آن در هم (یا کلام) را آشکار کرد [چنان‌که سکه‌ای را که به محک می‌زنند، آن طلای خالص و به اصطلاح عیارش را به دست می‌آورند. یکی این است که در روایات ما از حضرت مسیح روایت شده است که می‌فرمود: «خذ الحق من اهل الباطل ولا تأخذ الباطل من اهل الحق.» در این‌جا ظاهراً توجه به این است که شما به گوینده سخن توجه نداشته باشید، سخن‌شناس باشید، تکیه‌تان روی گوینده سخن نباشد، ای بسا حق را از اهل باطل بشنوید بگیرید، و ای بسا باطل را از اهل حق بشنوید نگیرید.

← لزوم توأم بودن عقل و علم

مسئله دیگر این است که عقل و علم باید با یک‌دیگر توأم باشد و این نکته بسیار خوبی است. اگر انسان تفکر کند ولی نمی‌تواند کار بکند یا اطلاعاتش ضعیف باشد، مثل کارخانه‌ای است که ماده خام ندارد یا ماده خامش کم است، قهراً محصولش کم خواهد بود. محصول بستگی دارد به این‌که ماده خام برسد. اگر کارخانه ماده خام زیاد داشته باشد ولی کار نکند باز فلج است و محصولی نخواهد داشت. حضرت در آن روایت می‌فرماید: یا هشام ثم بین ان العقل مع العلم عقل و علم باید توأم باشد. عرض کردیم علم، فراگیری است، به منزله تحصیل مواد خام است، عقل، تفکر و استنتاج و تجزیه و تحلیل است. آن‌گاه حضرت استناد می‌کنند به آیه: وتلك الامثال نضربها للناس وما يعقلها الا العالمون. ببینید عقل و علم چگونه با هم توأم شده است.

← آزاد کردن عقل از عادات اجتماعی

مطلب دیگر مسئله آزاد کردن عقل است از حکومت تلقینات محیط و عرف و عادت و به یا هشام ثم ذم الذین لا یعقلون فقال: واذا قيل لهم اتبعوا ما انزل الله قالوا بل نتبع ما الفینا علیه آباءنا او لو کان آباءهم لا یعقلون شیئاً و لا یهتدون. و قرآن اساسش بر مذمت کسانی است که اسیر تقلید و پیروی از آباء و گذشتگان هستند و تعقل و فکر نمی‌کنند تا خودشان را از این اسارت آزاد نکنند. هدف قرآن از این مذمت چیست؟ هدف قرآن تربیت است. یعنی در واقع می‌خواهد افراد را بیدار کند

که مقیاس و معیار باید تشخیص و عقل و فکر باشد نه صرف این که پدران ما چنین کردند ما هم چنین می‌کنیم. من یک وقتی آیات قرآن راجع به تقلید پیروی کورکورانه از پدران را استخراج کردم دیدم آیات خیلی زیادی است و چیزی که برای من جالب بود این بود که هیچ پیغمبری مردم را دعوت نکرد الا این که مواجه شد با همین حرف که: انا وجدنا آباءنا علی امه وانا علی آثارهم مقتدون که تو چرا می‌خواهی ما را از سنت‌های گذشته پدرانمان منصرف بکنی. با این که اقوام پیغمبران خیلی از نظر سنن مختلف بودند و هر پیغمبری در میان قوم خود مسائلی را طرح کرده که با وضع زندگانی آنها مربوط بوده، با یک اشکالاتی مواجه بوده که مخصوص آن قوم بوده، ولی یک اشکال عمومی در میان همه اقوام بوده و همه پیغمبران دچار آن بوده‌اند و آن مصیبت تقلید از آباء و اجداد و گذشتگان و به قول امروزی‌ها سنت‌گرایی بوده است، و پیغمبران برعکس، و عقل مردم را بیدار می‌کردند و می‌گفتند فکر کنید، حالا پدرانتان هر طور بودند: او لو کان آباءهم لا یعقلون شیئا و لا یهتدون آیا اگر پدرانتان عقلشان به جایی نمی‌رسید و چیزی نمی‌فهمیدند باز هم شما باید از آن‌ها پیروی بکنید؟

← پیروی نکردن از اکثریت

خلاصه آزادی از حکومت عدد و این که اکثریت نباید مالک باشد و نباید انسان این جور باشد که ببیند اکثر مردم کدام راه را می‌روند [همان راه را برود، و بگوید] آن راهی که اکثر مردم می‌روند همان درست است. این مثل همان تقلید است. همان طور که انسان طبعاً به سوی تقلید از دیگران کشیده می‌شود، طبعاً به سوی اکثریت نیز کشیده می‌شود، و قرآن مخصوصاً همان چیزی را که انسان طبعاً به سوی آن کشیده می‌شود انتقاد می‌کند. این است که در کلمات امیرالمؤمنین هست: لا تستو حشوا فی طریق الهدی لقله اهل. هرگز در راه هدایت، به دلیل این که در آن راه و جاده افراد کمی هستند وحشتتان نگیرد. یک وقت دو تا راه در پیش‌رو دارید. یکی را می‌بینید که انبوه جمعیت در آن موج می‌زند. راه دیگر را نگاه می‌کنید می‌بینید عده کمی در آن هستند. گاهی انسان وحشتش می‌گیرد. می‌گوید ما هم از همان راه اکثریت می‌رویم، هر چه به سر آن‌ها آمد به سر ما هم می‌آید. می‌فرماید: نه، راه‌شناس باشید. اکثریت یعنی چه؟

← تأثیر ناپذیری از قضاوت دیگران

مسئله دیگر که باز مربوط به تربیت عقلانی است این است که قضاوت‌های مردم درباره انسان نباید برای او ملاک باشد. این‌ها یک بیماری‌های عمومی است که اغلب افراد کم و بیش گرفتارش هستند. مثلاً انسان یک لباسی را برای خودش انتخاب کرده و تشخیصش اینست که رنگ خوبی را انتخاب کرده. بعد یکی می‌آید می‌گوید: این رنگ مزخرف چیست که انتخاب کرده‌ای؟ آن یکی و آن دیگری نیز همین را می‌گویند. کم کم خود آدم اعتقاد پیدا می‌کند که بد چیزی است. هرگز تحت تأثیر قضاوت و تشخیص دیگران نسبت به خودتان قرار نگیرید.

پس نباید به قضاوت مردم تکیه داشته باشی، تو اول تشخیص بده که چه داری، واقعاً ملاک خودت چه هست، ایمانت چه هست، یقینت چه هست، اگر دیدی که چیزی نیستی، گیرم که مردم اعتقاد خیلی زیادی هم به تو دارند، در یکی از نوشته‌های خودم - فکر می‌کنم در کتاب امدادهای غیبی - است این تعبیر که فرق است میان عالم بودن و روح علمی داشتن. ای بسا افرادی که روح علمی دارند ولی عالم نیستند و ای بسا کسانی که عالمند و روح علمی ندارند. عالم واقعی آن کسی است که روح علمی توأم باشد با علمش.

← مقصود از روح علمی چیست؟

مقصود اینست: علم اساساً از گزینه حقیقت جوئی سرچشمه می‌گیرد. خداوند انسان را حقیقت طلب آفریده است، یعنی انسان می‌خواهد حقایق را آن‌چنان که هستند بفهمد، می‌خواهد اشیاء را همان‌طور که هستند بشناسد و درک کند، و این فرع بر این است که انسان خودش را نسبت به حقایق بی طرف و بی‌غرض نگاه دارد. اگر انسان خودش را بی‌غرض نگاه دارد و

بخواهد حقیقت را آن چنان که هست کشف کند، نه این که بخواهد حقیقت آن طوری باشد که او دلش می‌خواهد، در این صورت او دارای روح علمی است. انسان اگر بی‌غرضی خودش را نسبت به حقیقت حفظ کند - که بسیار کار مشکلی است - خداوند او را هدایت می‌کند. خدا تضمین کرده است که افراد بی‌غرض حقیقت جو را (والدین جاهدوا فینا لنهیدینهم سبلنا وان الله) رهبری کند: لمع المحسنین.

اصلاً روح علمی همین است. روح علمی یعنی روح حقیقت جویی، روح بی‌غرضی، و طبعاً روح بی‌تعصبی، روح خالی از جمود، و روح خالی از غرور. وقتی انسان روایات زیادی را که در موضوع علم وارد شده است مطالعه می‌کند، می‌بیند چقدر تکیه شده است روی دلیل، یعنی اول مدعا را انتخاب می‌کند بعد می‌رود برای آن دلیل پیدا کند.

← پرورش استعدادها

تربیت به‌طور کلی با صنعت یک فرق دارد که از همین فرق، انسان می‌تواند جهت تربیت را بشناسد. صنعت عبارت است از ساختن به معنی اینکه شیء یا اشیایی را تحت یک نوع پیراستن‌ها و آراستن‌ها قرار می‌دهند، میان اشیاء و میان قوای اشیاء ارتباط برقرار می‌کنند، قطع و وصل‌هایی صورت می‌گیرد در جهت مطلوب انسان و آن‌گاه این شیء می‌شود مصنوعی از مصنوع‌های انسان. ولی تربیت عبارت است از پرورش دادن، یعنی استعدادهای درونی را که بالقوه در یک شیء موجود است به فعلیت درآوردن و پروردن. این پرورش دادن‌ها به معنی شکوفا کردن استعدادهای درونی آن موجودها است که فقط در مورد موجودهای زنده صادق است و از همین‌جا معلوم می‌شود که تربیت باید تابع و پیرو فطرت، یعنی تابع و پیرو طبیعت و سرشت شیء باشد.

اگر بنا باشد یک شیء شکوفا بشود باید کوشش کرد همان استعدادهایی که در آن هست بروز و ظهور بکند. اما اگر استعدادی در یک شیء نیست، بدیهی است آن چیزی که نیست و وجود ندارد، نمی‌شود آن را پرورش داد. از همین‌جا معلوم می‌شود که ترس و ارباب و تهدید، در انسان‌ها عامل تربیت نیست (تربیت به همان معنی پرورش)، یعنی استعدادهای هیچ انسانی را از راه ترساندن، زدن، ارباب و تهدید نمی‌شود پرورش داد.

← رعایت حالت روح

در نهج‌البالغه در کلمات قصار در سه جا در جمله‌ای به این معنا آمده که: ان للقلوب شهوش و اقبالا و ادبارا (دل یک میلی دارد و اقبالی و ادباری). فاتوها من قبل شهوتها و اقبالها (کوشش کنید دل‌ها را از ناحیه میل آن‌ها پرورش بدهید، به زور وادارشان نکنید). فان القلب اذا اکره عمی (قلب اگر مورد اکراه و اجبار قرار بگیرد کور می‌شود، یعنی خودش واپس می‌زند).

در حکمت ۱۸۸ می‌فرماید: «ان هذه القلوب تمل كما تمل الابدان فابتغوا لها طرائف الحکمة». یعنی همین‌طور که تن انسان خسته می‌شود و احتیاج به استراحت دارد، دل انسان هم گاهی خسته می‌شود و احتیاج به استراحت دارد (مقصود از دل روح است) در این صورت دیگر فکرهای سنگین را به او تحمیل نکنید، حکمت‌های طرفه و طریف - یعنی اعجاب‌انگیز و خوشحال کننده - از قبیل ذوقیات و ادبیات را به او عرضه بدارید تا سر نشاط و سرحال بیاید.

در حکمت ۳۰۴ - که معلوم است در آن‌جا نظر به عبادت است که عبادت را هم نباید بر روح تحمیل کرد بلکه باید آن را با نرمش بر روح وارد نمود، یعنی از میل و حالش باید استفاده کرد، می‌فرماید: «ان للقلوب اقبالا و ادبارا، فاذا اقبلت فاحملوها علی النوافل». وقتی که دیدید دل نشاط دارد، حال دارد، اقبال دارد، آن وقت وادارش کنید نافله را هم بخواند، چون حالش را دارد. و اذا ادبرت فافتصروا بها علی الفرائض. وقتی می‌بینید که میل ندارد، به همان فرائض اکتفا کنید. عبادت را هم به او تحمیل نکنید.

← تعبیر راسل

راسل در کتاب زناشویی و اخلاق تعبیری دارد. او آدم ادیبی است. تربیت‌های مبنی بر ترس و ارباب را به تربیت‌های خرس مابانه تعبیر می‌کند. می‌گوید: حس گناه، پشیمانی و ترس نباید بر حیات کودک مستولی شود.

کودکان باید شاد، خندان و خوشبخت باشند و نباید از شناخت امور طبیعی روگردان شوند. چه بسا که تربیت را مانند تعلیم خرس‌ها در سیرک شمرده‌اند. می‌دانیم چطور به این خرس‌ها رقص می‌آموزند. آن‌ها را روی یک صفحه آهنین داغی می‌گذارند و برای ایشان فلوت می‌زنند، آن‌ها می‌رقصند، زیرا اگر دائماً بایستند کف پایشان می‌سوزد. نظیر این وضع برای کودکانی پیش می‌آید که مورد ملامت بزرگ‌تران به علل مربوط به اعضای جنسی خود قرار می‌گیرند. این ملامت‌ها بعدها آنان را مشوش کرده و در زندگی جنسی بدبخت می‌سازد.

← ترس، عامل جلوگیری از طغیان

آیا ترس و ارباب عامل تربیت- به مفهوم پرورش و رشد دادن است؟ و آیا ترس می‌تواند عامل رشددهنده روح انسان باشد؟ نه، نقش ترس این نیست که عامل رشددهنده باشد. آیا عامل ترس جزء عواملی است که باید برای تربیت کودک یا تربیت اجتماع از آن استفاده کرد یا نه؟ جواب این است: بله، ولی نه برای رشد دادن و پرورش استعدادها بلکه برای بازداشتن روح کودک یا روح بزرگ‌سال در اجتماع از برخی طغیان‌ها، یعنی عامل ترس عامل فرونشاندن است، عامل رشد دادن و پرورش دادن استعدادهای عالی نیست ولی عامل جلوگیری [از رشد] استعدادهای پست و پائین و عامل جلوگیری از طغیان‌ها هست.

← لزوم آگاهی کودک از علت تشویق یا تهدید

بنابراین در مواقعی، از عامل ترس باید استفاده کرد. در عین این‌که ما عامل ترس را عاملی رشددهنده و پرورش دهنده نمی‌دانیم ولی عامل لازمی می‌دانیم، اما مخصوصاً در مورد کودک این نکته باید مورد توجه باشد - و نکته خوبی است که امروز بیشتر توجه دارند- که کودک کاملاً باید آگاه باشد که تشویق یا تهدیدی که می‌شود برای چیست. اگر کودک نفهمد که برای چه تشویق می‌شود و بالخصوص اگر نفهمد برای چه تهدید می‌شود روحش به کلی مشوش می‌گردد، و امروز به این نکته برده‌اند که بسیاری از بیماری‌های روانی در اثر ترساندن‌ها یا کتک زدن‌ها و ارباب‌های بی‌جا در کودکی پیدا می‌شود. در اجتماع بزرگ البته مطلب روشن است که عامل خشونت لازم است در مواردی که آدم بزرگ می‌داند که فلان کار را نباید بکند ولی علیه مقررات و قوانین طغیان می‌کند. در چنین مواقعی برای جلوگیری از طغیان هیچ مانعی ندارد که عامل خشونت به کار برده شود. بنابراین در عین این‌که عرض کردیم عامل ترس و ارباب و خشونت عامل پرورش و شکوفا کردن نیست، ولی عامل لازمی است، شرط تربیت است گو اینکه عامل تربیت نیست.

← دوره شکوفائی روح

اساس تربیت در انسان باید بر شکوفا کردن روح باشد. آیا دوره‌های مختلف عمر از این نظر فرق می‌کند یا نه؟ مسلم فرق می‌کند. بعضی دوره‌ها تناسب و موقعیت بسیار بهتری برای شکوفا شدن استعدادها دارد. همین دوره بعد از هفت سالگی که در احادیث هم به آن عنایت شده که از آن به بعد به تربیت بچه توجه بشود- همین دوره از هفت سالگی تا حدود سی سالگی- دوره بسیار مناسبی است برای شکوفا شدن روح از نظر انواع استعدادها: استعداد علمی، استعداد دینی و حتی استعداد اخلاقی، و لهذا جزء بهترین دوران عمر هر کسی همان دوران محصل بودن اوست، چون هم اوان روحش یک اوان بسیار مناسبی است و هم در این اوان در یک محیطی قرار می‌گیرد که روز به روز بر معلومات، افکار، اندیشه، ذوقیات و عواطفش افزوده می‌شود.

← پرورش جسم از نظر اسلام

مسئله اول این است که آیا در اسلام به تقویت و تربیت جسم عنایتی شده است یا نه؟ ممکن است کسی بگوید نه، بلکه در جهت خلافتش [توصیه شده است] زیرا ما می‌دانیم که تن‌پروری و جسم‌پروری در اسلام مذموم است، بنابراین جسم به هیچ وجه نباید تربیت بشود و به عبارت دیگر چون فرض این است که مفهوم تربیت پرورش می‌باشد، جسم نباید تربیت بشود چون

در اسلام جسم پروری و تن پروری به طور کلی محکوم و مردود است ولی این، مغالطه لفظی است. در اسلام تن پروری به مفهوم صحیح کلمه- یعنی پرورش جسم و تقویت قوای جسم- نه تنها مذموم نیست بلکه ممدوح هم هست.

← استعداد های روح انسان

مکتب های مختلف از جنبه های مختلفی به این موضوع نگریسته اند ولی روان شناسان امروز که روی روح و روان انسان مطالعه کرده اند شاید مطلب را به شکل جامع تری بیان کرده اند. آخرین مقاله از اولین شماره نشریه سالانه "مکتب تشیع" - که حدود دوازده سال پیش منتشر شد - ترجمه ای بود از آقای مهندس بیانی با مقدمه ای از آقای مهندس بازرگان تحت عنوان "دین، بعد چهارم روح بشر". این مقاله یکی از نظریات روان شناسی جدید را بیان کرده بود و بیشتر بر حرف های "یونگ" تکیه داشت و می گفت روح بشر دارای چهار بعد است، که مقصود این است که دارای چهار استعداد است:

(الف) استعداد عقلی (علمی و حقیقت جویی)

(ب) استعداد اخلاقی (وجدان اخلاقی)

(ج) بعد دینی

(د) بعد هنری و ذوقی یا بعد زیبایی

← اسلام و هنر

ولی آن چیزی که شاید بیشتر از همه نیاز به مطالعه دارد این است که آیا اسلام هیچ عنایتی به بعد چهارم روح انسان یعنی استعداد هنری نموده و در اسلام به زیبایی و جمال عنایتی شده یا نه؟ بعضی چنین تصور می کنند که اسلام از این نظر خشک و جامد و بی-عنایت است، و به عبارت دیگر اسلام ذوق کش است و البته این ها که این چنین ادعا می کنند به خاطر این است که اسلام روی خوش به موسیقی نشان نداده و نیز بهره برداری از جنس زن به طور عام و هنرهای زنانه یعنی رقص و مجسمه سازی را منع کرده است. ولی به این شکل قضاوت کردن درست نیست. ما باید راجع به مواردی که اسلام با آن ها مبارزه کرده تأمل کنیم و ببینیم آیا اسلام با آن ها مبارزه کرده از آن جهت که زیبایی است یا از آن جهت که مقارن با امر دیگری است که برخلاف استعدادی از استعداد های فردی یا اجتماعی انسان است؟ و به علاوه ببینیم در غیر این موارد ممنوعه آیا با هنری مبارزه شده است؟

← موسیقی

مسئله موسیقی و غنا مسئله مهمی است اگر چه غنا حدودش روشن نیست. غنا ضرب المثل مسائلی است که فقها و اصولیین به عنوان موضوعات مجمل (یعنی موضوعاتی که حدودش مفهوم و مشخص و نیست) به کار می برند. می گویند: در مواردی اصل برائت جانشین می شود، مثلاً در مورد فقدان نص، اجمال نص، تعارض نصین و شبهه موضوعی، و وقتی می خواهند مثال به اجمال نص بزنند همین غنا را ذکر می کنند.

ولی البته قدر مسلمی در غنا هست و آن این است که آوازهایی که موجب خفت عقل می شود، یعنی شهوات را آن چنان تهییج ایجاد می کند که عقل به طور موقت از حکومت ساقط می شود و همان خاصیتی را دارد که شراب یا قمار داراست [غنا محسوب می گردد]. تعبیر خفت عقل هم تعبیر فقها و از جمله شیخ انصاری است. آن چه مسلم است این است که اسلام خواسته است از عقل انسان حفاظت و حراست کند، و عمل هم نشان داده که مطلب از همین قبیل است.

← مسئله عادت

بحث راجع به این مطلب بود که تربیت همان طور که مفهوم این لغت دلالت می کند پرورش دادن استعداد های انسانی است که البته شامل پرورش جسم نیز می شود. و این چنین گفتیم که تربیت ساختن نیست آنطور که مثلاً خانه ای را می سازند که اجزاء

و اشیائی را با هم ترکیب می‌کنند و نظم می‌یابند، بلکه از نوع پرورش یک موجود زنده یعنی فراهم کردن زمینه رشد استعدادی که در موجود زنده هست می‌باشد، آن چنان که گل‌ها و درخت‌ها را رشد و پرورش می‌دهند، که البته در پرورش انسان مسائل بیشتری وجود دارد. گفته شد که تربیت، ساختن و از نوع صنعت نیست، صرف پرورش است. ممکن است کسی چنین بگوید که قسمتی از تربیت، پرورش است و قسمت دیگر ساختن و یا لاقط بگوید اینجا دو نظریه است: [نظریه علمای قدیم و نظریه علمای جدید غرب].

← تربیت از نظر علمای قدیم

از نظر علمای تربیت قدیم در این جهت شک و تردیدی نبود که قسمتی از اخلاقیات را باید در وجود بشر تکوین کرد و به اصطلاح علمای اخلاق باید فضائل را به صورت ملکات در انسان ایجاد نمود. از نظر علمای قدیم آدم تربیت شده آدمی بود که آن چه که فضیلت نامیده می‌شود، در او به صورت خوی و ملکه درآمده باشد و مادامی که یک فضیلت به صورت ملکه در نیامده باشد یا به طبیعت ثانوی انسان بدل نشده باشد حال است نه فضیلت، زیرا امری زایل شدنی است، باید ملکه شود تا زوالش مشکل باشد. علمای قدیم در تعریف عدالت می‌گفتند: عدالت ملکه تقوا و پرهیزکاری است، یعنی تقوا و پرهیزکاری برای انسان ملکه شده باشد، و حتی می‌گفتند انسان آن وقت دارای اخلاق فاضله است که در عالم خواب هم ضد آن اخلاق از او صادر نشود. می‌گویند روح انسان در زمان کودکی حالت قابل انعطافی دارد، و هر چه انسان بزرگ‌تر شود قابلیت انعطاف آن کمتر می‌شود. این که گفته‌اند: العلم فی الصغر کالنقش فی الحجر اختصاص به علم ندارد، بلکه باید گفته شود: التریبه فی الصغر کالنقش فی الحجر، البته علمای امروز هم به تربیت دوران کودکی بیشتر اهمیت می‌دهند.

← نظریه علمای غرب

نظریه جدیدی در میان علمای غرب در باب تربیت پیدا شده که لازمه حرفشان این است که اساساً تربیت، صرف پرورش است و چون بحث آن‌ها در تربیت اخلاقی بوده و روی عقل و اراده بحث کرده‌اند نه روی حس دینی و حس زیبایی گفته‌اند تربیت فقط و فقط پرورش نیروی عقل و اراده اخلاقی است و بس و انسان را به هیچ چیز - چه خوب و چه بد - نباید عادت داد، زیرا عادت مطلقاً بد است، چون همین که چیزی عادت شد، بر انسان حکومت می‌کند و انسان به آن انس می‌گیرد و نمی‌تواند آن را ترک کند، و آن وقت است که کاری را که انجام می‌دهد، نه به حکم عقل و نه به حکم اراده اخلاقی و نه به حکم تشخیص این که این کار، کار خوبی است یا کار بدی، انجام می‌دهد، بلکه به حکم اینکه عادتش شده و اگر انجام ندهد ناراحت می‌شود انجام می‌دهد. این مطلب در دو حدیث نبوی و صادقی آمده است رسول اکرم فرموده‌اند: لا تنظروا الی کثرش صلوتهم و صومهم و کثرش الحج و المعروف و طنطنتهم یا للیل و لکن انظروا الی صدق الحدیث و اداء الامانه از حضرت صادق حدیثی نقل شده که تفسیر حدیث بالا است. می‌فرماید: لا تنظروا الی طول رکوع الرجل و سجوده فان ذلک شیء اعتاده فلو ترکه استوحش لذلک، ولکن انظروا الی صدق حدیثه و اداء امانه. به طول رکوع و سجود فرد نگاه نکنید که آن، چیزی است که او بدان عادت کرده و اگر بخواهد آن را ترک کند وحشت می‌کند. این حدیث خود دلالت می‌کند که عادت، ارزش اخلاقی یک کار را از میان می‌برد و هیچ نمی‌تواند مالک انسانیت و ایمان باشد. کانت و روسو سردسته این مکتب هستند. روسو در کتاب امیل می‌گوید: امیل را باید عادت دهم که به هیچ چیز عادت نکند. درست نقطه مقابل عقیده قدما که تربیت را فن تشکیل عادت می‌دانستند. پس غیر از عادت ندادن روح، تربیت چیست؟ تقویت روح و اراده که در هر کاری نیروی عقل آزادانه بتواند فکر کند و اراده اخلاقی آزادانه بتواند تصمیم بگیرد و مخصوصاً با عادت‌ها مبارزه کند.

۲۶- رابطه متقابل مربی و متربی کدام یک از اصول در فرایند تعلیم و تربیت را یادآور می‌شود؟

- (۱) سندیت (۲) مقبولیت (۳) تعامل (۴) یکپارچگی

پاسخ: گزینه ۳ صحیح است.

۲۷- رابطه متقابل همه عناصر تربیتی (مربی و متربی) کدام گونه از معنای اصل تعامل را می‌رساند؟

- (۱) عام (۲) خاص (۳) بلند مدت (۴) کوتاه مدت

پاسخ: گزینه ۱ صحیح است.

۲۸- اینکه فعالیت‌ها و تجارب مدرسه باید درباره مسائل واقعی زندگی فرد باشد ناظر به کدام یک از اصول زیر است؟

- (۱) اصل متناسب‌سازی (۲) اصل انعطاف‌پذیری (۳) اصل ساده‌سازی (۴) اصل تعادل‌سازی

پاسخ: گزینه ۳ صحیح است.

۲۹- هماهنگی تعلیم و تزکیه ناظر به کدام یک از اصول در ساخت تربیتی دینی و اعتقادی است؟

- (۱) تعادل‌سازی (۲) پالایش (۳) ایجاد توازن (۴) متناسب‌سازی

پاسخ: گزینه ۳ صحیح است.

۳۰- تولاً و تبراً کدام یک از ابعاد رویکرد تربیت دینی و اخلاقی را نشان می‌دهد؟

- (۱) عقلانی (۲) اعتقادی (۳) اجتماعی (۴) عاطفی

پاسخ: گزینه ۴ صحیح است.

۳۱- ساحت هنری و زیبایی‌شناختی تربیت ناظر بر کدام گزینه است؟

- (۱) تربیت هنرمند متعهد (۲) پرورش ادراک زیبایی‌شناختی (۳) نقد هنر (۴) شناخت طبیعت

پاسخ: گزینه ۴ صحیح است.

۳۲- اقتصاد آزاد مهم‌ترین دغدغه مسئله تعلیم و تربیت است.

- (۱) لیبرالیستی (۲) سوسیالیستی (۳) دموکراتیک (۴) کپتالیستی

پاسخ: گزینه ۱ صحیح است.

۳۳- شیطان مهم‌ترین عامل گرایش انسان به شر است.

- (۱) درونی (۲) بیرونی (۳) انتسابی (۴) فطری

پاسخ: گزینه ۱ صحیح است.

۳۴- رفع موانع و مخاطراتی که مانع رسیدن انسان‌ها به تکامل می‌شود کدام نوع از معانی تربیت را می‌رساند؟

- (۱) تکوینی (۲) سلبی (۳) ایجابی (۴) ذاتی

پاسخ: گزینه ۲ صحیح است.

۳۵- از نظر تعلیم و تربیت رسمی و عمومی آموزش باید باشد.

- (۱) اختیاری - رایگان (۲) اجباری - غیررایگان (۳) اجباری - رایگان (۴) اختیاری - غیررایگان

پاسخ: گزینه ۳ صحیح است.

← نمونه سؤالات تألیفی

- (۱) سنت‌گرایی تحولی به چه معناست؟
- ۱- هماهنگ‌سازی سنت به مدرنیته
 - ۲- باز شناسی گوهر ارزش‌ها در اینجا سنت در شرایط متحول است.
 - ۳- پای‌بندی به سنت در دوران گذار مدرن
 - ۴- بازگشت به اصول سنت در ورای تحول مدرن
- (۲) عقب‌ماندگی تربیت رسمی و عمومی از ارزش‌های انقلاب اسلامی منجر به چه نتیجه‌ای است؟
- ۱- عقب‌ماندگی علمی و فرهنگی
 - ۲- گسست فرهنگی در نسل نوحاسته
 - ۳- گسست اجتماعی بین نسل نوحاسته و ارزش‌های انقلاب اسلامی
 - ۴- ساختارهای اجتماعی ناهمگون
- (۳) ادامه حضور الگویی از تربیت رسمی که بر پایه ایده‌های اصلی مدرنیته اومانیزم و سکولاریسم به دامن می‌زند.
- ۱- فلسفه التقاطی
 - ۲- روی‌کرد تحولی
 - ۳- سنت‌گرایی مدرن
 - ۴- گسستی پیش‌رونده
- (۴) کدام‌یک از موارد ذیل از مبانی سازگار با فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران مذکور در مبانی نظری تحول تعلیم و تربیت نیست؟
- ۱- آدمی اساساً طبیعت فعال دارد.
 - ۲- «رشد» آدمی نه صرفاً ناشی از محیط و نه صرفاً امری زیستی، بلکه تابع الگویی جهان‌شمول (کاملاً منطبق بر همه) است.
 - ۳- رشد آدمی در همه ابعاد رخ می‌دهد و محصول تعامل با عوامل متعدد است.
 - ۴- انگیزش و میل درونی برپایه شناخت و اراده از مبادی مهم عمل آدمی است.
- (۵) پیش‌نیاز اصلی هرگونه تدبیر و اقدام تحول‌جویانه در نظام تربیت رسمی و عمومی کشور کدام است؟
- ۱- تدوین فلسفه تربیت رسمی و عمومی
 - ۲- مطالعات میدانی و محیطی جامعه‌شناختی
 - ۳- شناخت تاریخی و فرهنگی
 - ۴- بازنویسی ساختار آموزشی کشور
- (۶) کدام‌یک از محورهای دیدگاه تجددگرایی نیست؟
- ۱- انسان مدارانه
 - ۲- طبیعت‌گرایی
 - ۳- علم‌گرایی
 - ۴- توسعه‌گرایی
- (۷) تعامل و تعاطی (داد و ستد) با کفار مشروط به چیست؟
- ۱- اسلام آوردن ایشان
 - ۲- خراج دادن کفار
 - ۳- نفی السبیل
 - ۴- جایز نیست

پاسخنامه				
گزینه ۴	گزینه ۳	گزینه ۲	گزینه ۱	شماره سؤال
		●		۱
	●			۲
●				۳
			●	۴
			●	۵
		●		۶
	●			۷
		●		۸
	●			۹
			●	۱۰
●				۱۱
	●			۱۲
	●			۱۳
		●		۱۴
			●	۱۵

پختی جملہ وچ

دانتی سیاسی و اجتماعی

و حقوق اساسی

فصل اول: بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران

بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران

انقلاب کبیر اسلامی ایران در حالی چهلمین سالگرد پیروزی خود را پشت سر گذاشت و قدم به دهه‌ی پنجم حیات خود نهاد که اگرچه دشمنان مستکبرش گمان‌های باطلی در سر داشتند اما دوستانش در سراسر جهان، امیدوارانه آن را در گذر از چالش‌ها و به دست آوردن پیشرفت‌های خیره کننده، همواره سربلند دیده‌اند. در چنین نقطه‌ی عطفی، رهبر حکیم انقلاب اسلامی با صدور «بیانیه‌ی گام دوم انقلاب» و برای ادامه‌ی این راه روشن، به تبیین دست‌آورد‌های شگرف چهار دهه‌ی گذشته پرداخته و توصیه‌هایی اساسی به منظور «جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ» ارائه فرموده‌اند. بیانیه‌ی «گام دوم انقلاب» تجدید مطلعی است خطاب به ملت ایران و به ویژه جوانان که به مثابه منشوری برای «دومین مرحله‌ی خودسازی»، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی خواهد بود و «فصل جدید زندگی جمهوری اسلامی» را رقم خواهد زد.

این گام دوم، انقلاب را «به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواح‌نافه) هست نزدیک خواهد کرد. متن کامل این بیانیه به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا محمد و آله الطاهرين و صحبه المنتجبين و من تبعهم باحسان الى يوم الدين

ورود انقلاب اسلامی به دومین مرحله‌ی خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی

از میان همه‌ی ملت‌های زیر ستم کمتر ملتی به انقلاب همت می‌گمارد. و در میان ملت‌هایی که به پا خاسته و انقلاب کرده‌اند، کمتر دیده شده که توانسته باشند کار را به نهایت رسانده و به جز تغییر حکومت‌ها، آرمان‌های انقلابی را حفظ کرده باشند. اما انقلاب پرشکوه ملت ایران که بزرگ‌ترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید است، تنها انقلابی است که یک چله‌ی پرافتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر نهاده و در برابر همه‌ی وسوسه‌هایی که غیر قابل مقاومت به نظر می‌رسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده و اینک وارد دومین مرحله‌ی خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی شده است. درودی از اعماق دل بر این ملت؛ بر نسلی که آغاز کرد و ادامه داد و بر نسلی که اینک وارد فرایند بزرگ و جهانی چهل سال دوم می‌شود.

پیروزی انقلاب اسلامی؛ آغازگر عصر جدید عالم

آن روز که جهان میان شرق و غرب مادی تقسیم شده بود و کسی گمان یک نهضت بزرگ دینی را نمی‌برد، انقلاب اسلامی ایران، با قدرت و شکوه پا به میدان نهاد؛ چهارچوب‌ها را شکست؛ کهنگی کلیشه‌ها را به رخ دنیا کشید؛ دین و دنیا را در کنار هم مطرح کرد و آغاز عصر جدیدی را اعلام نمود. طبیعی بود که سردم‌داران گمراهی و ستم‌واکنش‌نشان دهند، اما این واکنش ناکام ماند. چپ و راست مدرنیته، از تظاهر به نشنیدن این صدای جدید و متفاوت، تا تلاش گسترده و گونه‌گون برای خفه کردن آن، هرچه کردند به اجل محتوم خود نزدیک‌تر شدند. اکنون با گذشت چهل جشن سالانه‌ی انقلاب و چهل دهه‌ی فجر، یکی از آن دو کانون دشمنی نابود شده و دیگری با مشکلاتی که خبر از نزدیکی احتضار می‌دهند، دست‌وپنجه نرم می‌کند! و انقلاب اسلامی با حفظ و پای‌بندی به شعارهای خود هم‌چنان به پیش می‌رود.

شعارهای جهانی، فطری، درخشان و همیشه زنده‌ی انقلاب اسلامی

برای همه‌چیز می‌توان طول عمر مفید و تاریخ مصرف فرض کرد، اما شعارهای جهانی این انقلاب دینی از این قاعده مستثنا است؛ آنها هرگز بی‌مصرف و بی‌فایده نخواهند شد، زیرا فطرت بشر در همه‌ی عصرها با آن سرشته است. آزادی، اخلاق،

معنویت، عدالت، استقلال، عزت، عقلانیت، برادری، هیچ یک به یک نسل و یک جامعه مربوط نیست تا در دوره‌ای بدرخشد و در دوره‌ای دیگر افول کند. هرگز نمی‌توان مردمی را تصور کرد که از این چشم‌اندازهای مبارک دل‌زده شوند. هرگاه دل‌زدگی پیش آمده، از روی گردانی مسئولان از این ارزش‌های دینی بوده است و نه از پای‌بندی به آن‌ها و کوشش برای تحقق آن‌ها.

← دفاع ابدی از نظریه‌ی نظام انقلابی اسلامی

هم‌چون پدیده‌های زنده و بارآده، همواره دارای انعطاف و آماده‌ی تصحیح خطاهای خویش است، اما تجدیدنظرپذیر و اهل انفعال نیست. به نقدها حساسیت مثبت نشان می‌دهد و آن را نعمت خدا و هشدار به صاحبان حرف‌های بی‌عمل می‌شمارد، اما به هیچ بهانه‌ای از ارزش‌هایش که بحمدالله با ایمان دینی مردم آمیخته است، فاصله نمی‌گیرد. انقلاب اسلامی پس از نظام‌سازی، به رکود و خموشی دچار نشده و نمی‌شود و میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی‌بیند، بلکه از نظریه‌ی نظام انقلابی تا ابد دفاع می‌کند.

← جمهوری اسلامی و فاصله‌ی میان بایدها و واقعیت‌ها

جمهوری اسلامی، متحجر و در برابر پدیده‌ها و موقعیت‌های نو به نو، فاقد احساس و ادراک نیست، اما به اصول خود به‌شدت پای‌بند و به مرزبندی‌های خود با رقیبان و دشمنان به شدت حساس است. با خطوط اصلی خود هرگز بی‌مبالاتی نمی‌کند و برایش مهم است که چرا بماند و چگونه بماند. بی‌شک فاصله‌ی میان بایدها و واقعیت‌ها، همواره وجدان‌های آرمان‌خواه را عذاب داده و می‌دهد، اما این، فاصله‌ای طی‌شدنی است و در چهل سال گذشته در مواردی بارها طی شده است و بی‌شک در آینده، با حضور نسل جوان، مؤمن و دانا و پرانگیزه، با قدرت بیشتر طی خواهد شد.

← انقلاب اسلامی؛ مایه‌ی سربلندی ایران و ایرانی

انقلاب اسلامی ملت ایران، قدرت‌مند اما مهربان و باگذشت و حتی مظلوم بوده است. مرتکب افراط‌ها و چپ‌روی‌هایی که مایه‌ی ننگ بسیاری از قیام‌ها و جنبش‌ها است، نشده است. در هیچ معرکه‌ای حتی با آمریکا و صدام، گلوله‌ی اول را شلیک نکرده و در همه‌ی موارد، پس از حمله‌ی دشمن از خود دفاع کرده و البته ضربه‌ی متقابل را محکم فرود آورده است. این انقلاب از آغاز تا امروز نه بی‌رحم و خونریز بوده و نه منفعل و مردد. با صراحت و شجاعت در برابر زورگویان و گردن‌کشان ایستاده و از مظلومان و مستضعفان دفاع کرده است. این جوانمردی و مروت انقلابی، این صداقت و صراحت و اقتدار، این دامنه‌ی عمل جهانی و منطقه‌ای در کنار مظلومان جهان، مایه‌ی سربلندی ایران و ایرانی است، و همواره چنین باد.

← برای برداشتن گام‌های استوار در آینده، باید گذشته را درست شناخت.

اینک در آغاز فصل جدیدی از زندگی جمهوری اسلامی، این بنده‌ی ناچیز مایلم با جوانان عزیزم، نسلی که پا به میدان عمل می‌گذارد تا بخش دیگری از جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ را آغاز کند، سخن بگویم. سخن اول درباره‌ی گذشته است. عزیزان! نادانسته‌ها را جز با تجربه‌ی خود یا گوش سپردن به تجربه‌ی دیگران نمی‌توان دانست. بسیاری از آن‌چه را ما دیده و آزموده‌ایم، نسل شما هنوز نیازموده و ندیده است. ما دیده‌ایم و شما خواهید دید. دهه‌های آینده دهه‌های شما است و شما باید کارآزموده و پرانگیزه از انقلاب خود حراست کنید و آن را هرچه بیشتر به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواح‌نافداه) است، نزدیک کنید. برای برداشتن گام‌های استوار در آینده، باید گذشته را درست شناخت و از تجربه‌ها درس گرفت؛ اگر از این راه‌برد غفلت شود، دروغ‌ها به جای حقیقت خواهند نشست و آینده مورد تهدیدهای ناشناخته قرار خواهد گرفت. دشمنان انقلاب با انگیزه‌ی قوی،

تحریف و دروغ‌پردازی درباره‌ی گذشته و حتی زمان حال را دنبال می‌کنند و از پول و همه‌ی ابزارها برای آن بهره می‌گیرند. رهنان فکر و عقیده و آگاهی بسیاریند؛ حقیقت را از دشمن و پیاده نظامش نمی‌توان شنید.

← آغاز انقلاب و نظام اسلامی از نقطه‌ی صفر

انقلاب اسلامی و نظام برخاسته از آن، از نقطه‌ی صفر آغاز شد؛ اولاً همه چیز علیه ما بود، چه رژیم فاسد طاغوت که علاوه بر وابستگی و فساد و استبداد و کودتایی بودن، اولین رژیم سلطنتی در ایران بود که به دست بیگانه، و نه به زور شمشیر خود، بر سر کار آمده بود، و چه دولت آمریکا و برخی دیگر از دولت‌های غربی، و چه وضع بشدت نابه‌سامان داخلی و عقب‌افتادگی شرم‌آور در علم و فن‌آوری و سیاست و معنویت و هر فضیلت دیگر. ثانیاً هیچ تجربه‌ی پیشینی و راه طی‌شده‌ای در برابر ما وجود نداشت. بدیهی است که قیام‌های مارکسیستی و امثال آن نمی‌توانست برای انقلابی که از متن ایمان و معرفت اسلامی پدید آمده است، الگو محسوب شود. انقلابیون اسلامی بدون سرمشق و تجربه آغاز کردند و ترکیب جمهوریت و اسلامیت و ابزارهای تشکیل و پیشرفت آن، جز با هدایت الهی و قلب نورانی و اندیشه‌ی بزرگ امام خمینی، به دست نیامد. و این نخستین درخشش انقلاب بود.

تقابل دوگانه‌ی جدید «اسلام و استکبار»؛ پدیده‌ی برجسته‌ی جهان معاصر: پس‌انگاز انقلاب ملت ایران، جهان دوقطبی آن روز را به جهان سه قطبی تبدیل کرد و سپس با سقوط و حذف شوروی و اقمارش و پدید آمدن قطب‌های جدید قدرت، تقابل دوگانه‌ی جدید «اسلام و استکبار» پدیده‌ی برجسته‌ی جهان معاصر و کانون توجه جهانیان شد. از سویی نگاه امیدوارانه‌ی ملت‌های زیر ستم و جریان‌های آزادی‌خواه جهان و برخی دولت‌های مایل به استقلال، و از سویی نگاه کینه ورزانه و بدخواهانه‌ی رژیم‌های زورگو و قلدرهای باج طلب عالم، بدان دوخته شد. بدین‌گونه مسیر جهان تغییر یافت و زلزله‌ی انقلاب، فرعون‌های در بستر راحت آرمیده را بیدار کرد؛ دشمنی‌ها با همه‌ی شدت آغاز شد و اگر نبود قدرت عظیم ایمان و انگیزه‌ی این ملت و رهبری آسمانی و تأییدشده‌ی امام عظیم‌الشأن ما، تاب آوردن در برابر آن همه خصومت و شقاوت و توطئه و خیانت، امکان‌پذیر نمی‌شد. مدیریت جهادی و اعتقاد به اصل «ما می‌توانیم»؛ عامل عزت و پیشرفت ایران در همه‌ی عرصه‌ها. به رغم همه‌ی این مشکلات طاقت‌فرسا، جمهوری اسلامی روزبه روز گام‌های بلندتر و استوارتری به جلو برداشت. این چهل سال، شاهد جهادهای بزرگ و افتخارات درخشان و پیشرفت‌های شگفت‌آور در ایران اسلامی است.

عظمت پیشرفت‌های چهل ساله‌ی ملت ایران آن‌گاه به درستی دیده می‌شود که این مدت، با مدت‌های مشابه در انقلاب‌های بزرگی هم‌چون انقلاب فرانسه و انقلاب اکتبر شوروی و انقلاب هند مقایسه شود. مدیریت‌های جهادی الهام گرفته از ایمان اسلامی و اعتقاد به اصل «ما می‌توانیم» که امام بزرگوار به همه‌ی ما آموخت، ایران را به عزت و پیشرفت در همه‌ی عرصه‌ها رسانید.

← برکات بزرگ انقلاب اسلامی

انقلاب به یک انحطاط تاریخی طولانی پایان داد و کشور که در دوران پهلوی و قاجار بشدت تحقیر شده و بشدت عقب‌مانده بود، در مسیر پیشرفت سریع قرار گرفت؛ در گام نخست، رژیم ننگین سلطنت استبدادی را به حکومت مردمی و مردم‌سالاری تبدیل کرد و عنصر اراده‌ی ملی را که جان مایه‌ی پیشرفت همه‌جانبه و حقیقی است در کانون مدیریت کشور وارد کرد؛ آن‌گاه جوانان را میدان‌دار اصلی حوادث و وارد عرصه‌ی مدیریت کرد؛ روحیه و باور «ما می‌توانیم» را به همگان منتقل کرد؛ به برکت تحریم دشمنان، اتکاء به توانایی داخلی را به همه آموخت و این منشأ برکات بزرگ شد.

یک) ثبات و امنیت و حفظ تمامیت ارضی ایران

اولاً: ثبات و امنیت کشور و تمامیت ارضی و حفاظت از مرزها را که آماج تهدید جدی دشمنان قرار گرفته بود ضمانت کرد و معجزه‌ی پیروزی در جنگ هشت ساله و شکست رژیم بعثی و پشتیبانان آمریکایی و اروپایی و شرقیاش را پدید آورد.

دو) موتور پیشران کشور در عرصه‌ی علم و فن‌آوری و ایجاد زیرساخت‌های حیاتی و اقتصادی و عمرانی ثانیاً: موتور پیشران کشور در عرصه‌ی علم و فن‌آوری و ایجاد زیرساخت‌های حیاتی و اقتصادی و عمرانی شد که تا اکنون ثمرات بالنده‌ی آن روزه روزه فراگیرتر می‌شود. هزاران شرکت دانش‌بنیان، هزاران طرح زیرساختی و ضروری برای کشور در حوزه‌های عمران و حمل‌ونقل و صنعت و نیرو و معدن و سلامت و کشاورزی و آب و غیره، میلیون‌ها تحصیل کرده‌ی دانشگاهی یا در حال تحصیل، هزاران واحد دانشگاهی در سراسر کشور، ده‌ها طرح بزرگ از قبیل چرخه‌ی سوخت هسته‌ای، سلول‌های بنیادی، فن‌آوری نانو، زیست‌فن‌آوری و غیره با رتبه‌های نخستین در کل جهان، شصت برابر شدن صادرات غیرنفتی، نزدیک به ده برابر شدن واحدهای صنعتی، ده‌ها برابر شدن صنایع از نظر کیفی، تبدیل صنعت مونتاژ به فن‌آوری بومی، برجستگی محسوس در رشته‌های گوناگون مهندسی از جمله در صنایع دفاعی، درخشش در رشته‌های مهم و حساس پزشکی و جایگاه مرجعیت در آن و ده‌ها نمونه‌ی دیگر از پیشرفت، محصول آن روحیه و آن حضور و آن احساس جمعی است که انقلاب برای کشور به ارمغان آورد.

ایران پیش از انقلاب، در تولید علم و فن‌آوری صفر بود. در صنعت به‌جز مونتاژ و در علم به‌جز ترجمه هنری نداشت.

سه) به اوج رسانیدن مشارکت مردمی و مسابقه‌ی خدمت‌رسانی

ثالثاً: مشارکت مردمی را در مسائل سیاسی مانند انتخابات، مقابله با فتنه‌های داخلی، حضور در صحنه‌های ملی و استکبارستیزی به اوج رسانید و در موضوعات اجتماعی مانند کمک‌رسانی‌ها و فعالیت‌های نیکوکاری که از پیش از انقلاب آغاز شده بود، افزایش چشم‌گیر داد. پس از انقلاب، مردم در مسابقه‌ی خدمت‌رسانی در حوادث طبیعی و کمبودهای اجتماعی مشتاقانه شرکت می‌کنند.

چهار) ارتقاء شگفت‌آور بینش سیاسی آحاد مردم

رابعاً: بینش سیاسی آحاد مردم و نگاه آنان به مسائل بین‌المللی را به گونه‌ی شگفت‌آوری ارتقاء داد. تحلیل سیاسی و فهم مسائل بین‌المللی در موضوعاتی هم‌چون جنایات غرب به‌خصوص آمریکا، مسئله‌ی فلسطین و ظلم تاریخی به آن ملت، مسئله‌ی جنگ افروزی‌ها و رذالت‌ها و دخالت‌های قدرت‌های قلدر در امور ملت‌ها و امثال آن را از انحصار طبقه‌ی محدود و عزلت‌گزیده‌ای به نام روشن‌فکر، بیرون آورد؛ این گونه، روشن‌فکری میان عموم مردم در همه‌ی کشور و همه‌ی ساحت‌های زندگی جاری شد و مسائلی از این دست حتی برای نوجوانان و نونهالان، روشن و قابل فهم گشت.

پنج) سنگین کردن کفه‌ی عدالت در تقسیم امکانات عمومی کشور

خامساً: کفه‌ی عدالت را در تقسیم امکانات عمومی کشور سنگین کرد. نارضایتی این حقیر از کارکرد عدالت در کشور به دلیل آن‌که این ارزش والا باید گوهر بی‌همتا بر تارک نظام جمهوری اسلامی باشد و هنوز نیست، نباید به این معنی گرفته شود که برای استقرار عدالت کار انجام نگرفته است. واقعیت آن است که دست‌آوردهای مبارزه با بی‌عدالتی در این چهار دهه، با هیچ دوره‌ی دیگر گذشته قابل مقایسه نیست. در رژیم طاغوت بیشترین خدمات و درآمدهای کشور در اختیار گروه کوچکی از پایتخت‌نشینان یا هم‌سانان آنان در برخی دیگر از نقاط کشور بود. مردم بیشتر شهرها به ویژه مناطق دوردست و روستاها در آخر فهرست و غالباً محروم از نیازهای اولیه‌ی زیرساختی و خدمت‌رسانی بودند. جمهوری اسلامی در شمار موفق‌ترین حاکمیت‌های جهان در جابه‌جایی خدمت و ثروت از مرکز به همه‌ی جای کشور، و از مناطق مرفه‌نشین شهرها به مناطق پایین‌دست آن بوده است. آمار بزرگ راه‌سازی و خانه‌سازی و ایجاد مراکز صنعتی و اصلاح امور کشاورزی و رساندن برق و آب و مراکز درمانی و واحدهای دانشگاهی و سد و نیروگاه و امثال آن به دورترین مناطق کشور، حقیقتاً افتخارآفرین است؛ بی‌شک این‌همه، نه در تبلیغات نارسای مسئولان انعکاس یافته و نه زبان بدخواهان خارجی و داخلی به آن اعتراف کرده است؛ ولی راست و حسینی برای مدیران جهادی و بااخلاص نزد خدا و خلق است. البته عدالت مورد انتظار در جمهوری اسلامی که مایل

است پیرو حکومت علوی شناخته شود، بسی برتر از این‌ها است و چشم امید برای اجرای آن به شما جوان‌ها است که در ادامه بدان خواهیم پرداخت.

شش) افزایش چشم‌گیر معنویت و اخلاق در فضای عمومی جامعه)

سادساً: عیار معنویت و اخلاق را در فضای عمومی جامعه به گونه‌ای چشم‌گیر افزایش داد. این پدیده‌ی مبارک را رفتار و منش حضرت امام خمینی در طول دوران مبارزه و پس از پیروزی انقلاب، بیش از هر چیز رواج داد؛ آن انسان معنوی و عارف و وارسته از پیرایه‌های مادی، در رأس کشوری قرار گرفت که مایه‌های ایمان مردمش بسی ریشه دار و عمیق بود. هرچند دست‌تلاش تبلیغات مروج فساد و بی‌بندوباری در طول دوران پهلوی‌ها به آن ضربه‌های سخت زده و لجن‌زاری از آلودگی اخلاقی غربی را به درون زندگی مردم متوسط و بخصوص جوانان کشانده بود، ولی روی‌کرد دینی و اخلاقی در جمهوری اسلامی، دل‌های مستعد و نورانی بویژه جوانان را مجذوب کرد و فضا به سود دین و اخلاق دگرگون شد. مجاهدت‌های جوانان در میدان‌های سخت از جمله دفاع مقدس، با ذکر و دعا و روحیه‌ی برادری و ایثار همراه شد و ماجراهای صدر اسلام را زنده و نمایان در برابر چشم همه نهاد. پدران و مادران و همسران با احساس وظیفه‌ی دینی از عزیزان خود که به جبهه‌های گوناگون جهاد می‌شتافتند دل‌کنند و سپس، آن‌گاه که با پیکر خون‌آلود یا جسم آسیب‌دیده‌ی آنان روبه‌رو شدند، مصیبت را با شکر همراه کردند. مساجد و فضاهای دینی رونقی بی‌سابقه گرفت. صف نوبت برای اعتکاف از هزاران جوان و استاد و دانشجو و زن و مرد و صف نوبت برای اردوهای جهادی و جهاد سازندگی و بسیج سازندگی از هزاران جوان داوطلب و فداکار آکنده شد. نماز و حج و روزه‌داری و پیاده‌روی زیارت و مراسم گوناگون دینی و انفاقات و صدقات واجب و مستحب در همه‌جا به ویژه میان جوانان رونق یافت و تا امروز، روزه روز بیشتر و باکیفیت‌تر شده است. و این‌ها همه در دورانی اتفاق افتاده که سقوط اخلاقی روزافزون غرب و پیروانش و تبلیغات پر حجم آنان برای کشاندن مرد و زن به لجن‌زارهای فساد، اخلاق و معنویت را در بخش‌های عمده‌ی عالم منزوی کرده است؛ و این معجزه‌ای دیگر از انقلاب و نظام اسلامی فعال و پیشرو است.

هفت) ایستادگی روزافزون در برابر قلدران و زورگویان و مستکبران جهان

سابعاً: نماد پرابهت و باشکوه و افتخارآمیز ایستادگی در برابر قلدران و زورگویان و مستکبران جهان و در رأس آنان آمریکای جهان‌خوار و جنایت‌کار، روزه‌روز برجسته‌تر شد. در تمام این چهل سال، تسلیم ناپذیری و صیانت و پاسداری از انقلاب و عظمت و هیبت الهی آن و گردن برافراشته‌ی آن در مقابل دولت‌های متکبر و مستکبر، خصوصیت شناخته شده‌ی ایران و ایرانی به ویژه جوانان این مرز و بوم به شمار می‌رفته است. قدرت‌های انحصارگر جهان که همواره حیات خود را در دست‌اندازی به استقلال دیگر کشورها و پایمال کردن منافع حیاتی آن‌ها برای مقاصد شوم خود دانسته‌اند، در برابر ایران اسلامی و انقلابی، اعتراف به ناتوانی کردند. ملت ایران در فضای حیات بخش انقلاب توانست نخست دست نشانده‌ی آمریکا و عنصر خائن به ملت را از کشور براند و پس از آن هم تا امروز از سلطه‌ی دوباره‌ی قلدران جهانی بر کشور با قدرت و شدت جلوگیری کند. انقلاب چهل ساله و گام بزرگ دوم جوانان عزیز! این‌ها بخشی محدود از سرفصل‌های عمده در سرگذشت چهل ساله‌ی انقلاب اسلامی است؛ انقلاب عظیم و پایدار و درخشانی که شما به توفیق الهی باید گام بزرگ دوم را در پیش‌برد آن بردارید. محصول تلاش چهل ساله، اکنون برابر چشم ما است.

کشور و ملتی مستقل، آزاد، مقتدر، باعزت، متدین، پیشرفته در علم، انباشته از تجربه‌هایی گران‌بها، مطمئن و امیدوار، دارای تأثیر اساسی در منطقه و دارای منطق قوی در مسائل جهانی، رکورددار در شتاب پیشرفت‌های علمی، رکورددار در رسیدن به رتبه‌های بالا در دانش‌ها و فن‌آوری‌های مهم از قبیل هسته‌ای و سلول‌های بنیادی و نانو و هوافضا و امثال آن، سرآمد در گسترش خدمات اجتماعی، سرآمد در انگیزه‌های جهادی میان جوانان، سرآمد در جمعیت جوان کارآمد، و بسی ویژگی‌های افتخارآمیز دیگر که همگی محصول انقلاب و نتیجه‌ی جهت‌گیری‌های انقلابی و جهادی است. و بدانید که اگر بی‌توجهی به شعارهای انقلاب و غفلت از جریان انقلابی در برهه‌هایی از تاریخ چهل ساله نمی‌بود، که متأسفانه بود و خسارت بار هم بود، بی-

شک دست‌آوردهای انقلاب از این بسی بیشتر و کشور در مسیر رسیدن به آرمان‌های بزرگ بسی جلوتر بود و بسیاری از مشکلات کنونی وجود نمی‌داشت. اقتدار انقلاب اسلامی و تغییر چالش‌ها و شکست مستکبران ایران مقتدر، امروز هم مانند آغاز انقلاب با چالش‌های مستکبران روبه‌رو است اما با تفاوتی کاملاً معنی‌دار. اگر آن روز چالش با آمریکا بر سر کوتاه کردن دست عمال بیگانه یا تعطیلی سفارت رژیم صهیونیستی در تهران یا رسوا کردن لانه‌ی جاسوسی بود، امروز چالش بر سر حضور ایران مقتدر در مرزهای رژیم صهیونیستی و برچیدن بساط نفوذ نامشروع آمریکا از منطقه‌ی غرب آسیا و حمایت جمهوری اسلامی از مبارزات مجاهدان فلسطینی در قلب سرزمین‌های اشغالی و دفاع از پرچم برافراشته‌ی حزب‌الله و مقاومت در سراسر این منطقه است. و اگر آن روز، مشکل غرب جلوگیری از خرید تسلیحات ابتدایی برای ایران بود، امروز مشکل او جلوگیری از انتقال سلاح‌های پیشرفته‌ی ایرانی به نیروهای مقاومت است. و اگر آن روز گمان آمریکا آن بود که با چند ایرانی خودفروخته یا با چند هواپیما و بالگرد خواهد توانست بر نظام اسلامی و ملت ایران فائق آید، امروز برای مقابله‌ی سیاسی و امنیتی با جمهوری اسلامی، خود را محتاج به یک ائتلاف بزرگ از ده‌ها دولت معاند یا مرعوب می‌بیند و البته باز هم در رویارویی، شکست می‌خورد. ایران به برکت انقلاب، اکنون در جایگاهی متعالی و شایسته‌ی ملت ایران در چشم جهانیان و عبور کرده از بسی گردنه‌های دشوار در مسائل اساسی خویش است.

جوانان؛ محور تحقق نظام پیشرفته‌ی اسلامی: اما راه طی شده فقط قطعه‌ای از مسیر افتخارآمیز به سوی آرمان‌های بلند نظام جمهوری اسلامی است. دنباله‌ی این مسیر که به گمان زیاد، به دشواری گذشته‌ها نیست، باید با همت و هوشیاری و سرعت عمل و ابتکار شما جوانان طی شود. مدیران جوان، کارگزاران جوان، اندیش‌مندان جوان، فعالان جوان، در همه‌ی میدان‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و بین‌المللی و نیز در عرصه‌های دین و اخلاق و معنویت و عدالت، باید شانه‌های خود را به زیر بار مسئولیت دهند، از تجربه‌ها و عبرت‌های گذشته بهره‌گیرند، نگاه انقلابی و روحیه‌ی انقلابی و عمل جهادی را به کار بندند و ایران عزیز را الگوی کامل نظام پیشرفته‌ی اسلامی بسازند. نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی؛ مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش کشور: نکته‌ی مهمی که باید آینده‌سازان در نظر داشته باشند، این است که در کشوری زندگی می‌کنند که از نظر ظرفیت‌های طبیعی و انسانی، کم‌نظیر است و بسیاری از این ظرفیت‌ها با غفلت دست‌اندرکاران تاکنون بی‌استفاده یا کم‌استفاده مانده است. همت‌های بلند و انگیزه‌های جوان و انقلابی، خواهند توانست آن‌ها را فعال و در پیشرفت مادی و معنوی کشور به معنی واقعی جهش ایجاد کنند. مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش کشور، نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی است. جمعیت جوان زیر ۴۰ سال که بخش مهمی از آن نتیجه‌ی موج جمعیتی ایجادشده در دهه‌ی ۴۰ است، فرصت ارزش‌مندی برای کشور است. ۶۰ میلیون نفر در سنین میانه‌ی ۱۵ تا ۴۰ سالگی، نزدیک به ۱۴ میلیون نفر دارای تحصیلات عالی، رتبه‌ی دو جهان در دانش‌آموختگان علوم و مهندسی، انبوه جوانانی که با روحیه‌ی انقلابی رشد کرده و آمادگی تلاش جهادی برای کشورند، و جمع چشم‌گیر جوانان محقق و اندیش‌مندی که به آفرینش‌های علمی و فرهنگی و صنعتی و غیره اشتغال دارند؛ این‌ها ثروت عظیمی برای کشور است که هیچ اندوخته‌ی مادی با آن مقایسه نمی‌تواند شد.

فهرست طولانی فرصت‌های مادی کشور: به جز این‌ها، فرصت‌های مادی کشور نیز فهرستی طولانی را تشکیل می‌دهد که مدیران کارآمد و پرتوان می‌توانند با فعال کردن و بهره‌گیری از آن، درآمدهای ملی را با جهشی نمایان افزایش داده و کشور را ثروتمند و بی‌نیاز و به معنی واقعی دارای اعتماد به نفس کنند و مشکلات کنونی را برطرف نمایند. ایران با دارا بودن یک درصد جمعیت جهان، دارای ۷ درصد ذخایر معدنی جهان است: منابع عظیم زیرزمینی، موقعیت استثنایی جغرافیایی میان شرق و غرب و شمال و جنوب، بازار بزرگ ملی، بازار بزرگ منطقه‌ای با داشتن ۵۱ همسایه با ۴۴۰ میلیون جمعیت، سواحل دریایی طولانی، حاصل خیزی زمین با محصولات متنوع کشاورزی و باغی، اقتصاد بزرگ و متنوع بخش‌هایی از ظرفیت‌های کشور است؛ بسیاری از ظرفیت‌ها دست‌نخورده مانده است. گفته شده است که ایران از نظر ظرفیت‌های استفاده

نشده‌ی طبیعی و انسانی در رتبه‌ی اول جهان است. بی‌شک شما جوانان مؤمن و پرتلاش خواهید توانست این عیب بزرگ را برطرف کنید. دهه‌ی دوم چشم‌انداز، باید زمان تمرکز بر بهره‌برداری از دست‌آوردهای گذشته و نیز ظرفیت‌های استفاده نشده باشد و پیشرفت کشور از جمله در بخش تولید و اقتصاد ملی ارتقاء یابد.

گام دوم و سرفصل‌ها و توصیه‌های اساسی در پرتو امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده: اکنون به شما فرزندان عزیزم در مورد چند سرفصل اساسی توصیه‌هایی می‌کنم. این سرفصل‌ها عبارتند از: علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی و روابط خارجی و مرزبندی با دشمن، سبک زندگی. اما پیش از همه چیز، نخستین توصیه‌ی من امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده است. بدون این کلید اساسی همه‌ی قفل‌ها، هیچ گامی نمی‌توان برداشت. آنچه می‌گویم یک امید صادق و متکی به واقعیت‌های عینی است. این جانب همواره از امید کاذب و فریبنده دوری جست‌ام، اما خود و همه را از نومی‌دی بی‌جا و ترس کاذب نیز برحذر داشته‌ام و برحذر می‌دارم. در طول این چهل سال و اکنون مانند همیشه، سیاست تبلیغی و رسانه‌ای دشمن و فعال‌ترین برنامه‌های آن، مآیوس‌سازی مردم و حتی مسئولان و مدیران ما از آینده است.

خبرهای دروغ، تحلیل‌های مغرضانه، وارونه نشان دادن واقعیت‌ها، پنهان کردن جلوه‌های امیدبخش، بزرگ کردن عیوب کوچک و کوچک نشان دادن یا انکار محسنات بزرگ، برنامه‌ی همیشگی هزاران رسانه‌ی صوتی و تصویری و اینترنتی دشمنان ملت ایران است؛ و البته دنباله‌های آنان در داخل کشور نیز قابل مشاهده‌اند که با استفاده از آزادی‌ها در خدمت دشمن حرکت می‌کنند. شما جوانان باید پیش‌گام در شکستن این محاصره‌ی تبلیغاتی باشید. در خود و دیگران نهال امید به آینده را پرورش دهید. ترس و نومی‌دی را از خود و دیگران برانید. این نخستین و ریشه‌ای‌ترین جهاد شما است. نشانه‌های امیدبخش، که به برخی از آن‌ها اشاره شد، در برابر چشم شما است. رویش‌های انقلاب بسی فراتر از ریزش‌ها است و دست‌ودل‌های امین و خدمت‌گزار، به مراتب بیشتر از مفسدان و خائنان و کیسه‌دوختگان است. دنیا به جوان ایرانی و پایداری ایرانی و ابتکارهای ایرانی، در بسیاری از عرصه‌ها با چشم تکریم و احترام می‌نگرد. قدر خود را بدانید و با قوت خداداد، به سوی آینده خیز بردارید و حماسه بیافرینید.

← و اما توصیه‌ها

یک) علم و پژوهش

علم و پژوهش: دانش، آشکارترین وسیله‌ی عزت و قدرت یک کشور است. روی دیگر دانایی، توانایی است. دنیای غرب به برکت دانش خود بود که توانست برای خود ثروت و نفوذ و قدرت دوپست‌ساله فراهم کند و با وجود تهی‌دستی در بنیان‌های اخلاقی و اعتقادی، با تحمیل سبک زندگی غربی به جوامع عقب‌مانده از کاروان علم، اختیار سیاست و اقتصاد آن‌ها را به دست گیرد. ما به سوءاستفاده از دانش مانند آنچه غرب کرد، توصیه نمی‌کنیم، اما مؤکداً به نیاز کشور به جوشاندن چشمه‌ی دانش در میان خود اصرار می‌ورزیم. بحمدالله استعداد علم و تحقیق در ملت ما از متوسط جهان بالاتر است. اکنون نزدیک به دو دهه است که رستخیز علمی در کشور آغاز شده و با سرعتی که برای ناظران جهانی غافل‌گیرکننده بود، یعنی یازده برابر شتاب رشد متوسط علم در جهان، به پیش رفته است.

دست‌آوردهای دانش و فن‌آوری ما در این مدت که ما را به رتبه‌ی شانزدهم در میان بیش از دوپست کشور جهان رسانید و مایه‌ی شگفتی ناظران جهانی شد و در برخی از رشته‌های حساس و نوپدید به رتبه‌های نخستین ارتقاء داد، همه و همه در حالی اتفاق افتاده که کشور دچار تحریم مالی و تحریم علمی بوده است. ما با وجود شنا در جهت مخالف جریان دشمن‌ساز، به رکوردهای بزرگ دستیافته‌ایم و این نعمت بزرگی است که به‌خاطر آن باید روز و شب خدا را سپاس گفت. اما آنچه من می‌خواهم بگویم این است که این راه طی شده، با همه‌ی اهمیتش فقط یک آغاز بوده است و نه بیشتر. ما هنوز از قله‌های دانش جهان بسیار عقبیم؛ باید به قله‌ها دست یابیم. باید از مرزهای کنونی دانش در مهم‌ترین رشته‌ها عبور کنیم. ما از این مرحله

هنوز بسیار عقبیم؛ ما از صفر شروع کرده‌ایم. عقب‌ماندگی شرم‌آور علمی در دوران پهلوی‌ها و قاجارها در هنگامی که مسابقه‌ی علمی دنیا تازه شروع شده بود، ضربه‌ی سختی بر ما وارد کرده و ما را از این کاروان شتابان، فرسنگ‌ها عقب نگه داشته بود. ما اکنون حرکت را آغاز کرده و با شتاب پیش می‌رویم ولی این شتاب باید سال‌ها با شدت بالا ادامه یابد تا آن عقب‌افتادگی جبران شود. این جانب همواره به دانش‌گاه‌ها و دانشگاهیان و مراکز پژوهش و پژوهندگان، گرم و قاطع و جدی، در این باره تذکر و هشدار و فراخوان داده‌ام، ولی اینک مطالبه‌ی عمومی من از شما جوانان آن است که این راه را با احساس مسئولیت بیشتر و هم‌چون یک جهاد در پیش گیرید. سنگ‌بنای یک انقلاب علمی در کشور گذاشته شده و این انقلاب، شهیدانی از قبیل شهدای هسته‌ای نیز داده است. به پاخیزید و دشمن بدخواه و کینه توز را که از جهاد علمی شما به شدت بیمناک است ناکام سازید.

دو- معنویت و اخلاق

معنویت و اخلاق: معنویت به معنی برجسته کردن ارزش‌های معنوی از قبیل: اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و در جامعه است، و اخلاق به معنی رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتمادبه-نفس و دیگر خلقیات نیکو است. معنویت و اخلاق، جهت دهنده‌ی همه‌ی حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است؛ بودن آنها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت می‌سازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند. شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه هرچه بیشتر رشد کند برکات بیشتری به بار می‌آورد؛ این، بی‌گمان محتاج جهاد و تلاش است و این تلاش و جهاد، بدون همراهی حکومت‌ها توفیق چندانی نخواهد یافت.

✔ **تست:** رعایت فضیلت‌هایی از قبیل شجاعت، تواضع یعنی ...

(۱) ایمان (۲) اخلاق (۳) معنویت (۴) معرفت

پاسخ: گزینه ۲ صحیح است.

اخلاق و معنویت، البته با دستور و فرمان به دست نمی‌آید، پس حکومت‌ها نمی‌توانند آن را با قدرت قاهره ایجاد کنند، اما اولاً خود باید منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند، و ثانیاً زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم کنند و به نهادهای اجتماعی در این باره میدان دهند و کمک برسانند؛ با کانون‌های ضد معنویت و اخلاق، به شیوه‌ی معقول بستیزند و خلاصه اجازه ندهند که جهنمی‌ها مردم را با زور و فریب، جهنمی کنند. ابزارهای رسانه‌ای پیشرفته و فراگیر، امکان بسیار خطرناکی در اختیار کانون‌های ضد معنویت و ضد اخلاق نهاده است و هم‌اکنون تهاجم روزافزون دشمنان به دل‌های پاک جوانان و نوجوانان و حتی نونهالان با بهره‌گیری از این ابزارها را به چشم خود می‌بینیم.

✔ **تست:** برجسته کردن ارزش‌های معنوی از قبیل ایثار و ایمان.....

(۱) اخلاق (۲) معنویت (۳) معرفت (۴) فرهنگ

پاسخ: گزینه ۲ صحیح است.

دستگاه‌های مسئول حکومتی در این باره وظایفی سنگین بر عهده دارند که باید هوشمندانه و کاملاً مسئولانه صورت گیرد. و این البته به معنی رفع مسئولیت از اشخاص و نهادهای غیرحکومتی نیست. در دوره‌ی پیش‌رو باید در این باره برنامه‌های کوتاه مدت و میان مدت جامعی تنظیم و اجرا شود؛ انشاءالله

سه) اقتصاد

اقتصاد یک نقطه‌ی کلیدی تعیین کننده است. اقتصاد قوی، نقطه‌ی قوت و عامل مهم سلطه ناپذیری و نفوذناپذیری کشور است و اقتصاد ضعیف، نقطه‌ی ضعف و زمینه‌ساز نفوذ و دخالت دشمنان است. فقر و غنا در مادیات و معنویات بشر، اثر می‌گذارد. اقتصاد البته هدف جامعه‌ی اسلامی نیست، اما وسیله‌ای است که بدون آن نمی‌توان به هدف رسید. تأکید بر تقویت اقتصاد مستقل کشور که مبتنی بر تولید انبوه و باکیفیت، و توزیع عدالت‌محور، و مصرف به‌اندازه و بی‌اسراف، و مناسبات

مدیریتی خردمندانه است و در سال‌های اخیر از سوی این‌جانب بارها تکرار و بر آن تأکید شده، به خاطر همین تأثیر شگرفی است که اقتصاد می‌تواند بر زندگی امروز و فردای جامعه بگذارد. انقلاب اسلامی راه نجات از اقتصاد ضعیف و وابسته و فاسد دوران طاغوت را به ما نشان داد، ولی عملکردهای ضعیف، اقتصاد کشور را از بیرون و درون دچار چالش ساخته است. چالش بیرونی تحریم و وسوسه‌های دشمن است که در صورت اصلاح مشکل درونی، کم‌اثر و حتی بی‌اثر خواهد شد. چالش درونی عبارت از عیوب ساختاری و ضعف‌های مدیریتی است. مهم‌ترین عیوب، وابستگی اقتصاد به نفت، دولتی بودن بخش‌هایی از اقتصاد که در حیطه‌ی وظایف دولت نیست، نگاه به خارج و نه به توان و ظرفیت داخلی، استفاده‌ی اندک از ظرفیت نیروی انسانی کشور، بودجه بندی معیوب و نامتوازن، و سرانجام عدم ثبات سیاست‌های اجرائی اقتصاد و عدم رعایت اولویت‌ها و وجود هزینه‌های زائد و حتی مسرفانه در بخش‌هایی از دستگاه‌های حکومتی است.

تست: رویکرد جمهوری اسلامی در برابر وابستگی به نفت چگونه است؟

- (۱) سلبی (۲) ایجابی (۳) وابستگی مطلق (۴) استقلال مطلق

پاسخ: گزینه ۱ صحیح است.

تست: عامل عقب‌افتادگی و ایجاد مشکل در کشورهای نفت خیز چیست؟

- (۱) وابستگی به فروش نفت (۲) وابستگی به تولید نفت (۳) گزینه الف و ب (۴) وابستگی به قیمت نفت

پاسخ: گزینه ۴ صحیح است.

تست: از عیوب سیستم اقتصادی کشور

- (۱) عدم استفاده از سیاست‌های مقاومتی (۲) وابستگی اقتصادی (۳) بودجه‌بندی معیوب (۴) ضعف مدیریتی

پاسخ: گزینه ۳ صحیح است.

تست: کشورهای تولید کننده نفت همواره مایل به قیمت جهانی نفت هستند.

- (۱) افزایش قیمت (۲) کاهش قیمت (۳) ثبات قیمت (۴) کاهش وابستگی به نفت

پاسخ: گزینه ۴ صحیح است.

نتیجه‌ی این‌ها مشکلات زندگی مردم از قبیل بیکاری جوان‌ها، فقر درآمدی در طبقه‌ی ضعیف و امثال آن است. راه‌حل این مشکلات، سیاست‌های اقتصاد مقاومتی است که باید برنامه‌های اجرائی برای همه‌ی بخش‌های آن تهیه و با قدرت و نشاط کاری و احساس مسئولیت، در دولت‌ها پیگیری و اقدام شود. درونزایی اقتصاد کشور، مولد شدن و دانش‌بنیان شدن آن، مردمی کردن اقتصاد و تصدی‌گری نکردن دولت، برون‌گرایی با استفاده از ظرفیت‌هایی که قبلاً به آن اشاره شد، بخش‌های مهم این راه‌حل‌ها است. بی‌گمان یک مجموعه‌ی جوان و دانا و مؤمن و مسلط بر دانسته‌های اقتصادی در درون دولت خواهند توانست به این مقاصد برسند. دوران پیش رو باید میدان فعالیت چنین مجموعه‌ای باشد. جوانان عزیز در سراسر کشور بدانند که همه‌ی راه حل‌ها در داخل کشور است. اینکه کسی گمان کند که «مشکلات اقتصادی» صرفاً ناشی از تحریم است و علت تحریم هم مقاومت ضد استکباری و تسلیم نشدن در برابر دشمن است؛ پس راه حل، زانو زدن در برابر دشمن و بوسه زدن بر پنجه‌ی گرگ «خطایی نابخشودنی» است. این تحلیل سراپا غلط، هرچند گاه از زبان و قلم برخی غفلت‌زده‌گان داخلی صادر می‌شود، اما منشأ آن، کانون‌های فکر و توطئه‌ی خارجی است که با صد زبان به تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران و افکار عمومی داخلی القاء می‌شود.

چهار) عدالت و مبارزه با فساد

عدالت و مبارزه با فساد: این دو لازم و ملزوم یکدیگرند. فساد اقتصادی و اخلاقی و سیاسی، توده‌ی چرکین کشورها و نظام‌ها و اگر در بدنه‌ی حکومت‌ها عارض شود، زلزله‌ی ویران‌گر و ضربه‌زننده به مشروعیت آن‌ها است؛ و این برای نظامی چون جمهوری اسلامی که نیازمند مشروعیتی فراتر از مشروعیت‌های مرسوم و مبنائی‌تر از مقبولیت اجتماعی است، بسیار جدی‌تر و بنیانی‌تر از دیگر نظام‌ها است. وسوسه‌ی مال و مقام و ریاست، حتی در علوی‌ترین حکومت تاریخ یعنی حکومت خود حضرت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) کسانی را لغزاند، پس خطر بروز این تهدید در جمهوری اسلامی هم که روزی مدیران و مسئولانش مسابقه‌ی زهد انقلابی و ساده‌زیستی می‌دادند، هرگز بعید نبوده و نیست؛ و این ایجاب می‌کند که دستگاهی کارآمد با نگاهی تیزبین و رفتاری قاطع در قوای سه‌گانه حضور دائم داشته باشد و به معنای واقعی با فساد مبارزه کند، به ویژه در درون دستگاه‌های حکومتی. البته نسبت فساد در میان کارگزاران حکومت جمهوری اسلامی در مقایسه با بسیاری از کشورهای دیگر و بخصوص با رژیم طاغوت که سرتاپا فساد و فسادپرور بود، بسی کمتر است و بحمدالله مأموران این نظام غالباً سلامت خود را نگاه داشته‌اند، ولی حتی آن‌چه هست غیر قابل قبول است. همه باید بدانند که طهارت اقتصادی شرط مشروعیت همه‌ی مقامات حکومت جمهوری اسلامی است. همه باید از شیطان حرص برحذر باشند و از لقمه‌ی حرام بگریزند و از خداوند در این باره کمک بخواهند و دستگاه‌های نظارتی و دولتی باید با قاطعیت و حساسیت، از تشکیل نطفه‌ی فساد پیش‌گیری و با رشد آن مبارزه کنند. این مبارزه نیازمند انسان‌هایی باایمان و جهادگر، و منیع‌الطبع با دستانی پاک و دل‌هایی نورانی است. این مبارزه بخش اثرگذاری است از تلاش همه‌جانبه‌ای که نظام جمهوری اسلامی باید در راه استقرار عدالت به کار برد. عدالت در صدر هدف‌های اولیه‌ی همه‌ی بعثت‌های الهی است و در جمهوری اسلامی نیز دارای همان شأن و جایگاه است؛ این، کلمه‌ای مقدس در همه‌ی زمان‌ها و سرزمین‌ها است و به صورت کامل، جز در حکومت حضرت ولی‌عصر (ارواح‌نفاذ) میسر نخواهد شد ولی به صورت نسبی، همه‌جا و همه‌وقت ممکن و فریضه‌ای بر عهده‌ی همه به‌ویژه حاکمان و قدرتمندان است. جمهوری اسلامی ایران در این راه گام‌های بلندی برداشته است که قبلاً بدان اشاره‌ای کوتاه رفت؛ و البته در توضیح و تشریح آن باید کارهای بیشتری صورت گیرد و توطئه‌ی واژگونه‌نمایی و لاقط سکوت و پنهان‌سازی که اکنون برنامه‌ی جدی دشمنان انقلاب است، خنثی گردد. با این همه، این‌جانب به جوانان عزیزی که آینده‌ی کشور، چشم‌انتظار آن‌ها است صریحاً می‌گویم آن‌چه تاکنون شده با آن‌چه باید می‌شده و بشود، دارای فاصله‌ای ژرف است. در جمهوری اسلامی، دل‌های مسئولان به طور دائم باید برای رفع محرومیت‌ها بتپد و از شکاف‌های عمیق طبقاتی به شدت بیمناک باشد. در جمهوری اسلامی کسب ثروت نه تنها جرم نیست که مورد تشویق نیز هست، اما تبعیض در توزیع منابع عمومی و میدان دادن به ویژه‌خواری و مدارا با فریب‌گران اقتصادی که همه به بی‌عدالتی می‌انجامد، بشدت ممنوع است؛ هم‌چنین غفلت از قشرهای نیازمند حمایت، به هیچ‌رو مورد قبول نیست. این سخنان در قالب سیاست‌ها و قوانین، بارها تکرار شده است ولی برای اجرای شایسته‌ی آن، چشم امید به شما جوان‌ها است؛ و اگر زمام‌اداره‌ی بخش‌های گوناگون کشور به جوانان مؤمن و انقلابی و دانا و کاردان، که بحمدالله کم نیستند، سپرده شود، این امید برآورده خواهد شد؛ انشاءالله.

پنج) استقلال و آزادی

استقلال و آزادی: استقلال ملی به معنی آزادی ملت و حکومت از تحمیل و زورگویی قدرت‌های سلطه‌گر جهان است.

تست: آزادی ملت و حکومت از تحمیل قدرت‌های سلطه‌گر جهان یعنی.....

۱) استقلال ملی ۲) آزادی اجتماعی ۳) استعمارزدایی ۴) هیچکدام

پاسخ: گزینه ۱ صحیح است.

← سولات تکمیلی

۱- حقوق اساسی از حقوق صحبت می کند.

- (۱) اجتماعی (۲) فردی (۳) بین المللی (۴) آزادی فردی

پاسخ: گزینه ۲ صحیح است.

۲- اصل تفکیک قوا توسط چه کسی مطرح شد؟

- (۱) ژان ژاک روسو (۲) جان لایک (۳) مونتسکیو (۴) گردسیوس

پاسخ: گزینه ۳ صحیح است.

۳- اصل تفکیک قوا در قرن ۱۷ و ۱۸ به منظور بیان شد.

- (۱) عدم سوء استفاده از قدرت (۲) تمرکززدایی (۳) دفاع از آزادی مردم (۴) گزینه الف و ج

پاسخ: گزینه ۴ صحیح است.

۴- رئیس قوه قضائیه و دیوان عالی کشور باید باشد.

- (۱) عادل (۲) مجتهد (۳) گزینه الف و ب (۴) هیچکدام

پاسخ: گزینه ۳ صحیح است.

۵- وزیر دادگستری در خصوص وظایف اصل قانون اساسی در قابل رئیس جمهور مسئول است.

- (۱) ۱۶۰ (۲) ۲۵۰ (۳) ۴۰ (۴) هیچکدام

پاسخ: گزینه ۱ صحیح است.

۶- حق تدوین آیین نامه های ماهوی و اتخاذ تصمیمات قابل اجرا به تعلق دارد.

- (۱) قوه قضائیه (۲) قوه مجریه (۳) قوا مجریه (۴) همه موارد

پاسخ: گزینه ۲ صحیح است.

۷- اعطای نشان های دولتی توسط انجام می شود.

- (۱) رئیس جمهور (۲) رهبری (۳) قوه قضائیه (۴) هیچکدام

پاسخ: گزینه ۱ صحیح است.

۸- رسیدگی به دارایی همسر وزیر توسط رسیدگی می شود.

- (۱) رئیس مجلس (۲) هیأت وزیران (۳) رئیس قوه قضائیه (۴) شورای نگهبان

پاسخ: گزینه ۳ صحیح است.

۹- حضور اعضای در مراسم سوگند رئیس جمهور الزامی است.

- (۱) مجلس خبرگان (۲) مجلس شورای اسلامی (۳) شورای نگهبان (۴) قوه قضائیه

پاسخ: گزینه ۳ صحیح است.

فصل پنجم

توانایی های عمومی ذهنی

نمونه سؤالات تألیفی

۱- A و B ناصفر و مثبت هستند. اگر A دو برابر B و B نصف شود، کسر $\frac{A+B}{B}$ چه تغییری می کند؟
(دستیاران ستادی سال ۹۴)

۱) نمی توان تعیین کرد

۲) ۵۲ درصد کاهش می یابد

۳) ۷۵ درصد کاهش می یابد

۴) تغییری نمی کند

❖ پاسخ: گزینه ۱ صحیح می باشد.

۲- بهروز، امیر و رضا یک کار را هر کدام به تنهایی به ترتیب در ۱۲، ۱۸ و ۳۶ روز انجام می دهند. اگر بهروز به تنهایی این کار را شروع کند و امیر و رضا در ابتدای روز پنجم به او ملحق شوند. انجام کار از شروع تا پایان چندمین روز طول می کشد؟ (آموزش و پرورش سال ۹۵)

۱) ۶ ۲) ۸ ۳) ۹ ۴) ۱۰

❖ پاسخ: گزینه ۲ صحیح می باشد.

❖ بهروز به تنهایی ۲۱ روز کار می کند و ۴ روز کار کرده است یعنی یک سوم از کار را انجام داده و دو سوم باقی مانده، اگر تمامی افراد شروع بکار نمایند کل کار را در ۶ روز به تمام می رسانند. حال باید بررسی کنیم که کار را در چند روز تمام می کنند طبق جدول زیر خواهیم داشت (4=?)

1	6
$\frac{2}{3}$	؟

بنابراین بعد از ۴ روز کاری بهروز، باقی افراد باید ۴ روز کار کنند تا کار به اتمام برسد، در نتیجه ۸ روز کاری بطول می انجامد.

۳- پنج دانشجوی کارشناسی، پروژه های را در دو سال، دو دانشجوی کارشناسی ارشد همان پروژه را در چهارسال و ۳ دانشجوی دکتری همان پروژه را در یک سال انجام می دهند. اگر یک دانشجوی دکتری و یک دانشجوی کارشناسی ارشد در این پروژه، حضور داشته باشند، حداقل چند دانشجوی کارشناسی لازم است تا پروژه در حداکثر یک سال به اتمام رسد؟ (فراگیر چهارم و آموزش و پرورش سال ۶۹)

۱) ۴ ۲) ۵ ۳) ۶ ۴) ۷

❖ پاسخ: گزینه ۳ صحیح می باشد.

❖ طبق صورت مسئله داریم:

طبق صورت مسئله	بر اساس اینکه پروژه در یکسال تمام شود
۵ کارشناسی ۲ سال	۱۰ کارشناسی ۱ سال
۲ کارشناسی ارشد ۴ سال	۸ کارشناسی ارشد ۱ سال
۳ دکتری ۱ سال	۳ دکتری ۱ سال

۱ دکتری می تواند ۳/۱ پروژه را انجام دهد. ۱ کارشناسی ارشد نیز می تواند ۸/۱ پروژه را انجام دهد و ۶ کارشناسی نیز باید باقی مانده پروژه را انجام دهد.

راهنمایی: متن زیر را به دقت بخوانید و به سوالات آن پاسخ دهید.

پایان قرن بیستم و آغاز هزاره جدید میلادی، نه تنها برای دانشمندان علوم اجتماعی و هواداران جنبشهای هزارهای، که برای عموم مردم، حاوی معانی و اشارات ضدّ و نقیض بود. بسیاری گمان میکنند پایان هزاره باید آستان تحولی جدید باشد. حال آنکه لزوماً اینگونه نیست: پایان هزاره نخست، بی هیچ حادثه‌ای سپری شد. با این همه، پایان هزاره دوم، واقعاً دوران تحول است. بدون تردید ما امروز در انقلابی‌ترین دوره تاریخ به سر می‌بریم و تغییر و تحول دائمی، به واقعیت انکارناپذیر و اساسی حیات اجتماعی بدل شده است.

عملاً در تمامی طول تاریخ بشر، آهنگ تغییر اجتماعی نسبتاً کند بوده است و اکثر مردم، کم‌وبیش، همان شیوه‌های زندگی پدرانشان را دنبال میکرده‌اند، حال آنکه امروزه برعکس، ما در جهانی متحول و دستخوش دگرگونی چشمگیر و دائمی زندگی می‌کنیم. به قسمی که شگفت‌انگیزترین رویداد دنیای معاصر را می‌توان سرعت بی‌سابقه تغییرات اجتماعی دانست. روند تغییرات اجتماعی چنان سرعت و عمقی یافته که پابرجاترین عصر حیات بشر، یعنی فرهنگ را نیز در نوردیده و ما را در میانه یک دگرگونی جدی فرهنگی قرار داده است. تحولی که پارلو آن را جدیدترین تحول فرهنگی از کشف آتش تاکنون می‌داند. آنچه زمینه چنین تغییر و تحولات ژرف و شگرفی را پدید آورده و این برهه از تاریخ را واجد برجستگی و اهمیت فوق‌العاده‌ای ساخته، دستاوردهای تکنولوژیک جدید و متأخر بشری است:

دستاوردهایی که به عنوان تکنولوژی‌های نوین ارتباطی - اطلاعاتی شناخته می‌شود. از این رو، برخی خبر از استیلای یک پارادایم تکنولوژیک جدید می‌دهند که بر محور تکنولوژیهای اطلاعاتی سازمان یافته است. حتی اگر بپذیریم که دگرگونی در تکنولوژیهای ارتباطی موجب دگرگونی فرهنگی شده است باید به تأسی ملک لوعان اذعان داریم تکنولوژیهای جدید ارتباطی که تناسبی با فرهنگ پیشین ندارند. فقدان تجانس نسبتاً بادوام می‌آفرینند. این فقدان تجانس یا تأخر فرهنگی موجب پیدایی بحرانی فرهنگی میشود که همراه با دگرگونیهای اجتماعی بروز و ظهور پیدا می‌کند.

بدین ترتیب، انقلاب ارتباطی - اطلاعاتی سده بیست و یکم با بهره‌گیری از تکنولوژیهای نوین ارتباطی و اطلاعاتی و با فراهم آوردن امکان پیدایی «جامعه شبکه‌ای» که افراد و جوامع را در قالب‌های تازه، هویت‌های تازه بخشیده، نه تنها قواعد و قوانین حاکم بر ارتباط میان انسانها، بلکه ایستار ما را نسبت به خود، دیگران و جهان تغییر داده است. به عبارت دیگر، با در هم شکستن مرزهای مرسوم گروهی و متعاقب آن، تغییر در برجستگی نسبی نیاز به نشانه و تمایز بر روشنی و اهمیت مرزبندی‌های گروهی و در نتیجه معنای هویت اجتماعی تأثیر گذاشته است.

۳- موضوع اصلی متن فوق، کدام است؟ (قوه قضاییه ۶۹)

۱) تحولات اجتماعی و فرهنگی قرن بیستم

۲) تکنولوژیهای نوین ارتباطی - اطلاعاتی

۳) پیامدهای تحولات اجتماعی و تکنولوژیک

۴) معانی ضدّ و نقیض تحول در عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی

❖ پاسخ: گزینه ۱ صحیح می‌باشد.

۴- بر اساس متن، کدام مورد درباره رابطه بین دگرگونیهای اجتماعی و فرهنگی، صحیح است؟ (قوه قضاییه ۹۶)

۱) دگرگونی فرهنگی در عصر حاضر، معلول سرعت گرفتن آهنگ تغییرات اجتماعی است.

۲) انقلاب تکنولوژیک از استحکام این رابطه تا حدّ قابل توجهی کاسته است.

۳) شواهدی دال بر وجود رابطه علت و معلولی بین آنها وجود ندارد.

۴) در طول تاریخ، تغییرات اجتماعی همواره عامل بروز تغییرات فرهنگی ملموس بوده‌اند.
❖ پاسخ: گزینه ۱ صحیح می‌باشد.

۵- بر اساس متن، کدام مورد در خصوص سرعت تغییرات اجتماعی، صحیح است؟ (قوه قضاییه ۶۹)

۱) آثار منفی در شیوه‌های زندگی انسانها برجا گذاشته است

۲) تابعی از پیشرفتهای تکنولوژیک عصر حاضر است.

۳) از نظر بارلو، غیر قابل کنترل و آسیبزا است.

۴) از کشف آتش تاکنون، به طرز چشمگیری افزایش یافته است.

❖ پاسخ: گزینه ۱ صحیح می‌باشد.

۶- هدف نویسنده از اشاره کردن به ملکلوهان در پاراگراف دوم، کدام است؟ (قوه قضاییه ۶۹)

۱) مشروط نمودن نظر او درباره یک مقوله فرهنگ (۲) ارائه تعریف پدیده فقدان تجانس فرهنگی

۳) استفاده از دیدگاه او در بیان نظر خویش (۴) معرفی او به عنوان یکی از صاحبانظران حوزه فرهنگ

❖ پاسخ: گزینه ۲ صحیح می‌باشد.

۷- اگر پرینتر A نسبت به پرینتر B، ۲۵ درصد سریعتر باشد و پرینتر A در هر دقیقه ۲۰ برگ پرینت بگیرد.

پرینتر B ۴۰۰ برگ را در چند دقیقه پرینت می‌گیرد؟ (دستگاه‌های اجرایی - فراگیر دوم سال) ۹۴

۱ (۱۶) ۲ (۲۰) ۳ (۲۵) ۴ (۱۵)

❖ پاسخ: گزینه ۳ صحیح است.

❖ چون پرینتر A نسبت به B، ۲۵ درصد سریعتر می‌باشد. و پرینتر A در هر دقیقه ۲۰ برگ پرینت می‌کند. پس پرینتر

B در یک دقیقه ۱۶ برگ یعنی ۲۵ درصد کمتر از A پرینت می‌کند پس ۴۰۰ را اگر تقسیم بر ۱۶ بکنیم پاسخ ۲۵ دقیقه می‌شود.

۸- ۷۲۰ لیتر آب طوری در چهار ظرف می‌ریزیم که هر ظرف، ۳ برابر ظرف قبلی‌اش آب داشته باشد، بعد از

تقسیم آب، از ظرفی که بیشترین آب را دارد، چند لیتر آب باید درون ظرفی که کمترین آب را دارد، بریزیم تا

این دو ظرف، به یک مقدار آب داشته باشند؟ (دستگاه‌های اجرایی - فراگیر اول سال ۴۹)

۱) ۲۵۲ (۲) ۲۴۳ (۳) ۲۳۴ (۴) ۳۲۴

❖ پاسخ: گزینه ۳ صحیح می‌باشد.

$$1x+3x+9x+27x = 720$$

$$40x = 720$$

$$x = 18$$

$$27x - 1x = 26x$$

$$26x/2 = 13x = 234$$

۸- در یک ایستگاه مترو، ۲ برابر مسافرانی که از قطار پیاده می‌شوند، مسافر جدید سوار قطار می‌شود که این امر،

باعث افزایش ۶۰ درصدی تعداد مسافران اولیه قطار می‌شود. بعد از حرکت قطار چند درصد از مسافران در این

ایستگاه سوار نشده‌اند؟ (یا به عبارتی مسافران قبلی هستند؟) (دستگاه‌های اجرایی - فراگیر اول سال ۴۹)

۱) ۲۰ (۲) ۲۵ (۳) ۳۰ (۴) ۴۰

❖ پاسخ: گزینه ۴ صحیح می‌باشد.

❖ اگر X تعداد اولیه مسافران و Y تعداد مسافران پیاده شده در نظر بگیریم داریم

$$\begin{aligned} X - \\ Y + 2Y = X + (0.6X) \\ = 0.6X \end{aligned}$$

درصد مسافران اولیه برابر است با $100 - 60 = 40$

۹- در جدول زیر به جای علامت سوال کدام گزینه را می‌توان قرار داد؟ (آموزش و پرورش سال ۹۴)

۱	۳۱	۲
۲	۵۲	۳
۳	۶۳	؟

۱ (۴)

۴ (۳)

۲ (۲)

۳ (۱)

❖ پاسخ: گزینه ۱ صحیح می‌باشد.

❖ اگر در ستون دوم عدد اول را منهای دوم کنیم اعداد ستون سوم به دست می‌آید. مثلاً ۳

منهای ۱ می‌شود ۲ یعنی عدد ردیف اول در ستون سوم و به همین ترتیب ادامه می‌دهیم.

راهنمایی: متن زیر را به دقت بخوانید و صحیح‌ترین پاسخ را برای سوالات انتخاب کنید

شخصی‌سازی محیط یادگیری در یادگیری الکترونیکی امری بسیار حیاتی تلقی می‌شود. به بیان دیگر، بدون رویکردهای تطبیق‌پذیری، یادگیری مؤثر اتفاق نمی‌افتد. به دلیل نبود شخصی‌سازی مناسب در نظام‌های آموزش الکترونیکی، این نظام‌ها نتوانسته‌اند به نحوی شایسته پاسخگوی روند رو به رشد تقاضا همراه با موفقیت و رضایت تحصیلی باشند. [1]

محیط‌های یادگیری هوشمند محیطی را فراهم می‌کند که به کمک آن می‌توان کاربران را هنگام کار با رایانه پایش کرد و به آنها در انجام وظایف و تکالیف‌شان یاری رساند. ضمن اینکه این محیط با ایجاد بازخوردی مناسب، به یاددهنده کمک می‌کند تا راهنمایی مناسب‌تری را به یادگیرنده ارائه کند به طوری که با صرف کمترین زمان بیشترین کارایی را داشته باشند. از دیگر ویژگی‌های محیط یادگیری شخصی شده تسهیل در دسترسی به منابع شخصی شده و بکارگیری سیستم‌های توصیه‌گر در ارائه توصیه‌های مناسب است. بنابراین وجود بازخورد از طرف یادگیرنده و پیشنهاد یک سیستم توصیه‌گر مبتنی بر ویژگی‌های یادگیرنده و دانش یاددهنده، راهگشاست.

[۲] به کارگیری سیستم‌های توصیه‌گر در تجارت الکترونیکی بسیار گسترده است ولی کاربرد آن در آموزش الکترونیکی سابقه چندانی ندارد. تمرکز سیستم‌های توصیه‌گر در محیط آموزش الکترونیکی، به ارائه محتوای درسی شخصی شده بر اساس اولویت‌های کاربر خلاصه می‌شود.

[۳] به واقع، اگر توصیه‌ای ارائه شود که یادگیرنده آن را دریافت کرده باشد و یا به آن نیازی نداشته باشد به کاهش نگرش مثبت وی به توصیه‌ها و بی‌توجهی به آنها می‌انجامد. به همین دلیل لازم است سامانه‌های توصیه‌گر در ارائه توصیه به یادگیرندگان از دقت بالایی برخوردار باشند که بکارگیری منطق فازی در کاهش عدم قطعیت و ارائه توصیه‌هایی مبتنی بر مدل یادگیرنده قابل اعتماد، راهگشاست.

از طرف دیگر، تحقیقات نشان می‌دهد که یادگیرندگان ضعیف، بیشترین منفعت را از سیستم‌های تطبیقی می‌برند.

[4] برای نیل به این هدف باید مدلی از دانش یادگیرنده، به همراه اهداف و اولویت‌های یادگیری و توصیه‌هایی مبتنی بر دانش پیشین، فرایند او اهداف یادگیری طراحی شود تا بتواند ضامن موفقیت تحصیلی باشد. همچنین در نظر گرفتن توانایی یادگیرنده و تطبیق محتوا و آزمون‌ها با توانایی وی، عملکرد و کیفیت یادگیری یادگیرنده را افزایش خواهد داد. لازمه تحقق این امر، شناخت کامل و جامعی از یادگیرنده است. نظریات مختلفی در این مسیر راه گشاست که مهمترین آنها، نظریات سبک یادگیری و سبک شناختی برای تفسیر تفاوت‌های فردی افراد و خلق مدل یادگیرنده شخصی شده و نیز نظریه پرسش و پاسخ برای تطبیق آزمون‌ها و درس پاره‌ها با توانمندی یادگیرنده است.

۱۰- موضوع اصلی متن کدام است؟ (آموزش و پرورش سال ۹۵)

(۱) یک ضرورت اصلی در یادگیری الکترونیکی

(۲) ویژگی‌های مشترک نظام‌های آموزش الکترونیکی

(۳) یکی از نظریات موثر درباره افزایش کارایی محیط‌های یادگیری هوشمند

(۴) چگونگی بهره‌مندی گروه‌های مختلف یادگیرندگان از محیط‌های یادگیری هوشمند

❖ پاسخ: گزینه ۱ صحیح می‌باشد.

❖ از مجموع ۳ پارگراف اول اینطور استنباط می‌شود که نویسنده در مورد ضرورت اصلی در یادگیری الکترونیکی صحبت می‌کند و بطورکل راه‌کارهایی برای محیط‌های یادگیری ارائه می‌دهد تا کاربرد آن برای کمک بیشتر به یادگیرندگان افزایش یابد.

۱۱- براساس متن، کدام مورد از ویژگی‌های محیط‌های یادگیری هوشمند است؟ (آموزش و پرورش سال ۹۵)

(۱) یک سویه‌بودن رابطه یادگیرنده و سیستم توصیه‌گر

(۲) تعامل میان یادگیرندگان درحین انجام تکالیف

(۳) سرعت بیشتر و هزینه کمتر فرآیند یادگیری

(۴) عملی بودن ارزیابی عملکرد کاربر

❖ پاسخ: گزینه ۴ صحیح می‌باشد.

❖ در پاراگراف آخر نویسنده توضیحاتی در مورد روشی ارائه داده که با استفاده از آن می‌توان عملکرد کاربر را ارزیابی کرد و متناسب با عملکرد کاربر آموزش داد و به نوعی عملی بودن ارزیابی عملکرد کاربر به ما می‌دهد.

۱۲- جمله زیر در کدامیک از بخشهای متن که با شماره مشخص شده قرار می‌گیرد؟ (آموزش و پرورش سال ۹۵)

"کیفیت توصیه‌ها در محیط آموزش الکترونیکی، بسیار حائز اهمیت است"

(۴) [4]

(۳) [3]

(۲) [2]

(۱) [1]

❖ پاسخ: گزینه ۳ صحیح می‌باشد.

❖ اگر بخواهیم برای پارگراف سوم تیتیری را در نظر بگیریم همین جمله‌ی "کیفیت توصیه‌ها در محیط آموزش الکترونیکی، بسیار حائز اهمیت است" می‌باشد، چرا که در این پاراگراف نویسنده در مورد اهمیت کیفیت توصیه‌ها در محیط آموزش الکترونیکی، صحبت می‌کند.

۱۳- هدف نویسنده از اشاره به منطق فازی و مدل یادگیرنده‌ی قابل اعتماد، در پاراگراف سوم، کدام است؟

(آموزش و پرورش سال ۹۵)

۵۷- در کف یک مخزن پر از آب دو شیر تخلیه قرار دارد، اگر فقط شیر تخلیه اول به مدت ۲۰ دقیقه باز باشد، یک چهارم آب مخزن خارج می‌شود و اگر شیر تخلیه دوم به تنهایی به مدت یک ساعت باز باشد، نصف آب مخزن تخلیه می‌شود، اگر هر دو شیر همزمان باز بمانند، چند دقیقه طول می‌کشد تا مخزن کاملاً تخلیه شود؟ (وزارت نیرو سال ۹۶)

- ۱ (۴۸) ۲ (۴۰) ۳ (۳۶) ۴ (۳۵)

❖ پاسخ: گزینه ۱ صحیح می‌باشد.

❖ طبق صورت مسئله ۲۵ درصد مخزن توسط شیر اول در ۲۰ دقیقه خالی می‌شود و ۵۰ درصد آب مخزن در ۶۰ دقیقه توسط شیر دوم خالی می‌شود با یک تناسب ساده مشخص می‌شود که عدد ۸۴ می‌باشد. حتی بدون فرمول‌های ریاضی نیز اگر تا دقیقه ۴۰ حساب کنید متوجه می‌شود که کل آب مخزن خالی نمی‌شود پس عدد بایستی بالاتر از ۴۰ باشد که در گزینه‌ها فقط ۴۸ وجود دارد.

۵۸- بین اعداد زیر ارتباط خاصی برقرار است. به جای علامت سوال کدام عدد باید قرار بگیرد تا این ارتباط همچنان حفظ شود؟ (دستگاه‌های اجرایی - فراگیر سوم سال ۹۵)

213 372 333 324 345 693 ؟

- ۸۷۳(۴) ۷۸۳(۳) ۷۵۳ (۲) ۹۴۳ (۱)

❖ پاسخ: گزینه ۴ صحیح می‌باشد.

الگوی این سوال به این صورت است:

$$\begin{array}{r} 2 \times 3 = 6 \\ 213 \\ + 6 \\ \hline 273 \end{array}$$

$$\begin{array}{r} 2 \times 3 = 6 \\ 273 \\ + 6 \\ \hline 333 \end{array}$$

$$\begin{array}{r} 3 \times 3 = 9 \\ 333 \\ + 9 \\ \hline 423 \end{array}$$

و در نهایت خواهیم داشت:

$$\begin{array}{r} 6 \times 3 = 18 \\ 693 \\ + 18 \\ \hline 873 \end{array}$$

۵۹- مغازه داری ۲۶ کیلو چای ۲۰ هزار تومانی را با ۳۰ کیلو چای ۳۶ هزار تومانی مخلوط کرده و هرکیلو را ۳۰ هزار تومان می‌فروشد. وی از فروش هر کیلو چای چند درصد سود می‌کند؟ (دستگاه‌های اجرایی - فراگیر سوم سال ۹۵)

- ۱) ۷/۵ درصد ۲) ۳ درصد ۳) ۵ درصد ۴) ۶ درصد

❖ پاسخ: گزینه ۳ صحیح می‌باشد.

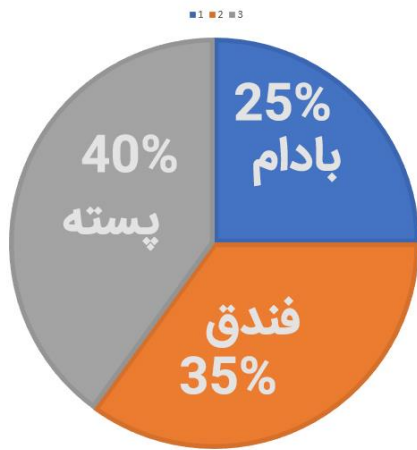
$$\frac{26(20000) + 30(36000)}{56} = 28571 \text{ قیمت واقعی هر کیلو}$$

$$\frac{30000 - 28571}{28571} \sim 5\% \text{ درصد سود}$$

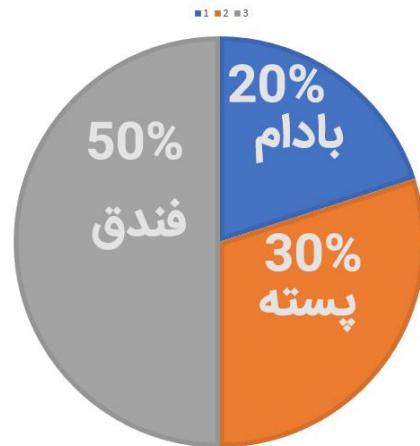
راهنمایی: با توجه به اطلاعات و نمودارهای زیر، به سوالات زیر پاسخ دهید.

یک شرکت سه نوع محصول پسته، فندق و بادام در دو کیفیت درجه ۱ و درجه ۲ صادر می‌کند. نسبت محصولات درجه ۱ و درجه ۲ به ترتیب ۸ به ۷ است.

میزان صادرات هر محصول به درصد



درصد محصولات درجه ۲ صادراتی به تفکیک نسبت به کل



۶۰- بیشترین محصول صادر شده کدام است؟ (دستگاه‌های اجرایی - فراگیر سوم سال ۹۵)

(۱) پسته درجه یک (۲) فندق درجه دو (۳) فندق درجه یک (۴) پسته درجه ۲

❖ پاسخ: گزینه ۱ صحیح می‌باشد.

فرض می‌کنیم ۳۰۰۰ کیلو در کل صادر شده باشد.

x_1 بادام درجه ۱ =	x_2 بادام درجه ۲ =	y_1 فندق درجه ۱ =	y_2 فندق درجه ۲ =	z_1 پسته درجه ۱ =	z_2 پسته درجه ۲ =
----------------------	----------------------	---------------------	---------------------	---------------------	---------------------

$$\frac{x_1 + y_1 + z_1}{x_2 + y_2 + z_2} = \frac{8}{7}$$

$$\frac{30000 - (x_2 + y_2 + z_2)}{x_2 + y_2 + z_2} = \frac{8}{7}$$

$$\frac{30000}{x_2 + y_2 + z_2} - 1 = \frac{8}{7}$$

$$\frac{30000}{x_2 + y_2 + z_2} = \frac{15}{7} \rightarrow x_2 + y_2 + z_2 = 14000$$

$$\frac{x_2}{x_2 + y_2 + z_2} = 0/2 \rightarrow x_2 = 2800$$

$$x_1 + x_2 = 7500 \rightarrow x_1 = 4700$$

$$\frac{y_2}{x_2 + y_2 + z_2} = 0/5 \rightarrow y_2 = 7000$$

$$y_1 + y_2 = 10500 \rightarrow y_1 = 3500$$

$$\frac{z_2}{x_2 + y_2 + z_2} = 0/3 \rightarrow z_2 = 4200$$

$$z_1 + z_2 = 12000 \rightarrow z_1 = 7800$$

راش	بلوط	کاج	
۴۰ متر	۱۰ متر	۵۰ متر	انبار A شامل ۱۰۰ متر می باشد.
۱۲۰ متر	۴۰ متر	۴۰ متر	انبار B شامل ۲۰۰ متر می باشد.
۴ متر	۵ متر	۱ متر	برای ساخت میز ۱۰ متر چوب نیاز داریم

۵۰ متر چوب بلوط داریم پس حداکثر ۱۰ میز می توان ساخت.

۶۶- اگر در ساخت یک میز فقط از چوب های موجود در انبار A استفاده شود و چوب های مورد نیاز برای تولید این محصول، به نسبت موجود در انبار به کارخانه ارسال شود، چوب راش استفاده شده در تولید این محصول چند درصد از چوب ارسالی از انبار A است؟ (وزارت نیرو سال ۹۶)

۴۰ (۱) ۲۴ (۲) ۱۶ (۳) ۸ (۴)

❖ پاسخ: گزینه ۱ صحیح می باشد.

❖ با توجه به اینکه برای ساخت میز ۱۰ متر چوب نیاز داریم و ۴ متر راش می باشد. پس پاسخ ۴۰ درصد میشود.

۶۷- با وجود این که افراد زیادی معایب خط فارسی را برشمرده و درصدد اصلاح خط برآمده اند اما برخی دیگر وجود چنین مشکلاتی را خاص خط فارسی ندانسته و آن را ویژگی مشترک تمام نظام های نوشتاری عنوان کرده اند به اعتقاد خانلری "هیچ خط و نظام نوشتاری در دنیا وجود ندارد که صورت های گفتاری را به صورت کامل ثبت کند به نحوی که خواننده از روی علامتهای خط به صورت درست به ملفوظ واژه دست یابد زیرا در این صورت علامتهای خط به اندازه های فراوان می شد که آموختن و به کار بردن خط را دشوار می ساخت" کدام مورد را می توان به درستی از نقل قولی که از خانلری آمده است نتیجه گرفت؟ (دستگاه های اجرایی - فراگیر اول سال ۹۴)

۱) عدم تطابق خط با صورت های گفتاری عیب محسوب نمی شود چون این امر در زبانهای دیگر به شکلی مشخص تر وجود دارد

۲) آنچه برخی به عنوان ایرادی بر خط فارسی عنوان می کنند به واقع سازشی کاربردی است که به لحاظی، مثبت نیز است

۳) هر تلاشی در ایجاد تطبیق میان صورت های گفتاری و نظام نوشتاری باعث دشواری در ایجاد ارتباط گفتاری می شود

۴) نظام نوشتاری هرگز نمی تواند صورت گفتاری را به طور کامل منعکس سازد

❖ پاسخ: گزینه ۲ صحیح می باشد.

۶۸- در این دنیای انسانی ما نمی توانیم چرخ زایش و میرش را از حرکت باز داریم ولی در سطح دیگری اختیار همه چیز در دست ما است اگر واقعا روی عمیق ترین آرزوهایمان تعمق کنیم.... کدام مورد به بهترین

وجه جای خالی در مطلب فوق را کامل می کند؟ (دستگاه های اجرایی - فراگیر اول سال ۹۴)

۱) آنگاه تحمل آنچه هست، آسان می شود

۲) آنها چاره ای جز به واقعیت پیوستن ندارند

۳) همین نیز برای معنی بخشیدن به زندگی کافی است

۴) فراموشی این که روزی ما نیز خواهیم رفت پذیرفتنی تر می شود

❖ پاسخ: گزینه ۳ صحیح می باشد

۶۹- سعید بلندتر از مسعود و کوتاه‌تر از حمید است. حامد کوتاه‌تر از سعید اما بلندتر از مسعود است. قد کدام یک از همه بلندتر است؟ (آموزش و پرورش سال ۹۴)

(۱) حمید (۲) سعید (۳) حامد (۴) مسعود

❖ پاسخ: گزینه ۱ صحیح می‌باشد.

❖ ترتیب قرارگیری بر اساس قد: حمید- سعید- حامد- مسعود

❖ حامد از سعید کوتاه‌تر و بلندتر از مسعود است در نتیجه بین این دو قرار می‌گیرید.

۷۰- دو نوع چای به قیمت هر کیلوگرم ۵۱ و ۲۰ هزار تومان را به ترتیب به چه نسبت‌هایی مخلوط کنیم تا جای با قیمت ۱۶/۵۰۰ تومان برای هر کیلوگرم حاصل شود؟ (دستگاه‌های اجرایی - فراگیر دوم سال ۹۴)

(۱) ۳ به ۱ (۲) ۵ به ۱ (۳) ۵ به ۳ (۴) ۷ به ۳

❖ پاسخ: گزینه ۴ صحیح می‌باشد.

❖ اگر چای ۱۵ هزار تومانی را A بنامیم و چای ۲۰ هزار تومانی را B بنامیم. قیمت هر گرم چای A برابر ۱۵ تومان و هر گرم چای B برابر ۲۰ تومان می‌شود.

A	چای ۱۵ هزار تومان	قیمت هر گرم ۱۵ تومان
B	چای ۲۰ هزار تومانی	قیمت هر گرم ۲۰ تومان

نسبت ۷ به ۳ یعنی گزینه ۴ را اگر در نظر بگیریم طبق روال زیر داریم

۱- ۷ گرم چای A و ۳ گرم چای B

۲- جمع ۷ و ۳ گرم می‌شود ۱۰ گرم که اگر ۱۰۰۰ گرم را تقسیم بر ۱۰ عدد حاصل ۱۰۰ می‌شود

۳- پس ۱۰۰ را اگر در ۷ و ۳ ضرب کنیم داریم ۷۰۰ گرم چای A و ۳۰۰ گرم چای B

۴- قیمت ۷۰۰ گرم چای A گرمی ۱۵ تومان می‌شود ۱۰۵۰۰ تومان و قیمت ۳۰۰ گرم چای B گرمی ۲۰ تومان می‌شود ۶۰۰۰ تومان

۵- اگر عدد ۱۰۵۰۰ را با ۶۰۰۰ جمع کنیم به ۱۶۵۰۰ یعنی گزینه ۴ می‌رسیم.

همین روند را برای گزینه ۱ و ۲ انجام دهیم به اعدادی غیر از ۱۶۵۰۰ خواهیم رسید.

۷۱- در دنباله حروف زیر مجهول چه حرفی است؟ (آموزش و پرورش سال ۹۴)

(ژ، ص، ر، ط، د، ع، ؟)

(۱) ج (۲) چ (۳) ح (۴) خ

پاسخ: گزینه ۳ صحیح می‌باشد.

❖ دنباله را به این شکل در نظر بگیرید (۴،۳،۲،۱،۷،۶،۵) در شماره‌های فرد "ژ" ۲ حرف از حروف الفبا به عقب رفته و نوشته

(۲ حرف ما قبل "ژ" حرف "ر" است) و در شماره‌های زوج "ص" دو حرف به جلو رفته و نوشته است (دو حرف بعد "ص"

حرف "ط" است) علامت سوال شماره فرد بوده و اگر از "د" دو حرف الفبا به عقب برویم به حرف "ح" می‌رسیم.

۷۲- محل اولیه عقربه‌های ساعت شمار و دقیقه شمار یک ساعت عقربه‌ای به گونه‌ای است که ساعت ۴ بعد از ظهر را نشان می‌دهد، زمانی که عقربه‌های دقیقه شمار برای اولین بار به محل عقربه ساعت شمار می‌رسد، زاویه بین

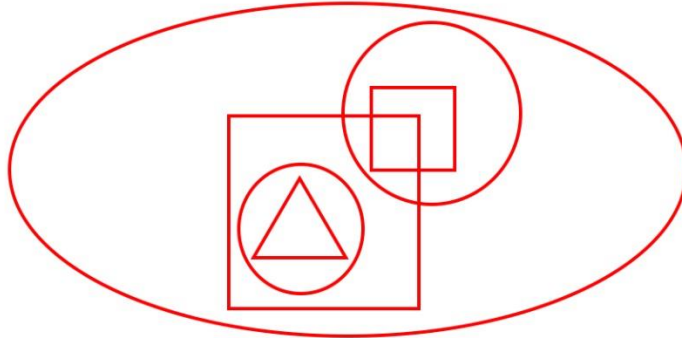
آنها چند درجه خواهد بود؟ (آموزش و پرورش سال ۹۵)

(۱) ۵ (۲) ۱۰ (۳) ۱۱ (۴) ۱۲

❖ پاسخ: گزینه ۲ صحیح می‌باشد.

راهنمایی: با توجه به اطلاعات و شکل زیر به سوالهای زیر پاسخ دهید.

الگوی زیر، شش شکل هندسی شامل دو مربع (یکی کوچک و دیگری بزرگ) دو دایره (یکی کوچک و دیگری بزرگ) یک بیضی و یک مثلث را نشان می‌دهد که قرار است با توجه به محدودیتهای زیر، آنها را به اسامی A, B, C, D, E, F نامگذاری کنیم.



مربعی است که درون E قرار دارد.

A که دایره نیست، درون F که بیضی نیست قرار دارد.

A و C نه همدیگر را قطع می‌کنند و نه هیچ یک درون دیگری قرار دارد.

با توجه به مفروضات مسئله موارد زیر را داریم:

۱- اگر مربع کوچک D باشد پس دایره بزرگ E است.

۲- اگر مربع بزرگ D باشد پس بیضی E است.

۳- A اگر دایره نباشد پس مربع یا مثلث باشد که موارد زیر را داریم

❖ اگر A مربع کوچک باشد پس F دایره کوچک است.

❖ اگر A مثلث باشد پس F دایره بزرگ است

❖ A نمی‌تواند مربع بزرگ باشد چون مربع بزرگ داخل بیضی می‌باشد.

۴- A و C فقط می‌تواند حالت‌های زیر باشد:

❖ مثلث و مربع کوچک

❖ مثلث و دایره کوچک

❖ دایره کوچک و مربع کوچک

❖ دایره کوچک و دایره بزرگ

۷۶- اگر نام مثلث B باشد، F نام کدام یک از اشکال هندسی است؟ (وزارت نیرو سال ۹۶)

(۱) دایره بزرگ (۲) مربع بزرگ (۳) مربع کوچک (۴) دایره کوچک

❖ پاسخ: گزینه ۴ صحیح می‌باشد.

❖ اگر مثلث B باشد طبق مفروضات مسئله A مربع کوچک است و F دایره کوچک

۷۷- اگر D درون یکی از دایره‌ها باشد، نام دایره کوچک کدام است؟ (وزارت نیرو سال ۹۶)

(۱) نمی‌توان تعیین کرد (۲) B (۳) C (۴) F

❖ پاسخ: گزینه ۱ صحیح می‌باشد.

❖ پس از مطالعه متن به راحتی می‌توان به سوالات گزینه‌های ۱ و ۲ و ۴ پاسخ داد در حالیکه نقش روابط منطقی ساده در نظریه بازی‌ها مشخص نشده است.

۹۳- نویسنده از کدام یکی از تکنیک‌های زیر، برای توضیح ایده اصلی متن استفاده نکرده است؟
(دستیاران ستادی سال ۹۴)

- (۱) توصیف مراحل یک فرایند به ترتیب
(۲) توصیف عملکرد
(۳) ارائه تعریف
(۴) ارائه تاریخچه

❖ پاسخ: گزینه ۱ صحیح می‌باشد.

❖ توصیف عملکرد، ارائه تعریف و ارائه تاریخچه همگی در متن آمده است اما توصیف مراحل یک فرایند در متن مشاهده نمی‌شود.

۹۴- فردی با ۱۰۰ هزار تومان وارد مغازه ای می‌شود که تنها اجناس ۶ و ۸ هزار تومانی می‌فروشد. وی حداکثر چند جنس می‌تواند از این مغازه خریداری کند. به شرطی که هیچ پول اضافه نیاورد؟ (دستیاران ستادی سال ۹۴)

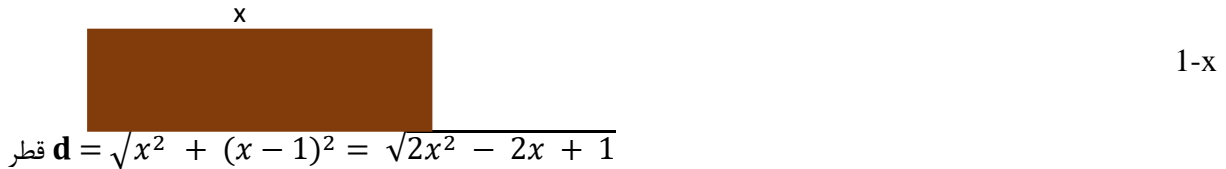
- (۱) ۱۴ (۲) ۱۳ (۳) ۱۶ (۴) ۱۵

❖ پاسخ: گزینه ۳ صحیح می‌باشد.

۹۵- دو سر طنابی به طول ۲ متر را به هم گره زده و با آن مستطیلی می‌سازیم. اگر با همان طناب مستطیل دیگری بسازیم که قطر آن ۱۰ درصد افزایش و مساحت آن ۵۲ درصد کاهش یافته باشد، مساحت مستطیل اولیه چند متر مربع است؟ (فراگیر چهارم و آموزش و پرورش سال ۹۶)

- (۱) $\frac{21}{92}$ (۲) $\frac{21}{46}$ (۳) $\frac{1}{7}$ (۴) $\frac{21}{23}$

❖ پاسخ: گزینه ۱ صحیح است.



مساحت $S = x(1-x)$

$$\sqrt{2t^2 - 2t + 1} = \frac{11}{10} \sqrt{2x^2 - 2x + 1} = d \text{ قطر جدید}$$



$$S' = \frac{3}{4}S = \frac{3}{4}x(x-1) = t(1-t)$$

با به توان رساندن رابطه بین قطرها داریم:

$$121(2x^2 - 2x + 1) = 100(2t^2 - 2t + 1)$$

اصل سوالات طبقه عمومی

استخدامی آموزشی و پرورشی

(دبیری و هنرآموز)

مرداد ۱۴۰۲

← معارف و اندیشه اسلامی انقلابی

۱- پیامبر اسلام (ص) با چه هدفی از مکه به سوی مدینه حرکت کرد؟

- (الف) ایمان و اقامه نماز
(ب) اقامه نماز و ساختن مسجد
(ج) بعثت و تایید پیامبران گذشته
(د) تشکیل جامعه اسلامی

پاسخ درست: گزینه د

۲- در منطق، قرآن چه زمانی رحمت الهی شامل انسان می‌شود؟

- (الف) نافرمانی کند
(ب) به وظیفه و تعهدش عمل کند.
(ج) درخواست توبه کند
(د) شیطان او را فریب دهد

پاسخ درست: گزینه ب

۳- مطابق برخی از آیات قرآن کریم پهنا و گستردگی بهشت چقدر است؟

- (الف) به اندازه آسمان و زمین
(ب) قابل مقایسه نیست
(ج) به اندازه آسمان
(د) به اندازه کل زمین

پاسخ درست: گزینه الف

۴- دو بال نیرومند برای پرواز انسان در تلاش‌های زندگی کدام است؟

- (الف) توکل و صلوة
(ب) انفاق و صلوة
(ج) همت و مقاومت
(د) صبر و توکل

پاسخ درست: گزینه د

۵- روی کرد اصلی کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن احیای کدام یک از مفاهیم زیر است؟

- (الف) تعلیم و تزکیه
(ب) مسئولیت پذیری و حرکت اجتماعی جامعه اسلامی
(ج) ایمان و مشارکت جویی
(د) ایمان و عمل اسلامی

پاسخ درست: گزینه د

۶- از دیدگاه قرآن کریم کدام عرصه میدان مسابقه و پیشی‌گیری است؟

- (الف) دنیا و آخرت
(ب) دنیا
(ج) غفران الهی
(د) آخرت

پاسخ درست: گزینه ج

۷- سه مسئله اساسی و مهم در خصوص ایمان که قیمت ایمان و کیفیت آن را مشخص می‌کنند، کدامند؟

- (الف) آگاهانه، متعهدانه و همگانی بودن ایمان
(ب) هوشیارانه، فرصت طلبانه و همگانی بودن ایمان
(د) هوشیارانه، متعهدانه و همه‌جایی بودن ایمان
(ج) آگاهانه، با بصیرت بودن و همه جایی بودن ایمان

پاسخ درست: گزینه الف

۸- در آیه شریفه «الله ولی الذین آمنو یخرجهم من الظلمات الی النور» کدام یک از معانی ولایت ترجیح ندارد؟

- (الف) هم سطحی
(ب) پیوستگی
(ج) سرپرستی
(د) هم‌جبهه ای

پاسخ درست: گزینه ب

۹- مفهوم اطمینان در قرآن کدام است؟

- الف) آسایش و عدم اضطراب
ب) آسایش و عدم تشویش
ج) آرامش و عدم برنامه‌ریزی
د) آرامش و عدم اضطراب

پاسخ درست: گزینه د

۱۰- کدام تفسیر جهاد صحیح نیست؟

- الف) مبارزه به معنای جهاد مسلحانه در مقابل قدرت‌های ضد تکامل انسانی
ب) هر تلاشی جهاد است
ج) تلاش و کوشش در راه پیش‌برد هدف همراه با مبارزه
د) تلاش و کوشش در راه هدف همراه با درگیری دشمن

پاسخ درست: گزینه ب

۱۱- کدام یک از موارد زیر را در زندگی امامان مشاهده نمی‌کنیم؟

- الف) دنباله‌رو قدرت‌ها و اوضاع و شرایط زمان نبوده‌اند
ب) زندگی آن‌ها پر از تلاش بوده است
ج) برخی از امامان خانه‌نشین شدند
د) زندگی آن‌ها سرتاسر پیکار و مبارزه بوده است

پاسخ درست: گزینه ج

۱۲- یکی از وظایف مهم جامعه تشیع، کدام است؟

- الف) شادی آفرینی
ب) امید آفرینی
ج) مؤمن آفرینی
د) جامعه آفرینی

پاسخ درست: گزینه ج

۱۳- محتوای کتاب هم‌زمان امام حسین (ع) بر کدام محور تاکید دارد؟

- الف) شیعه از اسرار زندگی امامان اطلاعی ندارد
ب) شیعه تنها مکتبی است که کاملاً از شرایط و زندگی امامان خود مطلع است
ج) شیعه اطلاعات دقیقی از فعالیت‌های علمی و فرهنگی امامان خود دارد
د) شیعه اطلاعی از زندگی اجتماعی و سیاسی امامان خود ندارد

پاسخ درست: گزینه د

۱۴- در تشیع یکی از ادله اربعه برای استنباط فقه و احکام سنت است اسنت به کدام معناست؟

- الف) قول معصوم فعل معصوم و سکوت معصوم
ب) قول معصوم نص معصوم و تقریر معصوم
ج) تفسیر قرآن قول معصوم و سکوت معصوم
د) تفسیر قرآن، فعل معصوم و قول معصوم

پاسخ درست: گزینه الف

۱۵- چه زمانی رسالت پیامبران ناقص است؟

- الف) زمانی که اصول انقلاب، اصول اغناعی نباشد
ب) زمانی که بر مبنای اصول، جامعه را به شکل مطلوب نسازد

ج) زمانی که بر مبنای اصول، خودانقلابی ایجاد نکند
د) زمانی که اصول انقلاب خود را تبیین نکند

پاسخ درست: گزینه ج

۱۶- فلسفه تعبیر مؤلف کتاب هم‌زمان حسین از ائمه معصومین (ع) به انسان ۲۵۰ ساله کدام است؟
الف) مشابهت عملکرد خلفا و سلاطین زمان معصومین (ع)
ب) مشابهت دوران ائمه معصوم (ع)
ج) همه امامان معصوم و مظلوم بوده‌اند
د) وحدت شخصیت و وحدت خط فکری آنان

پاسخ درست: گزینه د

۱۷- در روایات برای سلاطین و خلفای جور چه تعبیری به کار رفته است؟
الف) فرعون هذه الامه (ع) تقیه می‌کردند
ب) نم‌رود هذه الامه (ع) احترام می‌کردند
ج) نم‌رود هذه الامه (ع) تقیه می‌کردند
د) احترام می‌کردند

پاسخ درست: گزینه الف

۱۸- هم‌زمان مذکور در عنوان کتاب هم‌زمان امام حسین (ع) چه کسانی هستند؟
الف) صحابه امام حسین (ع) در کربلا
ب) امامان معصوم (ع)
ج) ملت شریف ایران اسلامی
د) خانواده امام حسین (ع)

پاسخ درست: گزینه ب

۱۹- کدام مفهوم از آیه شریفه ما کان الله لتضیع ایمانکم «استفاده نمی‌شود؟
الف) با یک یا چند قدم محدود به مقصود نزدیک نمی‌شوید
ب) ایمان شما ضایع نمی‌شود
ج) عمل شما ثمر بخش خواهد بود
د) کارهایتان بی اثر و خنثی نیست

پاسخ درست: گزینه ج

۲۰- بزرگ‌ترین خاصیت نماز از دیدگاه قرآن کدام است؟
الف) خضوع و فروتنی
ب) توجه به مستضعفین و محرومان
ج) یاد خدا و همواره خدا را دیدن
د) نهی از فحشا و منکرات

پاسخ درست: گزینه ج

← تاریخ و فرهنگ تمدن اسلامی

۱- از دیدگاه مقام معظم رهبری مهمترین اقدام دشمن برای اثرگذاری بر افکار عمومی در داخل و خارج از کشور کدام است؟

- الف) وابستگی سایر کشورها به تکنولوژی غرب
ب) تصویرسازی غلط از وضع کشور
ج) ایجاد ضعف و حقارت در میان مردم
د) حرکت به سمت کشورهای غربی و غرب زدگی

پاسخ درست: گزینه ب

۲- استقلال در بعد سلبی به چه معناست و زمینه‌ساز تحقق کدام شعار آرمانی انقلاب اسلامی ایران خواهد بود؟

- الف) تفکر انقلابی - نه شرقی، نه غربی
ب) استعمارزدایی - مرگ بر آمریکا
ج) تفکر انقلابی - مرگ بر آمریکا
د) استعمار زدایی - نه شرقی، نه غربی

پاسخ درست: گزینه د

۳- در زمینه گسترش بهره‌مندی‌های عمومی، تعداد پزشکان به ازای هر ۱۰۰۰ نفر در طول سال‌های انقلاب اسلامی حدوداً چند برابر رشد داشته است؟

- الف) ۲۳
ب) ۲
ج) ۶
د) ۱۵

پاسخ درست: گزینه ج

کشور عزیز ما، طی ۴۰ سال انقلاب اسلامی در کدام مورد زیر رشد ۶۰ پله‌ای داشته است؟

- الف) شاخص توسعه انسانی
ب) بهره‌برداری از آب بهداشتی
ج) تعداد فارغ التحصیلان دانشگاه
د) دسترسی به برق

پاسخ درست: گزینه الف

۴- در دوران پهلوی و پس از روی کار آمدن نیکسون در آمریکا، سیاست منطقه‌ای آنان به کدام شکل بود؟

- الف) تکنسین ایرانی برای تعمیرات و نگهداری ادوات جنگی آموزش ببینند
ب) ایران از دستیابی به سلاح‌های پیشرفته و مؤثر محروم بماند
ج) ایران و عربستان حافظ منافع آمریکا در منطقه خلیج فارس باشند
د) هر سه مورد

پاسخ درست: گزینه ج

۶- جمهوری اسلامی ایران در مقالات علمی در کدام موضوعات به رتبه اول منطقه ارتقا پیدا کرد؟

- الف) انرژی هسته‌ای - پزشکی و داروسازی
ب) انرژی الکتریکی - انرژی‌های تجدیدپذیر
ج) انرژی الکتریکی - پزشکی و داروسازی
د) انرژی هسته‌ای - انرژی تجدید پذیر

پاسخ درست: گزینه ب

۷- مهمترین وجه تمایز حکومت پهلوی با نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران در کدام زمینه است؟

- الف) بهداشت عمومی
ب) معنویت
ج) تولید علم
د) پیشرفت صنعتی

پاسخ درست: گزینه ب

اصل سوالات حیطة عمومی

استخدامی آموزشی و پرورشی

«آموزگار ابتدایی»

اردیبهشت ۱۴۰۲

۱) هدف دشمنان ایران و اسلام از تبلیغ و ترویج شخصیت‌های مزدکی و مانوی مانند المقنع، بابک و مازیار در میان ایرانیان کدام است؟

- ۱- ترویج احساسات مذهبی دیگری به جای اسلام
- ۲- دفاع از ملیت و قومیت ایرانی باسابقه ۲۵ قرن
- ۳- تبدیل احساسات اسلامی به احساسات ضد اسلامی
- ۴- حذف ۱۵ قرن روشن از اذهان ملت ایران

۲) عده‌ای می‌گویند «شکوفایی فرهنگی و هنری ایران پس از ورود اسلام عکس‌العمل جامعه برای جبران سرخوردگی و شکست نظامی است» کدام مورد زیر، به این شبهه پاسخ می‌دهد؟

- ۱- استمرار فعالیتهای ایران به مدت ۱۴ قرن نیاز به انگیزه عاطفی دارد.
- ۲- ایرانیان پیش از جبران شکست مروج و مبلغ اسلام در میان ملت‌های دیگر بوده‌اند.
- ۳- در مناطقی که شکست سنگینتر بوده، حجم و کیفیت فعالیتهای و خدمات بیشتر است.
- ۴- سابقه خدمات متقابل اسلام و ایرانیان به قبل از شکست‌های نظامی میرسد.

۳) تألیف کتاب فصوص‌الحکم، پیش‌تازی در ریاضیات، موسیقی و آرای سیاسی درباره حکومت، از ویژگی‌های کدام دانشمند مسلمان ایرانی است؟

- ۱- کندی
- ۲- فارابی
- ۳- رازی
- ۴- ابن‌سینا

۴) کدام مورد زیر به ادعای مسلمان شدن ایرانیان با تحمیل و شمشیر پاسخ می‌دهد؟

- ۱- اندکی از خاندانها و شهروندان ایرانی در مناطق فتحشده تا قرن چهارم اسلام را پذیرفتند.
- ۲- تنها اولین گروه ایرانیان پس از حمله اعراب به ایران و با اعمال زور و اجبار، مسلمان شدند.
- ۳- ایرانیان پس از استقلال نخواستند و نتوانستند آیین و رسوم کهن خود را احیا کنند.
- ۴- در تاریخ هرچه استقلال سیاسی ایرانیان بیشتر شده اقبال آن‌ها به اسلام افزایش یافته است.

۵) دیدگاه استاد مطهری تعبیر «دو قرن سکوت» برای سال‌های آغازین ورود اسلام به ایران با چه شرایطی قابل استفاده است؟

- ۱- در مورد طبقه حاکم به‌جاست اما در مورد توده مردم و نخبگان علمی نابه‌جاست.
- ۲- در مورد طبقه حاکم و هم‌چنین در مورد توده مردم و نخبگان علمی به‌جاست.
- ۳- در مورد طبقه حاکم و هم‌چنین در مورد توده مردم و نخبگان علمی نابه‌جاست.
- ۴- در مورد طبقه حاکم نا به‌جاست، اما در مورد توده مردم و نخبگان علمی به‌جاست.

۶) سرنوشت دانشگاه جندی‌شاپور در تمدن اسلامی، در کدام مورد بیان شده است؟

- ۱- تا قرون سوم و چهارم هجری به حیات علمی خود ادامه داد.
- ۲- به دلیل کشتار اساتید و دانشجویان آن در جنگ‌ها از بین رفت.
- ۳- در ابتدای فتح ایران توسط سپاه مسلمین، تخریب شد.
- ۴- پس از اسلام آوردن ایرانیان، به مرکز علوم اسلامی بدل شد.

۷) با وجود علمی بودن روحیه ملت ایران، کدام مورد زیر نشانه‌ای از وجود روحیه ضد علمی در حکومت ساسانی بوده است؟

- ۱- نبود آثار علمی شاخص در دوران ساسانی، باوجود اهتمام ایرانیان به علم
- ۲- تمرکز مراکز علمی در نقاط دورتر از نفوذ فرهنگی حکومت، مانند جنوب غرب ایران
- ۳- بی‌توجهی به تکریم عالمان و جایگاه نامناسب معلمان در جامعه
- ۴- گسترش علم و فرهنگ و هنر در ایران، پس از انقراض حکومت ساسانی

۸) در آرای کدام حکیم ایرانی، چهار جریان فلسفی مشایی، فلسفه اشراقی، عرفان نظری و مفاهیم کالمی با هم تلاقی پیدا کرده‌اند؟

- ۱- خواجه نصیر ۲- شیخ بهایی ۳- ابن سینا ۴- ملاصدرا

۹) عقب ماندن علمی و فرهنگی ایرانیان در برخی دوره‌ها که موجب تحقیر تاریخ ایران توسط مورخانمانند گوستاو لوبون شده است، نتیجه کدام عامل است؟

- ۱- ایجاد جنگهای پیدریبی پادشاهان ایران با پادشاهان روم و یونان

- ۲- فراگیری علم و دانش میان رومیان در همه ادوار تاریخی

- ۳- اختصاص نبوغ و درایت ایرانی به جنبه‌های نظامی و دوری ایشان از فرهنگ

- ۴- وجود محدودیتهای شدید تحصیلی و علمی برای همگان در دوره ساسانی

۱۰) به ترتیب فضیلت اجتماعی پیش از ورود اسلام به ایران بر کدام پایه استوار بود و مالک فضیلت پس از اسلام کدام است؟

- ۱- طبقه و حرفه - سیادت و روحانیت ۲- خون و مالکیت - سیادت و روحانیت

- ۳- خون و مالکیت - علم و تقوا ۴- طبقه و حرفه - علم و تقوا

۱۱) یکی از ثمرات فرهنگ اسلام در تاریخ ایران هضم ساختن و اصلاح تمدن مهاجم بوده است، به ترتیب این تغییر روش در مورد کدام یک از نوادگان چنگیز و تیمور قابل مشاهده است؟

- ۱- محمد خدابنده - بایسنقر ۲- امیرحسین بایقرا - بایسنقر

- ۳- امیرحسین بایقرا - رستم فرخزاد ۴- محمد خدابنده - رستم فرخزاد

۱۲) اولین ترجمه مهم از زبان فارسی به عربی در تمدن اسلامی، مربوط به کدام قسمت بوده است؟

- ۱- فلسفه و علوم عقلی ۲- نظافت بهداشتی و درمانی

- ۳- علوم کیمیا و کیمیاگری ۴- نظامت اداری و دفاتر دولتی

۱۳) ایرانیان، مؤسس کدام شاخه از علوم اسلامی در تمدن بزرگ اسلامی بوده‌اند؟

- ۱- علم لغات ۲- اصول الفقه ۳- علم الحدیث ۴- دستور زبان

۱۴) تمدن اسلام و دین مقدس اسلام، توسط کدام گروه از حاکمان ایران به هندوستان برده شد؟

- ۱- عباسیان ۲- برمکیان ۳- خوارزمشاهیان ۴- غزنویان

۱۵) ایرانیان در توسعه و پیشرفت کدام رشته از علوم و معارف اسلامی، سهم بیشتری نسبت به رشته‌های دیگر دارند؟

- ۱- ادبیات ۲- فقه ۳- فلسفه ۴- تفسیر

۱۶) کدام مورد به ترتیب بیانگر وضعیت «کیفیت دسترسی به بهداشت و درمان» و «شاخص امید به زندگی» در سال‌های پس از انقلاب اسلامی ایران است؟

- ۱- کاهش - افزایش ۲- افزایش - افزایش ۳- افزایش - کاهش ۴- کاهش - کاهش

۱۷) ایران در سال‌های پس از انقلاب اسلامی، از نظر میزان رشد کدام شاخص به رتبه نخست جهان دست یافت؟

- ۱- خطوط ریلی ۲- بودجه نظامی ۳- صنایع غذایی ۴- پیشرفت علمی

۱۸) در سایه توجه فرهنگ اسلامی به علم و گسترش آن تعداد فارغ التحصیلان دانشگاهی پس از انقلاب اسلامی تا چه میزان رشد داشته است؟

- ۱- ۵ برابر ۲- برابر ۳- ۲۰ برابر ۴- ۲ برابر

۱۹) باگذشت بیش از ۴۰ سال از انقلاب اسلامی رتبه جهانی ایران در رشد « شاخص توسعه انسانی » کدام است؟

- ۱- بیست و یکم ۲- پانزدهم ۳- اول ۴- چهارم

۲۰) بالاترین رتبه علمی ایران در میان کشورهای جهان مربوط به کدام رشته علمی است؟

- ۱- علوم ژنتیک و سلولهای بنیادین ۲- علوم فضایی و هوافضا
۳- علوم داروسازی ۴- علوم بیوشیمی و زیست مولکولی

۲۱) تربیت رسمی و عمومی (در شکل فعلی آن) یکی از مظاهر مدرنیته است، کدام روی کرد در مواجهه با آن

تناسب بیشتری با راهبردهای کلان اسناد بالادستی تربیتی دارد؟

- ۱- شریعتگرا ۲- تمدن ساز ۳- تجددگرا ۴- سنتگرا

۲۲) بنا بر کدام قاعده فقهی تدوین فلسفه تربیت رسمی و عمومی برای ایران ضرورت می یابد؟

- ۱- ربوبیت ۲- هدایت ۳- نفی سیل ۴- بیداری اسلامی

۲۳) بر اساس کدام اصل فلسفی روندهای کلان تغییرات اجتماعی توسط نهاد تربیت رسمی و عمومی منجر به

انسجام اجتماعی و تمایز یافتگی می شود؟

- ۱- وحدت در کثرت ۲- سنت گرایی تحولی ۳- جامعه گرایی ۴- علیت

۲۴) کدام ویژگی زیر جزو ویژگی های عام تربیت رسمی و عمومی محسوب می شود؟

- ۱- انعطاف ۲- تحول آفرینی ۳- دین مداری ۴- سامان یافتگی

۲۵) «تنوع بخشی به فرصت های تربیتی متناسب با استعداد های مختلف متریبان» در شمار کدام یک از اصول تربیت

رسمی و عمومی است؟

- ۱- عدالت در تربیت ۲- تنوع و کثرت

- ۳- رعایت استعدادهای متریبان ۴- انطباق با نظام معیار اسلامی

۲۶) کدام مورد در خصوص اصل حفظ و ارتقای آزادی در تربیت رسمی و عمومی صحیح نیست؟

- ۱- آزادی امری فطری و ذاتی است ۲- بهره گیری از آزادی امری یادگرفتنی است

- ۳- آزادی متربی به معنای «آزادی از» می باشد ۴- آزادی متربی به معنای «آزادی در» می باشد

۲۷) کدام یک از موارد زیر جزو «اصل آینده نگری و پویایی در تربیت رسمی و عمومی» است؟

- ۱- نظارت متقابل ارکان نظام تربیت رسمی و عمومی در جهت پشتیبانی از نظام

- ۲- بومی سازی روی کردهای جدید جهانی در تربیت رسمی و عمومی

- ۳- رعایت حقوق و تکریم متریبان در عین مسئولیت پذیری آنها

- ۴- نگرش نظام مند در هدایت تحولات تربیتی

۲۸) عبارت زیر به کدام مورد اشاره دارد؟ «زمینه اجتماعی سامان یافته ای برای تحقق حیات طیبه است که امکان

تجربه این نوع زندگانی را برای همه متریبان فراهم می آورد»

- ۱- جامعه صالح ۲- خانواده صالح ۳- مدرسه صالح ۴- مدرسه سالم

۲۹) کدام مورد زیر جزو مصادیق اصل تحول مداوم در ساحت تربیت اعتقادی، اخلاق و عبادی نیست؟

- ۱- حرکت از الزام بیرونی به التزام شخصی ۲- توازن میان مربی محوری و متربی محوری

- ۳- حرکت از اصلاح فردی به اصلاح جمعی ۴- حرکت از اصلاح ظاهر به تحول باطن
- ۳۰) مهم‌ترین جهت‌گیری حاکم بر ساحت تربیت زیستی و بدنی کدام است؟
- ۱- تعامل نفس و بدن ۲- هم‌گرایی ۳- تعامل خانواده و رسانه ۴- تعامل دین و اخلاق
- ۳۱) «نشانه دانستن طبیعت» در ساحت تربیت هنری بر کدام مطلب دلالت دارد؟
- ۱- حفظ طبیعت برای آیندگان ۲- شناخت خالق جهان و شکرگزاری از وی
۳- استفاده صحیح از طبیعت ۴- تأکید بر رمزگشایی و رمزگردانی طبیعی
- ۳۲) در خصوص تربیت علمی و فناوری از منظر «تربیت اسلامی» کدام مورد صحیح است؟
- ۱- استفاده از تکنولوژی غربی صحیح نیست ۲- تکنولوژی حامل فرهنگ و ارزشها نیست
۳- انسان مخدوم تکنولوژی است ۴- تکنولوژی مخدوم انسان است
- ۳۳) بر اساس فلسفه تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران کدام مورد در خصوص نسبت خانواده و حاکمیت در تربیت صحیح‌تر است؟
- ۱- مسئولیت اصلی تربیت کودکان در نظام حقوقی ایران با والدین است و دولت تکمیل‌کننده است
۲- تربیت حق حاکمیت است و هدف‌گذاری، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی تربیت رسمی با آن است
۳- رابطه حاکمیت و خانواده در تربیت رسمی و عمومی، رابطه عرضی و تعاملی با یکدیگر است
۴- تربیت حق خانواده است و حاکمیت به باید از خواسته‌های آنان در تربیت پیروی کند
- ۳۴) لزوم «تاریخ‌مندی» تربیت رسمی و عمومی به کدام مورد اشاره دارد؟
- ۱- توجه به سنت و فرهنگ‌های پیشین ۲- انفعال فرهنگی نسبت به دیگر فرهنگ‌ها
۳- تناسب با مقتضیات زمان و مکان ۴- تحلیل زمانی و مکانی وقایع تاریخی
- ۳۵) «فرو کاستن یادگیری به یادسپاری محتوای مشخص و هم‌چنین فرو کاستن مفهوم شایستگی به توسعه بعد شناختی متریبان» به کدام معضل اشاره دارد؟
- ۱- تبعیض تربیتی ۲- مدرک‌گرایی ۳- از خودبیگانگی ۴- حافظه‌گرایی
- ۳۶) عبارت زیر، مربوط به کدام مبانی تربیت رسمی و عمومی است؟ «تأمین رفاه هدف اصلی دولت اسلامی نیست، بلکه هدف اصلی زمینه‌سازی برای حیات طیبه است»
- ۱- حقوقی ۲- سیاسی ۳- روان‌شناختی ۴- جامعه‌شناختی
- ۳۷) حدیث معروف پیامبر اکرم (ص) که می‌فرمایند «دوستی وطن، از ایمان است» به کدام لایه از هویت اشاره دارد؟
- ۱- دینی ۲- انسانی ۳- ملی ۴- جنسیتی
- ۳۸) از منظر فلسفه تربیت جمهوری اسلامی ایران، کدام یک از واژگان کلیدی زیر در تعریف تربیت دخیل نیست؟
- ۱- فرآیند تعاملی ۲- به‌روز و کارآمد ۳- اختیاری و آگاهانه ۴- زمینه‌ساز تکوین هویت
- ۳۹) ساحت تربیت اقتصادی ناظر به رشد توانایی‌های متریبی در تدبیر امر معاش است، کدام مورد زیر در این قلمرو نمی‌گنجد؟
- ۱- گسترش عدالت اجتماعی ۲- شناخت و مهارت حرفه‌ای
۳- ادراک مسائل اقتصادی ۴- رعایت بهره‌وری
- ۴۰) ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی دارای اصولی است، کدام مورد در شمار این اصول قرار نمی‌گیرد؟
- ۱- توجه به هویت ملی و انسجام اجتماعی ۲- توجه به میراث غنی ادبیات فارسی

- ۳- تأکید بر هویت انسانی، ایرانی و اسلامی
۴- تفکیک دین و سیاست و حق و تکلیف
- (۴۱) خداوند در آیات قرآن به افراد باایمان که به تعهدات خود عمل کنند و مسئولیت را بپذیرند وعده داده است که آن‌ها را در زمین جانشین قرار دهد تا به برسند و در سایه آن بتوانند را محقق نمایند.
- ۱- حکومت- عدالت ۲- آرامش- عدالت ۳- امنیت- بندگی خدا ۴- حکومت- بندگی خدا
- (۴۲) کدامیک از نویدهای قرآنی به شخص باایمان برای رسیدن به سعادت صحیح‌تر است؟
- ۱- هدایت شدن- ثمربخش بودن تلاش‌ها- پیروز شدن بر دشمن
۲- برخورداری از تکیه‌گاه مطمئن- هدایت شدن- انتقال سریع به آخرت
۳- برخورداری از مدد الهی- رهایی از سختی‌ها- برخورداری از حمایت‌ها
۴- پیروزی بر دشمن- قابلبخشش بودن لغزش‌ها- برخورداری از شفاعت
- (۴۳) ایمان همراه با کدام مورد امنیت به همراه می‌آورد؟
- ۱- تقوا ۲- تلاش ۳- تعهد ۴- عدالت
- (۴۴) معنای جامع اقامه الصلوه در قرآن چیست؟
- ۱- خواندن نماز با آداب و شرایط ۲- به پا داشتن نماز در جامعه
۳- خواندن نماز ۴- تشویق به‌جا آوردن نماز
- (۴۵) از آیه شریفه «و اطیعوا الله و الرسول لعلکم ترحمون» مستفاد می‌شود: زمانی که یک ملت از اسارت‌ها و زنجیرها آزاد می‌شود به رشد انسانی می‌رسد و رحمت خداوند شامل حالش می‌گردد که
۱- ایمان واقعی داشته باشد ۲- به مسئولیتش عمل کند
۳- با دشمن مبارزه داشته باشد ۴- منتظر امداد الهی باشد و خود در میدان عمل حاضر شود
- (۴۶) کدام آیه شریفه مؤید پیام زیر است؟ «ایمان باید از روی شعور، آگاهی و فهم باشد و نه کورکورانه و از روی تقلید»
- ۱- ربنا آتنا سمعنا منادیا ینادی للایمان ۲- انما المومنون الذین اذا ذکر الله و وجلت قلوبهم
۳- اولئک هم المومنون حقا لهم درجات عند ۴- و من الناس من یقول آمنا بالله و بالیوم الآخر و ما هم بمونین
- (۴۷) ایمان حقیقی و زاینده چیست؟
- ۱- اقرار زبانی و قلبی ۲- باور آگاهانه ۳- دلپاک و عمل پاک ۴- باور و دل پاک
- (۴۸) «از همه چیز دست شستن به خاطر هدف، به خاطر پیوستن به جامعه اسلامی و به خاطر قبول تعهد در مجموعه تشکیلات جامعه اسلامی» مفهوم کدام یک از عناوین زیر است؟
- ۱- انفاق ۲- ایثار ۳- جهاد ۴- هجرت
- (۴۹) معادن، ثروت‌های زیرزمینی، مراتع و جنگل‌ها، مصداق کدام مورد زیر است؟
- ۱- انفال ۲- انفاق ۳- صدقات ۴- بیت‌المال
- (۵۰) گله‌مندی رهبر انقلاب در سخنرانی‌های سال ۱۳۵۳ در مسجد امام حسن مجتبی (ع) در مشهد، جهت تکثیر محدوده پلی‌کپی‌های آیات قرآن نشان‌دهنده کدام یک از موارد زیر است؟
- ۱- عدم همکاری مؤمنین ۲- کمبود امکانات ۳- ملاحظه شهربانی ۴- صرفه‌جویی
- (۵۱) کدام امام (ع) بنیان‌گذار نهضت مخفی شیعی است؟
- ۱- امام حسن ۲- امام سجاد ۳- امام کاظم ۴- امام باقر